

START

REEL 104

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

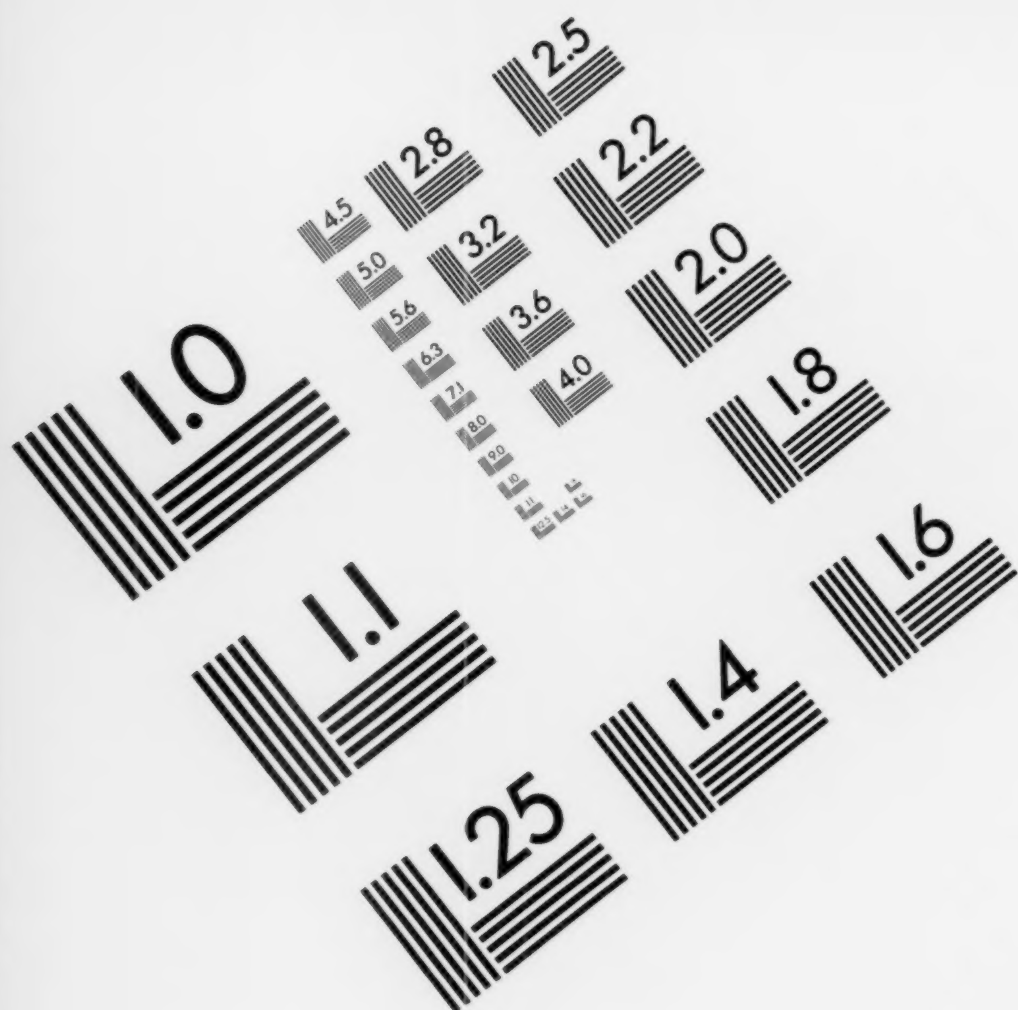
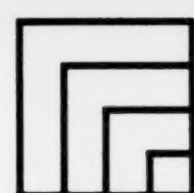
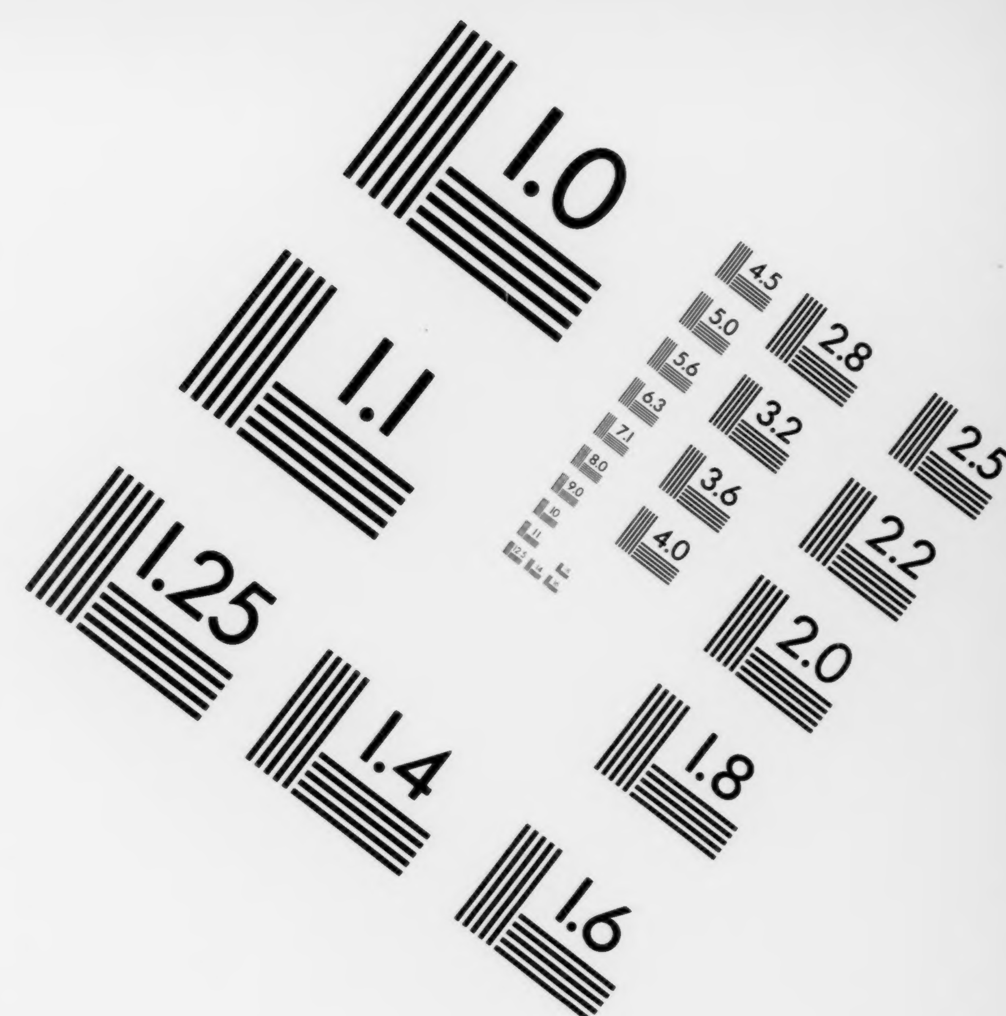
(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

AIIM

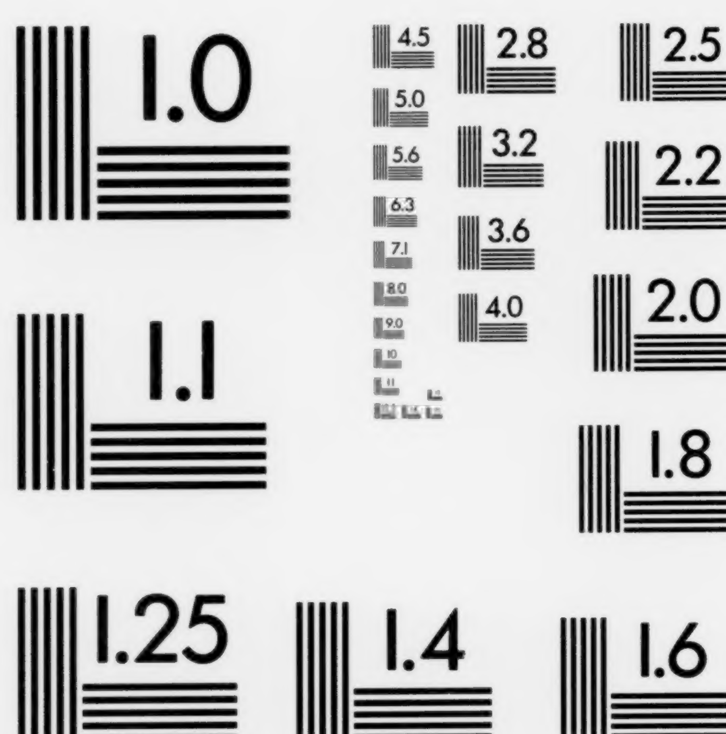
Association for Information and Image Management

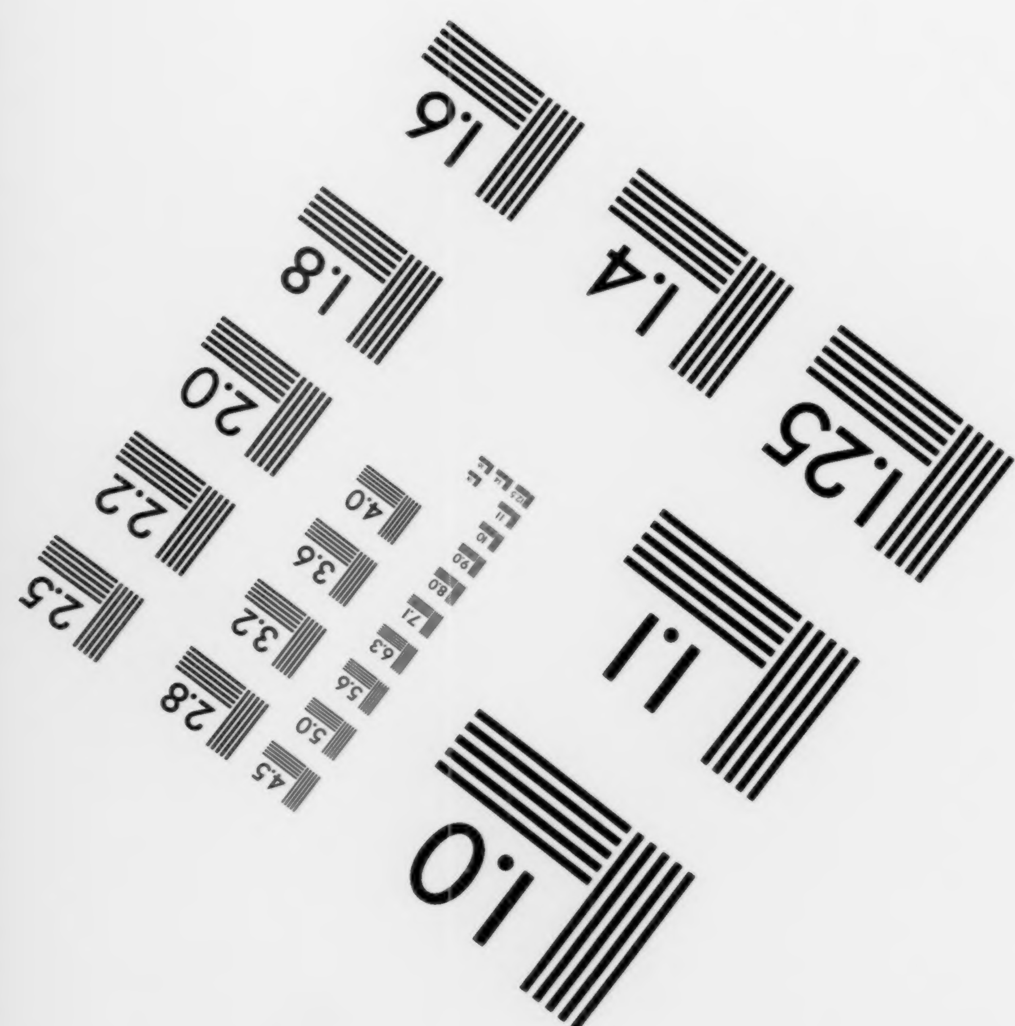
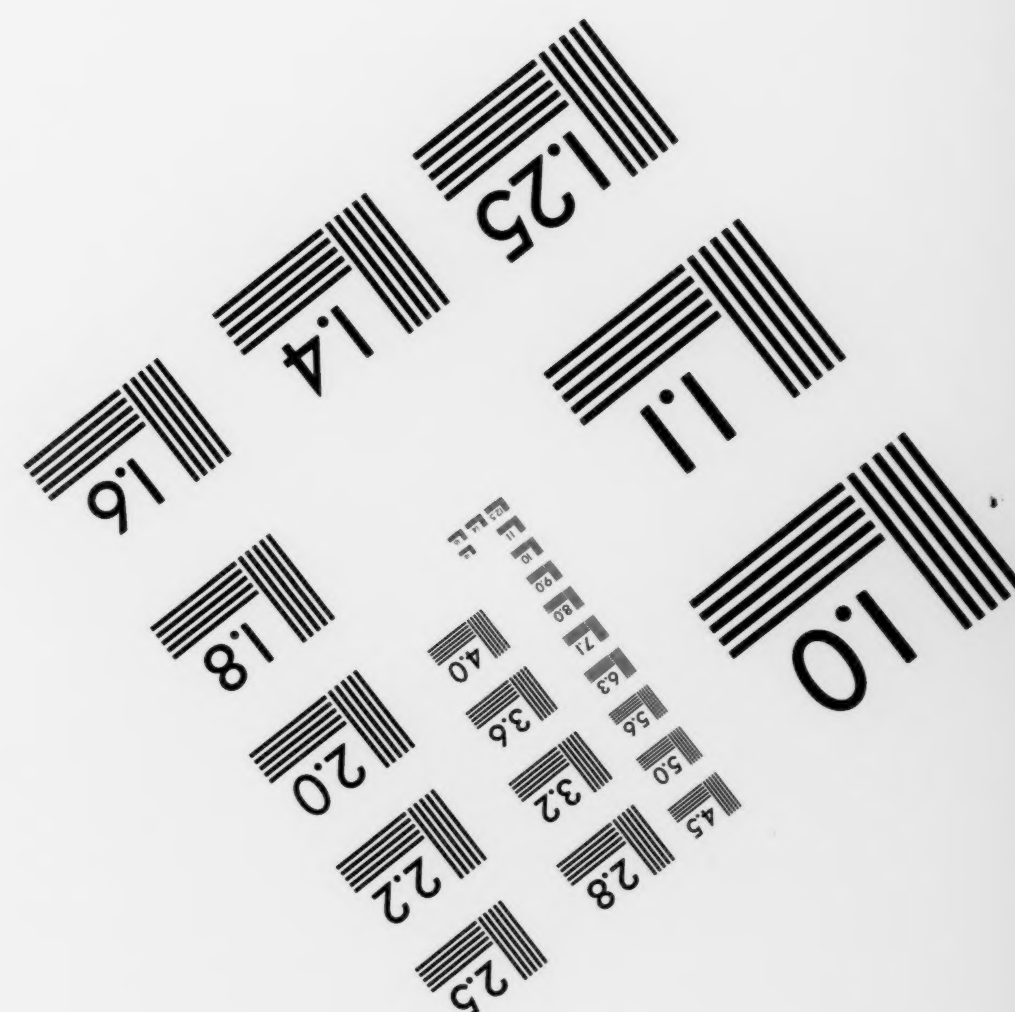
1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

MS303-1980





MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Los Angeles,
University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 106

(Richter-Bernburg No. 89)

Author: Moẓaffar b. Moḥammad al-Ḥosainī "Shefā'ī"

Title: [Qarābāẕīn]

233 fols., 200 x 113 mm


SEAL OF THE UNIVERSITY OF CALIFORNIA
LET THERE BE LIGHT
1868

1074 հիջրէ = 1664

[illegible]

[illegible]

[illegible]

BLANK PAGE

فصل در خاصیت

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الحكيم العليم والصلوة على من اوتى الحكمة والكتاب
الكريم وهو يشفى بلطفه السقيم وانه لعلى خلق عظيم وآله
الهادين الى صراط مستقيم وبعد پوشیده نماند
که فقیر حقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی در مدتی مدید
ترکیبی چند که در معالجات امراض ازان گزیری
نبود جمع کرده بود خواست که در سلک ترتیب درآورد
بعضی از مرکبات مناسبه در هر باب از کتب موثوقه
منقول علیهای حکما متقدمین و متاخرین منتخب و
ترجمه نموده بآن منضم کرد تا کتاب جامع و مستغنی
از سایر قرابادینات باشد و بترتیب حروف تهجی

مرتب ساخت مامول از کرم کرام آنکه چون بر سهوی
اطلاع یابند برقم شفقت اصلاح فرمایند و این کمینه را
مع قلة البضاعة والاعتراف بالعجز والجهالة عیب نفرمایند
والله ولی الهدایة والتوفیق من عنده وبه الاعانة

باب الالف

انوشدارو

اعضاء رئیسه را قوت دهد و خفقان و تترع را نافع
باشد و فرح آورد و لون را نیکو گرداند و بوی دهن و عرق را
خوشبوی گرداند و اشتهای طعام آورد پس از طعام و
پیش از طعام توان خورد صفت آن [illegible]
درم سعد کوفی پنج درم قرنفل مصطکی اسارون سنبل
الطیب از هر یک سه درم قاقله کبار قاقله صغار دارچینی
بسباسه جوز بوا قرفه زعفران از هر یک دو درم

یک رطل قند و عسل مناصفه صد و هشتاد مثقال آمله را
در شیر خیسانند یک شبانه روز پس بشویند و در نه رطل
آب بجوشانند تا مهرا شود و از پشت غربال بیرون
کنند و با قند و عسل بقوام آورند و ادویه کوفته
و بیخته با آن بسرشند انوشدارو[ی] لولوئی تقویت
قلب کند و معده و دماغ را قوت دهد صفت آن
مروارید ناسفته بسد یشب سعد کوفی اذخر از هر یک
دو مثقال عود خام سه مثقال و نیم طباشیر ساذج سنبل
الطیب اسارون ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال
زعفران دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال شیر آمله سی
مثقال عسل و قند سه وزن ادویه ترکیب کنند ارسطوی صغیر
نافعست از جهة سل و وجع بطن و حمی مختلفه و ربع و قولنج

و وجع

و وجع رحم و برودت بدن صفت آن افیون مصری
چهار درم اقاقیا فلفل از هر یک ده درم عاقرقرحا
سه درم سنبل الطیب ده درم عسل صاف
بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته چنانکه رسمست
بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال انقردیا کبیر نافعست
از جهة فالج و استرخا و لقوه و دماغ را از خلط ردیه
پاک کند و ذهن را تیز کند و عقل را زیاده کند
صفت آن سنبل سلیخه ساذج هندی مو زعفران
درمنه ترکی افیتمون فقاح اذخر ریوند چینی حب
بلسان قرنفل از هر یک سه درم غاریقون دو درم
صبر سقوطری ده درم ایرسا بیست درم پوست
بیخ کبر رازیانه سه رطل سرکه کهنه نه رطل پوست

از هریک پنجدرم عسل بلادر چهار درم و نیم داروها را کوفته
و بیخته بروغن گاو چرب کنند و با عسل بلادر و سه وزن
ادویه عسل صاف بسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی یکمثقال انقردیای صغیر منافع آن قریب
بمنافع کبیر است صنعت آن هلیله سیاه پوست بلیله
آمله مقشر از هریک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب
کندر وج فلفل زنجبیل عسل بلادر از هریک پنجدرم
داروها کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند و با عسل
بلادر و سه وزن ادویه عسل صافی بسرشند و بعد از
شش ماه استعمال کنند انقردیای دیگر بواسیر را نافع باشد
و سیاهی موی را محافظت کند صنعت آن هلیله سیاه
پوست بلیله آمله مقشر از هریک شش درم اهل

بیخ رازیانه را سه شبانروز در سرکه خیسانند پس بجوشانند
و بعد از سه چهار جوش از آتش فروگیرند و آن
سرکه را صاف کرده در دیگ ریزند و با سه رطل و
نیم عسل مصفی بآتش نرم بجوشانند تا بقوام آید
و ادویه را کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکدرم با آب
نیمگرم انقردیای کبیر فالج و لقوه و صرع و نسیان
و جمیع امراض بلغمی را نافع باشد و هاضمه را قوت
دهد و باه را زیاده کند صنعت آن عاقرقرحا
[illegible]شونیز قسط فلفل دارفلفل وج از هریک ده درم
[illegible]سداب خضیب ما حلتیت زراوند مدحرج
حب الغار جند بیدستر سنغیطاح [illegible]

لازم ملک

صنعت درم فلفل دار فلفل زنجبیل فلفلمویه انیسون از هر یک
دوازده درم فانید ششصد درم فانید را در آب
گرم بگدازند ادویه کوفته و بیخته و عسل بلادر بدان
مخلوط کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند انقردیا دیگر
مصروع را بغایت نافع باشد صنعت آن پوست
هلیله کابلی پوست بلیله آمله مغشر کشنیز خشک
اسطوخودوس از هر یک پنج درم جند بیدستر یک درم
عود خام زنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک سه درم
عسل صاف سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند
اثروسیا جگر و سپرز را سود دارد و سده بگشاید
و بول براند و سنگ زکرده و مثانه پاک کند و در ابتدا
استسقا نافع باشد صنعت آن زیره کرمانی دو تو

عود بلسان سلیخه قردمانا فقاح اذخر تخم کرفس
از هر یک یک درم قسط فلفل دار فلفل از هر یک نیم درم
مرصاف سه درم حب الغار ده عدد وج زعفران
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی
مقابل یک بندق در آب گرم نافع بود اثاناسیای کبری
اوجاع کبد و طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال
مزمن و قی الدم و خرو وج کلیه و مثانه و ربو و بواسیر
را نافع باشد و بادها بشکند و دردها تسکین کند
صنعت آن مرافیون زعفران جند بیدستر بزر البنج
قسط قردمانا خشخاش غافت شاخ راست بز
محرق جگر گرگ خشک کرده مجموع مساوی الجمیع
کوفتنی است بکوبند و آنچه گداختنی است در شراب

بکدازند و با عسل مصفی معجون سازند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم با آب سیب
اثاناسیا صغری منافع ان قریب بمنافع کبری است
صنعت آن میعه زعفران قسط سنبل افیون
سلیخه از هریک چهار درم عصارهٔ غافت شش
درم اصل السوس دوازده درم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی مقدار یک فندق
و در نسخهٔ دیگر عود بلسان و مر از هریک چهار درم
اضافه نموده اند اطریفل کبیر بواسیر را نافع باشد
و لون را نیکو کند و باه را زیاده کند و معده
و امعا و مثانه را قوت دهد و طعام را هضم کند
صنعت آن هلیله سیاه پوست بلیله پوست هلیله

کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل از هریک سی درم زنجبیل
بسباسه بوزیدان شیطرج هندی شقاقل تودری
سرخ تودری زرد لسان العصافیر مغز حب القلقل
کنجد مقشر خشخاش سفید بهمن سرخ بهمن سفید
از هریک ده درم کوفته بروغن بادام یا روغن گاو
چرب کنند و بعسل سرشند و بعد از دو ماه استعمال
کنند اطریفل صغیر استرخاء معده و بواسیر را نافع بود
و ذهن را نیکو کند و لون را صافی گرداند صنعت آن
پوست هلیله کابلی پوست بلیله پوست هلیله زرد
هلیله سیاه آمله مقشر مساوی کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کنند و با سه مقدار آن عسل سرشند
شربتی دو درم اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد

وورد سر و درد چشم و درد گوش را که سبب آن
بخار باشد نافع بود صفت آن پوست هلیلهٔ
کابلی پوست بلیله هلیله سیاه آملهٔ منقی کشنیز
خشک مساوی کوفته و بیخته بروغن گاو
چرب کرده با سه مقدار عسل سرشند و بعد از
دو ماه استعمال نمایند اطریفل مقل جهت بواسیر
عظیم نافع باشد صفت آن پوست هلیلهٔ زرد
آملهٔ منقی پوست هلیلهٔ کابلی از هر یک ده درم
مقل سی درم مقل را در آب کنند تا بگدازند
و شصت مثقال عسل اضافه کنند و بجوشانند
تا بقوام آید و داروها کوفته و بیخته بآن سرشند
اطریفل مقل ملین طبع را نرم کند و بواسیر را نافع
باشد

باشد صفت آن پوست هلیله کابلی پوست
بلیله هلیله سیاه آملهٔ منقی افیتمون اسطوخودوس
از هر یک ده درم مقل و فلوس خیار شنبر از هر یک
سی درم مقل و فلوس را در آب کنند تا حل کنند و با عسل
بقوام آورند داروها کوفته و بیخته بروغن بادام چرب
کرده معجون سازند اطریفل دیدان کرمهای بزرگ
و خرد و حب القرع را بکشد صفت آن برنگ کابلی
ده درم تربد حب النیل قسط تلخ از هر یک پنج درم
قنبیل ترمس افسنتین درمنهٔ ترکی افیتمون نمک نفطی
خردل شحم حنظل سعد راسن از هر یک سه درم کوفته
و بیخته با دو مقدار آن عسل سرشند شربتی از
دو مثقال تا چهار مثقال بحسب مزاج نافع باشد

اطریفل مقل نوعی دیگر بوست بلیله زرد بوست بلیله
کابلی بلیله سیاه آمله منقی از هریک بنجدرم تربد
سفید هشت درم مصطکی سه درم مقل ازرق
در روغن بادام از هریک بیست درم عسل یمنی
آب کند تا بقدر حاجت مقل را در آب کند تا
حل سازند و با عسل بقوام آورده معجون سازند
شربتی هر شب دو مثقال اطریفل افیتمونی بهار بهای
سوداوی را عظیم نافع بود و سیاهی موی رانگاه
دارد تا زود سفید نشود صفت آن بوست بلیله
کابلی بوست بلیله زرد آمله از هریک ده درم سنا
مکی تربد سفید افیتمون از هریک بنجدرم شیطرج
هندی سه درم بسفایج فستقی یکدرم افیتمون [illegible]

هندی

هندی از هریک دو درم کوفته و بخته بعسل بسرشند
شربتی یکمثقال تا چهار درم توان خورد اطریفل غددی
خناق و خنازیر را سود دارد صفت آن بلیله
سیاه پانزده درم بلیله آمله تربد سفید غدد که در
گردن گوسفندی باشد خشک کرده از هریک بنجدرم
افیتمون ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس سنا
مکی از هریک هشت درم شیطرج زرنباد غاریقون
نوشادر از هریک دو درم کوفته و بخته بعسل بسرشند
شربتی بنجدرم توان خورد اطریفل ماهان بهق سفید و برص را
سود دارد و سیاهی موی رانگاه دارد و امراض بلغمی را
نافع باشد صفت آن بوست بلیله کابلی بیست درم
بوست بلیله آمله مقشر از هریک ده درم برنگ کابلی

15

سه درم ایارج فیقرا اعضا غذا را پاک کند و فضول
از دماغ فرود آورد و لقوه و گرانی گوش و زبان و استرخای
مثانه و معده و سائر اعضا و اوجاع مفاصل و قولنج را
نافع باشد صفت آن سنبل دارچینی عود بلسان حب
بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هریک
جزوی صبر سقوطری دو وزن ادویه دیگر شربتی دو درم
بعسل و آب گرم ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا و فالج
و سکته و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و
برص و بهق و توبا و سعفه و صداع و شقیقه و دوار
و صمم و شهوت کلبی و عسر النفس و درد گرده و مثانه
و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش
و داء الثعلب و داء الحیه و ریشهای کهن بدرا نافع

یعنی صبر دو جزو

16

مثر یازده درم شیطرج هندی سعد زنجبیل
از هریک سه مثقال سافج پنج درم بسفایج اسطو
خودوس از هریک هفت درم غاریقون شش درم
قسط سه درم مصطکی کندر انیسون قرنفل خیربوا
جوز بوا از هریک دو درم فلفل دارفلفل ارشک
از هریک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی از سه درم تا چهار درم اطریفل دیگر
عرق مدنی را سود دارد اگر ده روز پیاپی استعمال
نمایند ماده این علت را پاک کند صفت آن
پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر تربد
سعد زنجبیل فلفل مساوی کوفته و بیخته
بروغن بادام چرب کنند و با عسل بسرشند شربتی

باشد وحیض را بگشاید واین مسهل بهارکست
واسهال او رحمت باشد صفت آن شحم حنظل
پنجدرم بیاز عنصل مشوی غاریقون سقمونیا فربیق
سیاه اشق اسقوردیون از هریک دو درم ونیم
افتیمون کادریوس مقل صبر از هریک سه درم حاشا
دارفلفل هیوفاریقون ساذج هندی فرابیون جعده
سلیخه فلفل سفید وسیاه دارچینی جاوشیر مرصاف
جند بیدستر وسکبینج از هریک دو درم جنطیانا اسطوخودوس
از هریک دو درم کوفته بعسل بسرشند شربتی چهار
مثقال با آب گرم وعسل بعد از شش ماه استعمال نمایند
ایارج لوغاذیا بنسخه متعارف منافع هردو قریب
بیکدیگر است صفت آن شحم حنظل سقمونیا صبر از هریک

پانزده درم بصل الفار هشت درم افتیمون غاریقون
فربیق سیاه از هریک ده درم حاشا دو درم فرابیون
بسفایج سلیخه از هریک هشت درم فلفل سیاه دارفلفل
سنبل زعفران دارچینی فطراسالیون از هریک چهار
درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس
کادریوس اسقوردیون از هریک پنجدرم زنجبیل جند
بیدستر زراوند طویل جنطیانا رومی از هریک سه درم
کوفته بعسل بسرشند وبعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی چهار درم بایکدرم طعام در طبیخ افتیمون ایارج
جالینوس نفع آن از لوغاذیا بیشتر است لقوه وفالج وتشنج
واسترخاء مثانه وامراض بلغمی وسوداوی را نافع باشد
وسلس البول را باز دارد واخلاط غلیظ ولزج را از بدن

باک کند صفت آن توتیای کرمانی شسته و شیح محرق
مغسول از هر یک ده درم مروارید ناسفته شش درم
نبات پنجدرم صلایه کرده استعمال نمایند اکبیرین که
قرحه و مورسرج را نافع است صفت آن سپیداب ارزیز
هشت درم اقلیمیاء نقره و صمغ عربی از هر یک چهار
درم روی سوخته یکدرم نشاسته اقلیمیاء نقره
افیون سرمهٔ اصفهانی از هر یک یکدرم صمغ عربی
و انزروت از هر یک دو درم سفیداب ارزیز
هشت درم صلایه کرده استعمال نمایند باکامه معده را
قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتها طعام آورد
صفت آن نان تازهٔ گرم در کوزهٔ آب نهند
بگذارند تا سبز شود و بعد ازان در سرکه خمیر کشته

و در آفتاب نهند و تا ده روز سرکه بر سر آن
بریزند و ده روز دیگر بدو شاب خمیر آن تازه کنند
بعد ازان ادویه نرم کوفته و بیخته بر سر آن ریزند
و چون خواهند که آبکامه رقیق بگیرند ازین خمیر مقدار یکمن
بگیرند و سه من سرکه بر سر آن کنند و کیسهٔ پر از داروهای
گرم نیم کوفته دران اندازند و چهل روز در آفتاب
بگذارند بعد ازان استعمال کنند

باب الباء

بادمهرج بپرورده معده و جگر و رحم و احتباس طمث را
نافع باشد و ریاح غلیظ را دفع کند و سدهٔ جگر و سپرز
بگشاید صفت آن زرنباد درونج عقربی افیون جند
بیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل سلیخه موم المجوس
بزرالبنج قسطالبنی جاوشیر زعفران از هر یک شش درم

حلبه هشت درم بارزد مر از هریک دوازده درم
مروارید ناسفته دو درم عسل دو وزن ادویه
بطریق متعارف معجون سازند برشعثا نسخه
شیخ ابو علی سینا زکام و نزله را نافع بود و اوجاع
را ساکن گرداند و قطع خون رفتن کند صفت آن
فلفل سفید بزر البنج از هریک بیست مثقال افیون
ده مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب
عاقرقرحا فرفیون از هریک یکمثقال کوفته و بیخته
با سه چندان عسل بسرشند و بعد از شش ماه
که درمیان جو نهاده باشند استعمال کنند بنادق
البزور حرقة بول را و قروح کلیه و مثانه و عسر البول
را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم

13

مغز تخم خیار پنجدرم مغز تخم کدو و بزر البنج تخم خرفه
تخم خطمی مغز بادام مقشر کثیرا نشاسته رب السوس
خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هریک دو درم
بکوبند و بنادق سازند شربتی سه درم شراب
خشخاش بنادق کندری ذرب و اسهال معده را
نافع بود صفت آن مازو سبز یکدرم کندر و گلنار
از هریک پنجدرم افیون چهار درم حب الآس
ده درم کوفته و بیخته بنادق سازند بنادق دیگر
وجع قولنج باد را تسکین دهد صفت آن جند بیدستر
شونیز نانخواه کمون افیون مساوی کوفته و بیخته
بنادق سازند هریک دو دانگ بیشتی از ترکیب
حکماء هند است و از جهت جذام عظیم النفع است صفت آن

هلیله سیاه شیطرج هندی از هریک ده درم دار فلفل
پنجدرم بهمن سفید دو درم نیمکوفته و بیخته بروغن
گاو چرب کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
برزجلی این ترکیب نیز از هندیانست و همان خاصیت
دارد صفت آن هلیله بلیله آمله شیطرج از هریک چهاردرم
جوز بوا و خیربوا قشور کندر موتوا دار فلفل دارشک
کندش عصاره اسقیل ساذج از هریک هشت مثقال
بهمن سفید چهار مثقال کوفته و بیخته بفانید معجون
سازند شربتی یکمثقال برود حصرم جرب و بیاض
و دمعه و سلاق و سبل و ظفره را نافع باشد صفت آن
توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد زنجبیل
زرد چوبه از هریک پنجدرم دار فلفل مامیران چینی

از هریک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته و بحریر
بیخته هشت روز در آب غوره بپرورند و در سایه
خشک کنند و دیگرباره کوفته و بیخته استعمال کنند
برود هندی جرب را نافع است صفت آن بنفشه کشنیز
خشک بریان کرده صمغ عربی و کثیرا از هریک یکدرم
نشاسته سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت در سرکه
بپرورند و خشک کنند و دیگرباره ساییده و بحریر بیخته
استعمال نمایند برود وردی قرحه و مورسرج را نافع
باشد صفت آن سفیداب ارزیز پانزده درم
اقلیمیا ده درم صمغ عربی هشت درم و نیم شادنج
مغسول روی سوخته نشاسته افیون از هریک
دو درم صلایه کرده استعمال نمایند برود احمر

مقصود از برود در اینجا [illegible] ادوا [illegible] در آب [illegible]

برود احمر [illegible] در هر عضوی [illegible] [illegible] مانند

جشم را خنک کرداند و سوزش باز دارد صفت آن
شادنج مغسول ده درم روی سوخته پنجدرم مروارید
ناسفته یکمثقال و دو دانگ نبات یکدرم صلایه
کرده استعمال نمایند برود اسود دمعه را باز دارد و
بیاض ببرد صفت آن سرمه و توتیای مغسول از هر یک
دوازده درم مروارید ناسفته دو درم سادج
هندی یکدرم زعفران نیمدرم مارقشیشا هشت درم
مشک و کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
باسلیقون کبیر تاریکی جشم و ابتدای آب و دمعه و
جرب و سبل و ظفره و شرناق را نافع باشد
صفت آن کف دریا اقلیمیا نقره از هر یک ده درم
نمک اندرانی سادج هندی سفیداب ارزیز

مقصود از باسلیقون و صغیر آن آنست که هر نسخه را اجزاء آن زیاده تر باشد از اکبر میگویند

فلفل

فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه صفاهانی از هر یک
دو درم نمک هندی قرنفل دوالی از هر یک یکدرم صبر سقوطری
عصاره مامیثا ماس سوخته از هر یک نیمدرم مامیران
جینی مرنوشادر از هر یک سه درم پوست هلیله زرد جهار
درم کوفته و بیخته استعمال نمایند باسلیقون صغیر
منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت آن اقلیمیا
نقره نیمدرم روی سوخته دو درم و نیم سفیداب
ارزیز نمک اندرانی نوشادر جعده فلفل دار فلفل از
هر یک نیم درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند بنفشجی
تاریکی جشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفت آن
شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی روی سوخته
دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم سادج هندی

و هر نسخه را اجزاء آن کمتر باشد از اصغر میگویند

دو دانک قاقله و مشک از هر یک دانکی کافور نیم دانک
کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند بریوما رمد را نافع باشد
و ضربان بنشاند و ردع ماده کند و چشم را هم در روز
باصلاح آورد صفت آن شیاف مامیثا انزروت از
هر یک هشت درم کتیرا یکدرم زعفران دو درم افیون
نیم درم کوفته و بیخته با آب باران بسرشند و در
وقت حاجت بسفیده تخم مرغ خانکی حل کنند و
استعمال نمایند بخوری که زکام و نزله بارد را باز دارد
صفت آن کندر میعه یابسه مرقسط سندروس
مساوی کوفته و بیخته کلولها سازند و بر آتش نهند
و سر بنجار آن بدارند بخوری که نزله و زکام حار را نافع
باشد صفت آن سبوس کندم آرد جو آرد باقلا صندل

بریوما باید معز ... در یکروز دو دو سه آرام نماید

سپید

سپید کل سرخ بنفشه کل کرز از هر یک نیم درم کافور
دانکی کوفته در سرکه خیسانند و خشک کرده دیگر باره
کوفته و بیخته بکلاب سرشته حب سازند و در وقت
حاجت بر آتش نهند و سر بنجار آن بدارند بخوری
که مقوی ذهن و دماغ است و خفقان و غشی و ضعف
حواس را نافع است صفت آن عود هندی قسط شیرین
صندل سپید از هر یک یکدرم مشک و کافور از هر یک نیم
درم کوفته و بیخته بکلاب سرشته کلولها سازند و بخور
کنند بخوری که بر آبستنی معین باشد صفت آن میعه
سائله بارزد حب الغار مساوی کوفته و بیخته بعسل
بسرشند و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یکدرم از آن
بخور کنند و بعد از آن مباشرت نمایند بخوری دیگر

بخور باید ... از دو ... در آب بجوشانند ... در بخار آن بان ... آن بخور ... یا در آتش ... از دود ...

که همین خاصیت دارد صفت آن سداب خشک
کوفته با موم کداخته و بشحم خرکوش بسرشند و بخور کنند
بخوری که مشیمه و بچهٔ مرده را بیرون آورد صفت آن
مرباروزی جاوشیر کوکرد مساوی کوفته و بیخته
بزهرهٔ کاو بسرشند و کلولها سازند و در زیر طغار
سوراخ کرده دود کنند و فرج را بران سوراخ نهند
بخته جوشش برودت معده و جگر و وجع ظهر و
مفاصل و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه را نافع
بود و لون را صافی کرداند و بوی دهن خوش کند
و معده و باه را قوت دهد و حفظ را زیادت کند
و بول براند و بادها بشکند صفت آن آب انکور
رسیده صد من کوشت تغلی فربه بخته بیست من

عود خام ده درم جوزبوا زعفران مصطکی خولنجان
از هر یک پنج درم خیربوا کبابه بزربناد قرنفل سعد
بسباسه از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی سنبل
الطیب عاقرقرحا از هر یک یکدرم عسل ده رطل
کوشت را در آب انکور بجوشانند تا مهرا شود
وادویه نیم کوفته در کیسه کنند و سر کیسه را نرم ببندند
و دران اندازند و هر لحظه بدست بمالند و یکرطل کلاب
اضافه نمایند و صاف سازند و در خم ریزند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند و اکر خواهند مرغ و کبوتر بچه بخته و کبک
و امثال اینها اضافه نمایند و از کوشت کوسفند چیزی کم
کنند

باب الثامن

تریاق فاروق
و آنرا تریاق کبیر نیز کویند مضرت کزیدن افعی و عقرب

ورتیلا و سگ دیوانه و همه جانوران زهردار را دفع
کند و دافع مضرت همه زهرهای کشنده است و جذام
و فالج و صرع و سکته و لقوه و رعشه و مالیخولیا
و ضیق النفس و خناق سوداوی و بلغمی و استسقا
و یرقان سدی و دوار و صداع و قولنج بلغمی و درد
گرده و مثانه را سود دارد و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید و حیض براند
و بواسیر و بادهای غلیظ که در احشا بود دفع کند
و ورم صلب جگر و سپرز را تحلیل کند و هیضه را
باز دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت کلبی و
نافض و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض
سوداوی و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی را

برافروزد و روح را قوت دهد و باه را برانگیزد اما مقدار
شربت تریاق کبیر در هر مرضی آنست که در شرفه کهنه
و درد سینه و پهلو که سبب آن باد غلیظ یا بلغم باشد
مقدار یک ترمس با ماء العسل دهند و از جهت گزیدن
مار و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا یک مثقال در شراب
دهند و زنبور گزیده را در سرکه دهند و در سرکه حل
کرده بر موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه
سمیه مثل افیون و شوکران و فرفیون و ذراریح
و امثال اینها در شراب دهند و در یرقان سدی
یک ترمس در طبیخ اسارون دهند و در استسقا
یک فندق بسرکه ممزوج دهند و از جهت فالج و لقوه
و رعشه در ماء الاصول دهند و از جهت جذام در ماء الجبن

دهند و خداوند حب القرع را در طبیخ قنسوم دهند و در
نافض و حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس با ب کرم
یا شراب دهند و در قولنج و نفخ معده و مغص ریحی و سقوط
شهوت و ربو و انقطاع صوت و برص یک ترمس با
ماء العسل یا شراب دهند و در ضیق النفس بسکنجبین
عنصلی و در صرع و صداع و شقیقه یک ترمس در آب کرم
دهند و خداوند هیضه را دو دانگ بشراب سیب دهند
و از جهت احتباس طمث و اخراج جنین میت در طبیخ
ابهل یا منکطرامشیع با سداب دهند و در جمیع امراض
اندکی اندک یک طسوج و بسیار آن یکمثقال باشد
صنعت آن اقراص عنصل جبلی و هشت مثقال
اقراص افعی و اقراص نذرو خوردن و فلفل سیاه

دافیون و دارچینی از هر یک بیست و چهار مثقال
ورق گل سرخ تخم شلغم بری ثوم بری ایرسا غاریقون
رب السوس روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال
مرمکی زعفران زنجبیل ریوند چینی فنطافلن فودنج فراسیون
فطراساليون قسط فلفل سفید اسطوخودوس دارفلفل
منکطرامشیع کندر فقاح اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل
جعده از هر یک شش مثقال لبنی تخم کرفس سیساليوس
حرف کمادریوس کمافیطوس نانخواه عصارة لحية التيس
ناردین ساذج موموجنطیانا رازیانه گل مختوم زاج
محرق حماماوج حب بلسان هیوفاریقون صمغ عربی
قردمانا انیسون اقاقیا از هر یک چهار یک مثقال
جند بیدستر دوقوقنه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون

دقیق زراوند مدحرج سکبینج از هر یک دو مثقال
عسل که از کل حاشا باشد دو رطل شراب ریحانی
هشت رطل بوزن بغداد که هر رطل از آن نود مثقال
بود صمغها د عصاره‌ها و اقراص را در شراب خیسانند
تا حل شود و عسل بر سر آن کنند و یکشبانه روز بگذارند
بعد از آن ادویه کوفته و بیخته بروغن بلبسان
چرب کنند و در یکدیگر بسرشند و بعد از چهار ماه بلکه
شش ماه استعمال کنند و بعضی گفته اند بیش از یکسال
استعمال نباید کرد و بعضی گویند بعد از دوازده سال استعمال باید کرد
و بعضی گویند آن زمان در غایت خوبی و قوت باشد تا
سی سال و چون از سی سال بگذشت تا شصت سال
قوت آن باقیست و بعد از شصت سال حکم آن

حکم معاجین کبار باشد از جهت جمیع امراض مذکوره
نافع هست الا دفع سموم و گزیدن جانوران تریاق گل
مختوم کسی را که زهر داده باشند این تریاق بدهند
قی آورد تا اگر زهر داده باشند قی آورد و اگر نه
صفت آن گل مختوم و حب الغار و ایرسا مساوی
کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کنند و بعسل
بسرشند شربتی مقابل فندقی تریاق اربعه دفع مضرت
گزیدن جانوران زهرناک کند و بادها بشکند و قولنج
بگشاید و اخراج جنین میت و تسهیل ولادت کند
و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت آن
جنطیانا حب الغار زراوند طویل مر مکی مساوی
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال در آب گرم

تریاق ثمانیه بعد از تریاق اربعه ساخته اند منافع این بیشتر از منافع اوست صفت آن زراوند طویل
ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صافی قسط تلخ جنطیانا زرد چوبه مساوی کوفته و بیخته با عسل
مصفی معجون سازند شربتی یکمثقال صح

تریاق سرطان گزیدن کلب را نافع باشد صفت آن
سرطان محرق ده درم کندر جنطیانا از هریکی پنجدرم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال تریاق دیگری
جهت گزیدن عقرب نظیر ندارد صفت آن پوست
بیخ کبر جنطیانا زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی
کوفته و بیخته ده درم از آن سفوف سازند تریاق دیگر
که همین منفعت دارد صفت آن تخم سداب زراوند طویل
حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین زرد چوبه بیخ
حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
مغز گردکان و بیر از هریک دو درم سداب حلتیت
مر از هریک یکدرم کوفته با انجیر معجون سازند شربتی

سه درم

سه درم بشراب تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفعی تمام دارد
صفت آن جنطیانا زراوند حب الغار مر مکی قسط فودنج سداب
جند بیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی
کوفته بعسل بسرشند شربتی مقابل یک جوز بشراب تریاق دیگر
که از جهت گزیدن رتیلا نافع باشد صفت آن
شونیز ده درم دوقو زیرهٔ کرمانی از هریک پنجدرم ابهل
و جوز السرو از هریک سه درم سنبل الطیب حب الغار
زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا تخم
جند قوقی تخم کرفس از هریک دو درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی مقدار یک جوز بشراب کهنه تریاق دیگر
که همین در گزیدن عقرب مساوی تریاق اکبر است صفت آن
ریوند چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته

و بخته شربتی یکدرم سنوف سازند تریاقی که دافع افیون
و بنکست صفت آن حلتیت جند بیدستر ابهل فلفل
مساوی کوفته و بخته بعسل معجون سازند شربتی
مقابل یک بندق در شراب کهنه نافع باشد تریاق
دربی صفت آن مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق یشب
عاج طباشیر طرانیث کشنیز خشک بریان کرده
صندل سفید بهمن سفید بهمن سرخ و سفید نوفل
سفید زیرهٔ کرمانی مدبر مصطکی کرویا مازوی سبز
کل ارمنی شادنج عدسی صمغ عربی آرد کنار آرد سنجد
حب الآس عذبه دانه عناب دانه بریان کرده
بوست بیرون پسته تخم زبیب از هر یک سه درم
ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده خشخاش سفید

دانه

دانه نکور بزرگ از هر یک پنجدرم عود خام و بزر البنج از هر یک
دو درم رب به شیرین رب سیب رب مورد مساوی
معجون سازند **باب التاء**
تیاذریطوس اوجاع کبد و معده و طحال و کلیه و رحم
و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام و صرع
و برص و لقوه و رعشه و فالج و جمیع امراض عتیقه
مزمنه و انواع سوء المزاج بارد رطب را نافع بود و قولنج
بکشاید و استسقا که از سردی و ضعف جگر باشد زایل
کند و اسهال آن بی مشقت باشد و ادرار بول و حیض
کند و سنگ کرده و مثانه را بریزاند و حرارت غریزی
را تقویت دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک
گرداند و بادها را دفع کند و سدهٔ جگر و سپرز بگشاید

ورنک را نیکو سازد صفت آن صبر سقوطری پانزده
درم غاریقون بست درم زعفران دارچینی وج
مصطکی روغن بلسان از هریک سه درم ریوند
چینی یکدرم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید و
سیاه دارفلفل مرجنطیانا حب بلسان نقاح اذخر
حماما از هریک دو درم کمادریوس قسط افیتمون از هریک
چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هریک شش مثقال
سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته بروغن
بلسان چرب کنند و با سه چندان عسل بسرشند
شربتی چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار سال
باقی باشد ثیادریطوس دیگر منفعت آن قریب
بمنفعت اولست صفت آن صبر سقوطری سی درم

غاریقون بست و دو درم زعفران وج دارچینی مصطکی
سورنجان سلیخه از هریک سه درم کمادریوس فلفل
ابیض اسارون عود بلسان از هریک دو درم فلفل
سیاه جند بیدستر از هریک چهار درم ریوند چینی
و سنبل از هریک یکدرم عسل سه وزن ادویه شربتی
چهار درم با آب گرم

باب الجیم

جوارش شهریاران سردی جگر و معده و قولنج و عسر
البول را نافع باشد صفت آن قرفه قرنفل
دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوز بوا هیل مصطکی
قاقله حب بلسان زعفران از هریک چهار درم و نیم
سقمونیا سه درم و نیم تربد سفید و حب النیل
از هریک هشت درم قند سفید بوزن ادویه

کوفته و بپخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال
تا هفت مثقال باب گرم دهند جوارشن زیره معده را
قوت دهد و اشتهاء طعام آورد و بوی دهن خوش
کند صفت آن پوست ترنج خشک کرده سی درم قرنفل
جوزبوا دار فلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک
یکدرم مشک دو دانگ کوفته و بپخته بعسل بسرشند
جوارشن عود بادها بشکند و خفقان و دلتنگی زایل کند
صفت آن عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل
از هر یک سه درم بسباسه نارمشک سعد فرنجمشک
رزنبه زرنبا دار از هر یک یک مثقال دارچینی زنجبیل
فلفل قرنفل مصطکی از هر یک دو درم گاوزبان پنجدرم
کافور دانگی و نیم مشک دو دانگ کوفته و بپخته بعسل

بسرشند جوارشن عود نوعی دیگر معده و دل را قوت دهد
و بر انزا موافق باشد صفت آن عود خام قرنفل
ساذج زنجبیل قاقله فرنجمشک دارفلفل از هر یک دو مثقال
زعفران یکمثقال کوفته و بپخته بعسل بسرشند جوارشن
عود نسخه دیگر هاضمه را قوت دهد و اشتهاء طعام آورد
و بلغم و رطوبت را دفع کند صفت آن قرنفل سه درم
قاقله کبار و سنبل از هر یک دو درم عود پانزده درم
زعفران یکدرم کوفته و بپخته بعسل بسرشند جوارشن
عود نوعی دیگر معدهٔ سرد را گرم کند و اشتهاء طعام آورد
و هاضمه را قوت دهد صفت آن قرنفل دو درم سنبل
یکدرم عود پنجدرم نبات یکمن نبات را در گلاب
بگدازند و بقوام آورند و فرو گیرند و بپزند و داروها

کوفته وبیختربران پاشند وبرروی سنک ریزند
جوارش عود نوعی دیکر معده را باصلاح آورد واشتها
طعام پیدا کند صنعت آن عود خام پنجدرم پوست
ترنج ده درم مصطکی یکمثقال نبات یکمن هم بآن
دستور برزینه جوارش عنبر خفقان وسردی معده
وبدی هضم واوجاع رحم را نافع بود واز برای پیران
بغایت خوبست صنعت آن قاقلهٔ صغار وکبار
بسباسه دارچینی از هریک چهار درم زنجبیل ودار فلفل
از هریک ده درم دوالمصطکی عنبر از هریک دو درم
قرفه قرنفل زعفران از هریک دو درم جوزبوا پنج
درم مشک یکدرم کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمثقال جوارش عنبر نوعی دیکر عنبر یکمثقال قند سفید

یکمن قند را بقوام آورند وفرو کیرند وعنبر را دران
حل کنند وتیز بزنند وبر روی سنک ریزند جوارش
مصطکی سردی معده وجکر را نافع بود وبلغم دفع کند و
آب رفتن از دهان باز دارد صنعت آن مصطکی
سه مثقال کوفته با یکمن قند وسی درم کلاب برروی
سنک ریزند جوارش جالینوس این جوارش را خاصیت
بسیار است همه اعضا را قوة دهد وبوی دهان خوش
کند وبادها بشکند وبسیاری بول که از سردی بود باز
دارد وباه را قوت دهد ودیوانکی ببرد وصداع وسعال
بلغمی را وبواسیر ونقرس وقوباء بهق وحصاة کلیه
ومثانه را نافع بود وسیاهی موی را محافظت کند
وکفته اند هرکه بیست روز برین جوارش مداومت کنند

از جمیع امراض مذکوره ایمن باشد صنعت آن سنبل
قاقله ۱ سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل دار فلفل
فلفل سیاه قسط بحری عود بلسان اسارون تخم
مورد قصب الذریره زعفران از هر یک دو درم مصطکی
پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته و بیخته
باد و چندان عسل بسرشند شربتی دو مثقال تا سه مثقال
پیش از طعام توان خورد و بعضی اطبا جنطیانا
پنج درم اضافه میکرده اند جوارش تمری قولنج و عسر
البول را بکشاید صنعت آن زیره کرمانی مدبر بوره ارمنی
فطراسالیون زنجبیل فلفل سفید از هر یک دو درم و نیم
سقمونیا بسرکه مشوی پنج درم خرمای دانه بیرون کرده
و مغز بادام مقشر بریان کرده از هر یک ده مثقال ورق

سداب ده درم خرما را در سرکه خیسانند یک شبانه روز
و بکوبند و از غربال بیرون کنند و عسل کف گرفته سه وزن
ادویه بر سر تمر کنند و بجوشانند تا بقوام آید و داروها
کوفته بان بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت
مثقال باب گرم جوارش مشک خفقان و باد بواسیر را نافع
باشد و بادهای معده را دفع کند صفت آن خیربوا
قاقله زنجبیل دار فلفل فلفل از هر یک ده درم مشک
خالص نیم مثقال قند سفید شصت درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارش کافور اسهال صفرایی باز دارد
و تشنگی و حرارت بنشاند صفت آن زرشک ده
درم گل سرخ هشت درم طباشیر سفید کهربا نوفل
از هر یک چهار درم تخم حماض بریان کرده هفت درم

حب الآس شش درم بست سیب ده درم بست غبیرا
ده درم انار دانه بیرون کرده هشت درم کافور سه درم
زعفران شاه بلوط هر یک پنجدرم فوفل چهار درم شراب
حماض سبز شند شربتی دو درم جوارش کند اسهال
بلغمی باز دارد و معده را گرم کند صفت آن کندر شصت
درم فلفل دار فلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل
خولنجان از هر یک ده درم قرنفل جوز بوا خیربوا از
هر یک پنجدرم مشک نیمدرم قند سپید شصت درم
کوفته و بیخته بعسل سبز شند شربتی سه درم
جوارش خوزی الطعام را هضم کند و اسهال باز دارد
و سبز بگدازد کسی را که بیم استسقا بود نافع باشد
و ادرار بول کند صفت آن قسط قرفه سنبل حب بلسان

سلیخه

سلیخه از هر یک ده درم جوز بوا پنج عدد قاقله کبار
قرنفل انیسون درونج عقربی از هر یک سه درم ریوند
چینی زراوند مدحرج اشنه از هر یک پنجدرم هلیله سیاه
پوست هلیله کابلی بروغن زیت بریان کرده از
هر یک هشت درم بلیله ده عدد حب الآس بوزن
همه ادویه نبات دو وزن ادویه در گلاب بگدازند
و بقوام آرند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارش طباشیر تب
و اسهال صفراوی را نافع باشد صفت آن طباشیر
سفید حب الآس گل سرخ از هر یک ده درم تخم
حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار سماق
عصاره لحیة التیس از هر یک شش درم زعفران

وافیون از هریک دو درم کوفته و بیخته بشراب سیب
بسرشند شربتی سه درم جوارشن سماق اسهال صفراوی
باز دارد صفت آن سماق هشت درم حب الآس
ده درم خرنوب سی درم صمغ عربی کلنار انار دانه
از هریک پنجدرم کوفته و بیخته با مویز منقی دیگر
باره بکوبند شراب سه درم جوارشن الخدان قولنج
بکشاید و بادها دفع کند و جشاء حامض را نافع باشد
صفت آن فلفل دار فلفل از هریک پنج درم ایرسا
و زنجبیل از هریک شش درم انیسون و مصطکی رازیانه
نانخواه تخم کرفس از هریک دو درم الخدان پانزده
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم جوارشن
نارمشک طبع را نرم سازد و قولنج را بکشاید صفت آن

جوز بوا یکدرم قاقله دارچینی از هریک دو درم نارمشک
و قرنفل از هریک سه درم دار فلفل پنجدرم زنجبیل
شش درم سقمونیا هشت درم نبات سی درم کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی از یکدرم تا سه درم
جوارشن دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت آن
عود خام مصطکی از هریک یکدرم تربد محکک سفید چهار درم
سقمونیا پنجدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
پنجدرم جوارشن بسباسه بواسیر و سردی معده و بدی
هضم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن
بسباسه قرفه قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی اسارون
از هریک یکدرم قاقله کبار پنجدرم فلفل دو درم قرنفل
یکدرم و نیم قند سفید هشت درم کوفته و بیخته بعسل

ببرشند شربتی یکمثقال جوارشی معلیاثا زحیر ومغص
وبواسیر را نافع بود صنعت آن تخم تره تیزک بریان
کرده زیرهٔ کرمانی مدبر از هریک یکدرم مصطکی شش
درم هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو یکدرم کوفته
وبیخته بگلاب ببرشند جوارش سمسم معده را
قوت دهد و شهوات ردیهٔ زنان را دفع کند و
رنگ را نیکو گرداند واشتهاء طعام آورد صنعت آن
رزنباد تخم کرفس زیرهٔ کرمانی نانخواه از هریک دو درم
کنجد مقشر ده درم کندر زنجبیل فلفل دارفلفل قاقله
دارچینی از هریک سه درم شکر طبرزد نود مثقال کوفته
وبیخته بگلاب ببرشند جوارشی که حفظ زیاده کند
صنعت آن زنجبیل نانخواه از هریک ده درم شونیز هلیله

کابلی

کابلی از هریک پنجدرم کوفته وبیخته بعسل ببرشند شربتی
یکمثقال جوارش مسهل تنقیهٔ معده ودفع فضلات
کند صنعت آن تربد سفید ده درم زنجبیل پنج
درم قند سفید پانزده درم شربتی سه درم جوارش
شهریاران نسخهٔ دیگر قولنج بگشاید وفضلات
ردیه را دفع کند ومعده را قوت دهد صنعت آن فلفل
زنجبیل زیرهٔ کرمانی سداب بورهٔ ارمنی خولنجان قرفه
از هریک یکدرم ونیم سقمونیا ده درم عسل چهل درم
شربتی یکدرم ونیم تا سه درم جوارش دارچینی ضعف
کرده ومثانه ومعده را نافع بود و بادهای غلیظ بشکند
واخلاط غلیظ را دفع کند صنعت آن دارچینی عود
هندی راسن از هریک شش درم قرنفل فلفل سیاه

دار فلفل سنبل اسارون از هر یک پنجدرم زنجبیل ده
درم نعناع هشت درم خیربوا و قرفه از هر یک دو درم
مصطکی انیسون رازیانه سلیخه از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش حب الآس هیضه
و اسهال معدی را نافع باشد وقتی که از بلغم و رطوبت
باشد باز دارد صفت آن حب الآس نود مثقال
هلیله سیاه بلیله آمله طالیسفر از هر یک هشت درم
فلفل سیاه دار فلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی
قردمانا کرویا انیسون زیره کرمانی سنبل سلیخه قاقله
قسط از هر یک شش درم جوزبوا تخم کرفس نانخواه
از هر یک پنجدرم ساذج هندی حماما از هر یک چهار
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش اسقف

قولنج ولقوه و بادبواسیر و بادها را که در معده باشد
سود دارد صفت آن سقمونیا تربد سفید از هر یک
پنجدرم فلفل قاقله از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی
آمله قرنفل بسفایج جوزبوا از هر یک دو درم و نیم
قند سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی چهار مثقال جوارش هندی اوجاع مفاصل
و نقرس و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت آن
سقمونیا ده درم خیربوا قاقله دارچینی زنجبیل قرفه
نارمشک قرنفل فلفل از هر یک پنجدرم تربد سفید
صد درم قند سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند جوارش زنجبیل ضعف معده و امعا
و هیضه را نافع باشد و طعام را هضم کند و بادها را

بشکند و اسهال باز دارد صفت آن زنجبیل
بیست درم صمغ عربی و خیربوا از هر یک ده درم
قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یکدرم قرنفل
دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یکنیم زعفران یکدرم
نشاسته چهل و دو درم شکر طبرزد نود مثقال جوارش
قیصر قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط غلیظ
لزج را دفع کند صفت آن دارفلفل زنجبیل
هلیله زرد سقمونیا تربد سفید از هر یک دوازده
درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد از هر یک
شش درم قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارش خواکه معده و دل و جگر
و احشا را قوت دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند

و تنقل

و تنقل بدان منع خمار کند صفت آن آب انار ترش و
شیرین آب سیب آب به آب امرود آب غوره آب
زرشک آب سماق آب لیمو مجموع مساوی بجوشانند
تا بربعی آید فرو گیرند و قند بقوام زیاده آرند و نیز بتره میریزند
و آبها بران میریزند چندانکه خواهند و بروی سنگ ریزند

باب الحا

حب ایارج دماغ
و اعضا سر را از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع
و سکته و امراض عین را نافع باشد صفت آن
ایارج فیقرا و تربد سفید از هر یک یکدرم حب النیل غاریقون
و افیثمون از هر یک نیم درم شحم حنظل و نمک هندی
از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته با آب رازیانه بسرشند
و حب سازند حب صبر اوجاع مفاصل و نقرس و فالج

ولقوه را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری یکمثقال
تربد سفید یکدرم و نیم حب النیل و غاریقون از هریک
دانکی شحم حنظل و نمک هندی از هریکی دانکی و نیم
مقل کثیرا و انیسون از هریک دانکی و نیم کوفته و بیخته
باب کرفس حب سازند حب سورنجان مفاصل
و نقرس و عرق النسا را نافع باشد صفت آن
صبر سقوطری و ماهی زهره از هریک یکدرم سورنجان
تربد سفید از هریک یکمثقال کثیرا دانکی حب النیل نیم
درم شحم حنظل دانکی نمک هندی دانکی و نیم کوفته
و بیخته باب کرفس حب سازند حب سورنجان
بنسخهٔ دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن ایارج
فیقرا تربد سفید ماهیزهره از هریک یکدرم سورنجان

بدل

پوست هلیلهٔ زرد غاریقون و انیسون از هریک نیم
درم سقمونیا و کثیرا و شحم حنظل از هریک دانکی کوفته
و بیخته باب انار ازیانه حب سازند حب سورنجان
بنوعی دیگر صبر یکدرم پوست هلیلهٔ زرد تربد سفید
از هریک نیمدرم سورنجان و سقمونیا از هریکی دانکی
و نیم تخم کرفس و نمک هندی از هریک دانکی باب
رازیانه حب سازند حب شیار درد معده را نافع
بود و قوت باصره بدهد و دردسر و تاریکی چشم
را ببرد صفت آن صبر سقوطری سه درم پوست هلیله
زرد و ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید از هریک
یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته حب سازند
شربتی یکمثقال تا سه مثقال در وقت خواب فرو

بروغن بادام چرب کرده

برند و بخسبند حب قوقایا درد سر و صداع را و درد چشم
را نافع بود و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آورد صفت
آن صبر سقوطری عصارهٔ افسنتین مصطکی از هر یک
یکمثقال شحم حنظل و سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یکمثقال حب
غاریقون سده را بگشاید و استسقا و امراض کبد را
نافع باشد صفت آن افیمون و صبر سقوطری از هر یک
شش درم غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون
تخم کرفس و دوقو از هر یک دو درم سقمونیا یکدرم کوفته
و بیخته باب کرفس حب سازند شربتی دو درم حب
غاریقون همین خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون
هر شب از آن یکدرم بنوشند غاریقون ده درم عصارهٔ

غافت

غافت و ریوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم
کوفته و بیخته باب حب سازند فالج و لقوه و مفاصل
و نقرس که از سردی باشد و وجع ظهر را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند و حیض بگشاید صفت آن
سکبینج اشق جاوشیر مقل حرمل شحم حنظل صبر
سقوطری تربد سفید پوست هلیلهٔ زرد انزروت
مساوی انزروت را در آب حل کنند و داروها کوفته
بان بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب
اصطمخیقون بدن را از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ پاک
کند صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم املج افسنتین
غاریقون از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم
کرفس از هر یک دو درم تربد سفید هفت درم افیمون

پنج درم ایارهٔ فیقرا سه درم قرنفل یکدرم فانید چهار
درم فانیدرا در آب بگدازند و دو درم سقمونیا
دران حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن
بسرشند و حب سازند حب دیگر صداع و درد
چشم را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری بیست
درم پوست هلیلهٔ زرد ده درم کثیرا مصطکی سقمونیا
زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج درم
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم
حبی دیگر که داء الثعلب را نافع باشد و صفرا و
سودا و بلغم دفع کند صفت آن افیتمون چهار
مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین
از هر یک دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال از روت

و بسفایج

و بسفایج فستق از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده
مثقال کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند
شربتی سه درم حبی دیگر قولنج بگشاید و بادهای غلیظ
را دفع کند صفت آن سکبینج شحم حنظل از هر یک ده
درم سقمونیا سه درم با آب سداب حب سازند
شربتی یکدرم حبی دیگر که بادها بشکند و فتق و اورام
خصیه را نافع باشد صفت آن تخم کرفس نهار
اسپند انیسون مصطکی زعفران از هر یک یکدرم
پوست هلیلهٔ کابلی سکبینج مقل از هر یک دو درم
فطرا سالیون و پودنه و اذخر و قسط و زرنباد درونج
و اسارون از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب
سداب حب سازند و هر روز یکدرم تناول نمایند



حب مازریون استسقاء زقی را نافع باشد صنعت آن
ریوند چینی عصارهٔ غافت تخم کرفس از هریک سه درم
غاریقون پنجدرم مازریون مدبر ده درم کوفته و بیخته
حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر که همین خاصیت
دارد صنعت آن تخم مازریون و مغز بادام از هریک نیم
درم شکر یکدرم و نیم انزروت چهار درم تربد هفت
درم جاوشیر یکمثقال نوشادر دو درم سقمونیا
یکمثقال کوفته و بیخته باب کنند تا حب سازند
شربتی هر روز یکدرم حب واصل که همین خاصیت
دارد صنعت آن سنبل سلیخه حب بلسان اسارون
عود بلسان مصطکی دارچینی زعفران از هریک
یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس

غاریقون یکدرم و نیم کوفته و بیخته حب سازند شربتی [illegible] چغرات
حب [illegible] غددی و سلعه را نافع باشد صنعت آن ایارج
فیقرا سه درم غاریقون دو درم و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم

تخم

شحم حنظل از هریک پنجدرم تربد سفید هفت درم
نمک هندی دو درم سقمونیا چهار درم شربتی چهار درم
حب شیطرج عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را
نافع باشد صنعت آن پوست هلیلهٔ زرد ده درم
صبر سقوطری بیست درم فلفل دارفلفل از هریک یکدرم
خردل سه درم شیطرج نمک هندی شحم حنظل زنجبیل
از هریک دو درم فانید سنجری چهار درم باب کرنب
حب سازند شربتی سه درم حب غافت یرقان
و ورم جگر را سود دارد صنعت آن غافت صبر سقوطری
پوست هلیلهٔ زرد مساوی کوفته و بیخته باب کرفس
حب سازند شربتی دو درم حبی دیگر که بهق و برص
و صرع و امراض سوداوی را نافع باشد صنعت آن

ایارهٔ فیقرا پنجدرم افیتمون ده درم لاجورد مغسول
هفت درم سقمونیا شحم حنظل خربق سیاه از هریک
دو درم سنبل افیتمون از هریک یکدرم کوفته و بیخته
باب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب شاهتره
جرب را نافع باشد صنعت آن پوست هلیلهٔ زرد هلیله سیاه
از هریک پنجدرم صبر هفت درم سقمونیا دو درم و نیم
کوفته و بیخته باب شاهتره حب سازند شربتی دو درم
حب مقل نوعی دیگر بواسیر را نافع باشد صنعت آن
پوست هلیله زرد هلیله سیاه صبر زرد از هریک پنجدرم
هلیله کابلی و مقل پانزده درم تربد سفید ده درم
سکبینج پنجدرم خردل دو درم سکبینج را در آب کنند تا
حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بان بسرشند

حب مقل نوعی دیگر که شقاق را سود دارد و طبع را نرم
کند و محرور را موافق باشد صنعت آن پوست هلیله
کابلی هفت درم مقل ده درم کثیرا پنجدرم الخبیسی عدد
در آب بنهند تا مهرا شود و ببالایند و مقل و کثیرا
دران حل کنند و پوست هلیله کوفته با آن بسرشند
و حب سازند شربتی دو درم حب مقل نسخهٔ دیگر هلیله سیاه
و بلیله و آمله از هریک جزوی مقل برابر همه در آب کنند تا
حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند
و حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی دیگر که چون سه
شب متوالی بنوشند وجع بواسیر را تسکین کند
پوست هلیلهٔ زرد پوست بلیله هلیله سیاه آمله مقشر
از هریک یکدرم مقل چهار درم در آب کنند تا حل سازند

درد معده و امعا و بواسیر را نافع نسخه دیگر صنعت آن

وادویه کوفته وبیخته بدان بسرشند وحب سازند
شربتی دو درم حبی دیگر که چون سه شب متوالی بخورند
وجع بواسیر را تسکین کند صفت آن هلیله سیاه بلیله
آمله مقل از هر یک چهار درم نمک هندی وصعتر
مصطکی سورنجان دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه
از هر یک هشت درم صبر سقوطری بیست درم سکبینج
دو درم مقل وسکبینج را در آب کنند تا بگدازند وباقی
ادویه را کوفته وبیخته بآن بسرشند وحب سازند
شربتی دو مثقال حب الافاویه بادها دفع کند وطبع را
نرم کند وقولنج بگشاید صفت آن زنجبیل قرنفل
دارچینی فلفل دارفلفل نارمشک مصطکی از هر یک
یکمثقال سقمونیا هشت مثقال قند سفید هشت مثقال

کوفته

کوفته وبیخته حبها سازند هر یک مقدار نخودی هر
حبی یک مجلس دفع میکند حب بهرامی استسقاء لحمی را
نافع باشد صفت آن صبر سقوطری دوازده درم
افیتمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه
تربد سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یکدرم
ونیم غاریقون سه درم حاما یکدرم کوفته وبیخته
حب سازند شربتی دو درم ونیم حبی دیگر که بهق وبرص را
نافع باشد صفت آن ایارهٔ فیقرا یکمثقال لاجورد
مغسول سنبل افیتمون شحم حنظل کثیرا سقمونیا
از هر یک دانگی کوفته وبیخته بآب کرفس حب سازند
حب صرع ایارهٔ فیقرا نیم مثقال افیتمون اسطوخو
دوس سنایج نمک هندی غاریقون از هر یک

نیم دانگ تربد سفید پوست هلیلهٔ زرد شحم حنظل کثیرا
سقمونیا از هریک دانگی کوفته و بیخته با آب حب سازند
حبی دیگر هم از جهت صرع صفت آن صبر یکدرم غاریقون
نیمدرم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا دانگی و نیم مصطکی
و سنبل از هریک دانگی حب سازند بطبیخ اسطوخودوس
بنوشند حبی دیگر جهة ضعف باه صفت آن ایارهٔ
فیقرا تربد سفید از هریک یکدرم حب النیل افیون
از هریک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا خصیة
الثعلب از هریک دانگی محموده و کثیرا از هریک دانگی
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حبی دیگر جهة آتشک
نافع باشد صفت آن ایارهٔ فیقرا یکمثقال تربد
سفید یکدرم غاریقون لاجورد مغسول پوست هلیلهٔ

زرد و سورنجان از هریک نیمدرم لک سقمونیا دانگ
و یک طسوج افیون و کثیرا از هریک دانگی کوفته و بیخته
بگلاب حب سازند حب هلیله جرب و حکه را نافع
باشد صفت آن پوست هلیلهٔ زرد و صبر سقوطری
از هریک یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ از هریک دانگی
کوفته و بیخته با آب حب سازند حب استرخا و صرع
ایارهٔ فیقرا و تربد سفید و غاریقون از هریک یکدرم شحم
حنظل حب النیل سکبینج از هریک دانگی و نیم اسطوخودوس
بوزیدان از هریک نیمدرم کثیرا دانگی کوفته و بیخته با آب
حب سازند حب فالج ایارهٔ فیقرا تربد سفید غاریقون
از هریک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان عود الصلیب
از هریک نیمدرم شحم حنظل مصطکی از هریک دانگی محموده

نیم دانگ باب رازیانه حب سازند حب استسقا ترید
سفید یکدرم ریوند چینی نیمدرم غاریقون زراوند
مدحرج زراوند طویل از هریک دانگی و نیم مقل الیهود تخم
الجزه از هریک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب
کرده دانگی کوفته و بیخته باب خالص حب سازند
حب دیگر جهة استسقا صفت آن ایارۀ فیقرا ترید از هریک
یکدرم غاریقون اسارون ریوند چینی افسنتین رومی
تخم الجزه از هریک نیم درم نمک هندی دانگی مقل
دو دانگ باب رازیانه حب سازند حب سبات سهری
بنفشه دو درم پوست بلیله زرد ترید سفید از هریک
یکدرم نمک هندی و رازیانه و تخم کرفس از هریک
نیمدرم محموده دانگی و نیم باب خالص حب سازند

حب صبر

حب صبر ایارۀ فیقرا ترید سفید صبر سقوطری از هریک
یکمثقال حب النیل نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی از هریک
نیمدرم انیسون یکدرم فلفل مصطکی کثیرا از هریک دانگی
باب رازیانه حب سازند حب بهق ترید یکدرم و دانگی
و نیم غاریقون ایارۀ فیقرا و افیتمون از هریک چهار دانگ
هلیلۀ سیاه شیطرج عصارۀ افسنتین از هریک دو دانگ
سقمونیا سه نخود مقل و انیسون از هریک دانگی باب
حب سازند حب لقوه ترید یکدرم و نیم ایارۀ فیقرا
و افیتمون از هریک چهار دانگ هلیله سیاه شیطرج
عصارۀ افسنتین از هریک دو دانگ سقمونیا
سه نخود مقل و انیسون از هریک دانگی باب حب سازند
حب رعشه و تشنج ترید سفید یکدرم پوست هلیله کابلی

وغاریقون از هریک نیمدرم صبر چهار دانک گل سرخ دو
دانک مقل دانکی محموده نیمدانک باب حب سازند حب
رعشه و تشنج سنوجلی مسهل سه درم تربد یکدرم و نیم
سورنجان چهار دانک بوزیدان ماهیزهره قنطوریون
دقیق از هریک دو دانک بآب حب سازند حبی
که درد نقرس در ساعت بنشاند صنعت آن انیسون
زیره کرمانی فلفل سفید دارفلفل مغز حب القرطم از
هریک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل فرفیون از هریک
چهار درم مصطکی شش درم سورنجان بیست
درم بآب رازیانه حب سازند شربتی دو درم باب
زیره حب رجا تربد یکدرم و نیم غاریقون ایارهٔ فیقرا
افیتمون از هریک چهار دانک قنطوریون دقیق

ماهی زهره

ماهی زهره عصارهٔ افسنتین از هریک دو دانک شحم
حنظل و سقمونیا از هریک سه حبه مقل و انیسون از هریک
دانکی بآب کرم رازیانه حب سازند حب اختلاج [illegible] تربد یکدرم
و چهار دانک افتیمون نیمدرم عصارهٔ غافت و عصارهٔ
افسنتین از هریک دانکی و نیم شحم حنظل مقل انیسون
مصطکی از هریک دانکی باب حب سازند حب مفاصل
تربد یکمثقال سورنجان نیمدرم شحم حنظل حب النیل نمک
هندی زنجبیل محموده از هریک دانکی مقل دو دانک
بنفشه نیم درم باب حب سازند حب مفاصل دیگر تربد
یکمثقال سورنجان نیمدرم شحم حنظل حب النیل
نمک هندی زنجبیل محموده از هریک دانکی و نیم ایارهٔ
فیقرا و غاریقون از هریک یکدرم مقل دو دانک

كثيرا طبوخي با آب خالص حب سازند حب ربو تربد
يكدرم ايرسا نيمدرم ايارهٔ فيقرا و غاريقون از هر
يك يكدرم محموده دانكي مقل دو دانك بنفشه
نيمدرم با آب حب سازند حب رعشه ايارهٔ فيقرا و غاريقون
از هر يك پنجدرم جندبيدستر شيطرج هندي بزر
البنج از هر يك سه درم سكبينج و شحم حنظل از هر يك
چهار درم كوفته و بيخته با آب حب سازند شربتي دو
درم و نيم حب يرقان صبر يكدرم محموده دانكي و نيم غاريقون
چهار دانك عصارهٔ غافت دو دانك با آب كاشني
حب سازند حبي كه نافعست از جهت نقرس حار صفت آن
سورنجان يكدرم محموده دانكي و نيم تخم كرفس دانكي صبر يكدرم
با آب خالص حب سازند حبي ديگر كه بلغم را از مفاصل و سرون

جذب

جذب كند صفت آن سعد سورنجان بوزيدان از هر يك
نيم درم ماهيزهره دو دانك تربد چهار دانك شحم حنظل دانكي
و نيم فرفيون دانكي با آب حب سازند حبي ديگر كه وجع ظهر را
نافع باشد صفت آن شحم حنظل سكبينج از هر يك دو درم
صبر چهار درم جندبيدستر و مقل از هر يك يكدرم كوفته
و بيخته با آب حب سازند شربتي دو درم و نيم حب بر ربوا
او جاع مفاصل را در روز بصلاح آورد صفت آن صبر
سقوطري و تربد سفيد از هر يك هشت درم پوست هليله
زرد بوزيدان سورنجان از هر يك دو درم افتيمون
و سقمونيا از هر يك يكدرم و نيم با آب كند تا حب سازند
شربتي سه درم با آب گرم حب لاجورد سودا را دفع
كند و امراض سوداوي را نافع باشد صفت آن

لاجورد مغسول سه درم قرنفل افتیمون ستمونیا از هر یک
یکدرم غاریقون پنجدرم افیتمون و بسفایج از هر یک چهار
درم ایارهٔ فیقرا شش درم باب کرفس حب سازند شربتی
سه درم در ماء الجبن حب کوتولی اعضاء سر و معده
را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را
نافع باشد و چون یکدرم ازین حب و یکدرم ایارهٔ
فیقرا حب کرده بخورند چشم را روشن کند و مانع
نزول آب کرده و اخلاط فاسده را از بدن بیرون
کند صفت آن صبر سقوطری ستمونیا شحم حنظل عصارهٔ
افسنتین مصطکی از هر یک دانکی و نیم مقل دانکی کثیرا
نیمدانک باب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه
و فالج را نافع باشد صفت آن زنجبیل فلفل دار فلفل

شیر آمله

شیر آمله سعد مصطکی دارچینی سنبل سلیخه اسارون
از هر یک دو درم صبر بیست درم باب کرفس حب
سازند شربتی دو درم و نیم حب الصدر سرفهٔ کهنه
و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را نافع باشد صفت
آن غاریقون و تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس
شحم حنظل ایارهٔ فیقرا انزروت از هر یک دو درم
باب حب سازند شربتی یکمثقال بماء العسل حب الملوک
نافعست کسی را که از مسهلات بدطعم کراهت داشته
باشد و مسهل قی کند صفت آن تربد سفید یکدرم
و چهار دانک پوست هلیلهٔ زرد مصطکی هلیلهٔ سیاه
از هر یک دانکی نیم افیتمون نیمدرم گاوزبان
بالنجمشک بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ

از هر یک دانکی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی
سه درم حب افیتمون اعضأ سر و معده را از سودا
پاک کند صفت آن ایارهٔ فیقرا شحم حنظل غاریقون
حجر ارمنی افیتمون مقل از هر یک دو درم تربد شش درم
محموده یکدرم حب سازند شربتی دو درم و نیم حب
بسفایج بلغم و سودا از معده و دماغ پاک کند صفت آن
ایارهٔ فیقرا ده درم بسفایج دو درم شحم حنظل شش درم
اسطوخودوس و افیتمون از هر یک دو درم و نیم تربد
هشت درم سقمونیا یک درم و نیم باب حب سازند
شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع امراض سوداوی و
صفراوی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
شش درم پوست بلیله آملهٔ مقشر گل سرخ نمک

[illegible]

هندی

هندی از هر یک دو درم ایارهٔ فیقرا پنجدرم شاهتره سقمونیا
عصارهٔ افسنتین از هر یک سه درم تخم کرفس نیم درم
غاریقون چهار درم کوفته و بیخته بآب کاشنی حب
حب السعال
سازند شربتی سه درم صفت صمغ عربی نشاسته کثیرا
از هر یک سه درم مغز بهدانه مغز تخم خیار از هر یک دو درم
شکر طبرزد و فانید از هر یک هفت درم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا حب سازند و اگر سرفهٔ بلغمی باشد
رب السوس و مقل از هر یک چهار درم زعفران یکدرم
اضافه نمایند حب السعال دیگر نافعست اطفال را که از
بسیاری سرفه قی کنند و سرفهٔ خشک که مانع خواب باشد
در شب و نوازل حاده را دفع کند صفت آن نشاسته
صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید افیون متساوی

کوفته و بپخته بلعاب بهدانه حب سازند هر حبی مقدار
یک نخود حب السعال بارد مغز بادام مغز تخم خیارین صمغ
عربی نشاسته خشخاش سفید از هر یک یکدرم
رب السوس دو درم باقلا سه درم بلعاب بزر
قطونا حب سازند حب السعال حار پوست بیخ رازیانه
برسیاوشان تخم کرفس تخم کرفس رب السوس مغز بادام
مساوی کوفته و بپخته باب حب سازند حب السعال دیگر
که سرفه خشک را نافع باشد صفت آن نشاسته صمغ
عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کثیرا کوفته
و بپخته بلعاب بهدانه حب سازند حب السعال دیگر
مدقوق و مسلول را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را
ببرد صفت آن صمغ عربی کثیرا مغز بهدانه تخم خطمی رب

السوس

السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از هر یک سه درم
مغز بادام باقلاء مقشر مغز کدو از هر یک پنج درم بلعاب
بزر قطونا حب سازند حبی دیگر که سینه را پاک کند
و آواز صاف گرداند و حرارت و سرفه و ریم را نافع
باشد صفت آن مغز بادام شیرین مغز بادام تلخ
بزرگ بریان کرده جلغوزه از هر یک دو درم کثیرا
وانیسون و صمغ عربی و اصل السوس و رب
السوس از هر یک نیم درم فانید و قند از هر یک چهار
درم بآب رازیانه و قدری عسل حب سازند حب
المسک بوی دهن خوش کند و لثه را قوت دهد
صفت آن فلفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک
یکدرم گل سرخ صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر

بیندرم مشک و کافور از هر یک دانگی کوفته و بیخته
بگلاب حب سازند حب النکهة همین خاصیت دارد
صنعت آن قاقله جوز بوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان
فوفل از هر یک یکدرم مشک دو دانک پوست
ترنج کبابه ببباسه از هر یک یکمثقال سعد دو درم
بگلاب حب سازند حبی دیگر که همین منفعت دارد
صنعت آن سک قرنفل قرفه جوز بوا سعد سنبل
پوست ترنج عود خام مساوی باب زردالو
حب سازند هر یک مقدار یک نخود هر صباح و مسا
یک حب از آن در دهن نگاه دارند حبی دیگر که بوی
سیر و پیاز و شراب از دهن ببرد صنعت آن
پوست ترنج مرجان هیل زنجبیل کبابه ببباسه سعد

ازهر یک

از هر یک پنجدرم مشک و طباشیر از هر یک نیمدرم
عنبر نیم مثقال صندل سوده بگلاب ده درم صمغ
عربی دانگی بگلاب حب سازند حبی دیگر که همین عمل کند
صنعت آن کبابه چینی قرنفل قرفه طباشیر از هر یک دو
درم مشک دانگی عنبر نیمدرم عود یکدرم کوفته و بیخته
که صمغ عربی در آن منقوع باشد سرشته حب سازند
حب مقل قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد صنعت
آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله
مقشر از هر یک دو درم مرجان کهربا ودع سوخته
از هر یک یکدرم مقل را در آب آهنگران حل کنند
و داروها را حلایه کرده بآن بسرشند و حب سازند
شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد

صنعت آن هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سی
درم کهربا ده مثقال مقل برابر همه باب کنند تا حل
کنند وادویهٔ دیگر را کوفته و بیخته بآن سرشته
حب سازند شربتی دو درم حب ممسک طبیعت به بندد
وخون رفتن باز دارد صنعت آن سماق دو درم
مازو یکدرم پوست انار نیمدرم حب الاس ده درم
عجب زبیب سه درم کوفته و بیخته باب ولعاب
صمغ عربی حب سازند شربتی دو درم باب مورد
بدهند واز عقب آن پارهٔ آب سرد باز خورند
حبی دیگر که اسهال خون باز دارد صنعت آن مازو
کزمازج افیون مساوی باب حب سازند شربتی
دو دانک حبی که اسهال بلغمی باز دارد صنعت آن

مر قرنفل جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته
حب سازند هر یک مقابل یک فلفل شربتی سه حب
تا پنج حب خورند حب الاخیر اسهال کهنه و تزحر را
نافع باشد کاهی که حرارت و تب نباشد صنعت
آن جند بیدستر اسارون میعهٔ سایله بزر البنج سیاه
کندر مساوی کوفته باب حب سازند شربتی دو درم
حبی که در ساعت شکم ببندد صنعت آن افیون یکدرم
اقاقیا دو درم کل کز سماق حب الاس از هر یک چهار
درم کوفته و بیخته بآبی که صمغ عربی دران منقوع
باشد حب سازند شربتی نیم مثقال حبی که نعوظ تمام
آورد و در بطؤ انزال اثری تمام دارد صنعت آن
عود خام قرنفل کبابه فلفل از هر یک سه درم

زعفران نیم درم بالنکو دو درم دار فلفل تخم بابونه
مروارید ناسفته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
با قند بقوام آرند و بسرشند و حب سازند هر یک
مقدار نخودی حبی که مسکن اوجاع است صفت
ان مصطکی حب الغار مکی زعفران فلفل قرنفل
جند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یکمثقال
و نیم بگلاب حب سازند شربتی یکدرم حقنه لینه
حمیات و سرسام و امراض حاده را نافع است
و طبع را نرم کرداند صفت ان عناب سبستان
بنفشه شعیر مقشر نیم کوفته سبوس کندم خطمی
خشک اکلیل الملک از هر یک کفی انجیر ده عدد
در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید و بپالایند

وشکر

و شکر سرخ پنجدرم روغن بنفشه بادام ده درم
روغن کنجد ده درم ابکامه پنجدرم اضافه نمایند و نیم کرم
حقنه کنند حقنه لینه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس
دو درم سبستان سی عدد کشک جو یک کف بنفشه
و نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یک کف جمله را در سه
من آب بجوشانند تا بیک من آید و صاف کنند
و ده درم لعاب بزر قطونا و بیست درم روغن
بنفشه بادام و ده درم آبکامه و ده درم بوره
ارمنی و یکدرم نمک اضافه نمایند و بیست درم شکر
سرخ دران حل کنند و بسه نوبت بریزند حقنه
معتدله حلبه بزرک انجیر عناب بنفشه سپستان
خطمی بابونه اکلیل الملک خسک شبت سبوس کندم

از هر یک کفی بپزند چنانکه رسمست و بپالایند و ده
درم فانید و دو درم بورهٔ ارمنی و یکدرم نمک هندی
و پانزده درم روغن شیر بخت اضافه نموده نیمگرم
عمل نمایند حقنهٔ حاده شحم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک
دو درم فودنج یک کف بپزند و بپالایند و بیست درم
شکر سرخ و ده درم روغن بابونه اضافه نمایند و
استعمال کنند حقنه دیگر قولنج بلغمی و درد پشت و بادهای
غلیظ را نافع باشد صفت آن حلبه بزرگ قنطوریون
بابونه خشک نیمکوفته خطمی از هر یک کفی انجیر سی عدد
عناب و سبستان از هر یک سی دانه سبوس گندم
برگ چغندر برگ کرنب شبت سداب از هر یک دو دسته
سکبینج مقل جاوشیر از هر یک سه درم مغز تخم کافیشه

کوفته بیست درم بپزند و بپالایند چنانکه رسمست و یک
درم نمک هندی و دو دانک شحم حنظل و ده درم ابکامه و
بیست درم شکر سرخ اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر
که استرخاء و فالج و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن
سنا مکی پنج درم شبت بابونه و کافیشه نیمکوفته و بید
انجیر نیمکوفته از هر یکی کفی برسیاوشان بادرنجبویه
قنطوریون دقیق از هر یک دو درم شکر سرخ پانزده
درم ابکامه ده مثقال آب برگ چغندر روغن زیت
از هر یک ده درم نمک و بورهٔ ارمنی از هر یک نیم درم بطریق
معهود عمل نمایند حقنه دیگر قولنج بکار آید صفت آن
سنا مکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت از هر یک
سه درم رازیانه افتیمون بسفایج از هر یک دو درم

بر از هر یک سی مثقال بپزند و بپالایند و سفیداب و
نشاسته و اقاقیا و گلنار از هر یک نیم درم زعفران
شیاف ابیض از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عددی
بده درم روغن گل حل کنند و در یکدیگر بیامیزند و
استعمال کنند

باب الخا خندیقون

برودت معده و احشا و جگر را نافع باشد و هاضمه را
قوت دهد و از برای پیران مفید بود صفت آن
شراب کهنه ده رطل عسل صاف سه رطل زنجبیل
ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یک یکمثقال
قرنفل و مشک از هر یک نیم درم دارچینی و فلفل از هر یک
یکدرم ادویه را نیم کوفته کنند سوای مشک و زعفران
در کیسه کنند و سر کیسه نرم ببندند و شراب و عسل را

بابونه و سبوس گندم گل خطمی از هر یک کفی گل سرخ تازه
دوازده عدد روغن زیت روغن گل سرخ شکر سرخ
آب برگ چغندر از هر یک ده مثقال آبکامه و گلقند
آفتابی از هر یک ده درم بوره ارمنی نیم درم پخته
وصاف کرده چنانکه رسمست عمل نمایند حقنه که
ریش روده و اسهال صفرایی را سود دارد صفت آن
آب برگ خرفه آب لسان الحمل از هر یک چهل مثقال
تخم مرغ بروغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیم درم
دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفیداب کهربا
مرجان گل مختوم از هر یک یکدرم بیکدیگر ممزوج سازند
و استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعا و اسهال دموی
را نافع باشد صفت آن کشک جو برنج شسته بریان کرده

بجوشانند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بدست
بمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را بردارند و مشک
و زعفران را در آن حل کنند و نگاه دارند خضابی
که موی را سیاه کند صفت آن مازو یک رطل کنیر ارد
سوخته شب یمانی از هر یک پنج درم نوشادر چهار درم
نمک اندرانی دو درم مازو را در روغن زیت بجوشانند
تا شق شود و با ادویهٔ دیگر بکوبند و با آب گرم بسرشند
و بگذارند تا چهار ساعت بگذرد بعد از آن سر و ریش
را بشویند و خشک کنند و خضاب را بر آن بمالند
و بعد از شش ساعت با آب نیمگرم بشویند خضابی دیگر
وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته بروغن گل
چرب سازند و با آب گرم بسرشند و شب بمالند و صبح

با آب گرم

با آب گرم بشویند صفت خضابی دیگر گل شقایق ده
درم آمله مقشر پوست باقلا تر از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته بسرکه بسرشند و بیست روز در آفتاب نهند
و سرکه اضافه میکنند بعد از آن استعمال نمایند خضابی دیگر
جوز السرو در سرکه جوشانده بیست درم مازوی سبز
در روغن زیت بخته تا سوخته شود شش درم مس
سوخته پوست گردکان تر از هر یک ده درم برگ سیاوشان
شب یمانی اقاقیا آمله از هر یک شش درم قرنفل دو درم
کوفته و بیخته با آب گرم بسرشند و خضاب کنند و بعد از
سه ساعت بشویند خضابی دیگر پوست گردکان شب
یمانی پوست انار مس سوخته لادن مساوی کوفته
و بیخته با آب گرم بسرشند و خضاب کنند خضابی دیگر

حنا چهار درم وسمه هشت درم سوخته شب یمانی
یمانی نمک اندرانی مازوی سبز بریانکرده در روغن
زیت وخبث الحدید از هریک سه درم کوفته و
بیخته باب گرم بسرشند واستعمال نمایند خضابی
دیگر شکوفه گردکان ومقل باروغن زیت صلایه
کنند واستعمال نمایند وبعد از شش ساعت باب
گرم بشویند

باب الدال

دواء السنه وآنرا دواء الملوک نیز گویند اوجاع مفاصل
وبواسیر وناصور وبرص وبهق سفید وسیاه و
جذام را نافع بود وحواس را قوی گرداند وباه را زیاده
کند وهرکه این معجون استعمال نماید موی او چنانکه
سفید شده باشد سفید نشود صفت آن هلیله سیاه

وبلیله وآمله از هریک سی وهشت مثقال شونیز بیست
وچهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفمونیه از
هریک بیست ودو مثقال قاقله صغار نارمشک سعد
از هریک دو مثقال کبابه عسل بلادر از هریک شش
مثقال فانید ششصد مثقال فانید را کوفته در باتیله
کنند ودر آب بگذارند وداروها کوفته وبیخته وعسل
بلادر با آن بسرشند واقراص سازند هریک دو مثقال
دانگی ونیم وهر بامداد یکقرص از آن بخورند ودرین سال
که این معجون استعمال کنند از ترشیها ولبنیات پرهیز
کنند دواء المشک حلو ضعف معده ودل وخفقان
وصرع وضیق النفس وفالج ولقوه وتب ربع را سود
دارد وبادهای زنان ابستن را دفع کند ورنگ را

نیکو گرداند [illegible] زرنباد درونج از هر یک یکدرم
مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض از هر یک
نیمدرم بهمن سرخ و سفید سادج هندی سنبل الطیب
قاقله قرنفل جند بیدستر دواله از هر یک چهار دانگ
زنجبیل دارفلفل از هر یک دو دانگ مشک دانگی و نیم
کوفته و بیخته بعسل شهد که آتش ندیده باشد بسرشند
و بعد از چهار ماه استعمال نمایند شربتی از یکدرم تا دو
درم کافی باشد دواء المشک بارد کهربا پنجدرم طباشیر
پنجدرم ورق گل سرخ پنجدرم کشنیز خشک چهار
درم گاوزبان هفت درم بسد سه درم مروارید
سه درم ابریشم مقرض سه درم صندل سفید
سه درم تخم خرفه پنجدرم مشک یکدرم آمله هفت درم

[illegible]

دارچینی

52

[illegible]

دارچینی دوازده درم زعفران یکدرم عسل و قند سه وزن
ادویه دواء المشک مر رطوبات معده را ببرد و خفقان
سوداوی و ورم حنجره را نافع باشد صفت آن افستین
رومی صبر سقوطری از هر یک هشت درم ریوند چینی
شش درم نانخواه زعفران تخم کرفس از هر یک
چهار درم مشک ناردین سادج هندی مروارید
ناسفته از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم و نیم
بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال دواء اللک کبیر صلابت کبد
و طحال و معده و استسقا و برودت معده را نافع باشد
و سده بگشاید و بول براند و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و بدن را لاغر کند صفت آن لک مغسول دو درم
تخم کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم

کافیطوس زوفای خشک از هر یک چهار درم و چهار دانگ
جنطیانا و زراوند مدحرج از هر یک یکدرم صبر سقوطری
و سنبل از هر یک دوازده درم فوه پانزده درم حب
بلسان سلیخه مصطکی قصب الزریره اسارون از
هر یک شش درم کندر چهار درم دارفلفل زراوند طویل
از هر یک دو درم فلفل و قسط از هر یک ده درم سیبا لیوس
سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یک
مثقال دواء اللک صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است
صفت آن لک مغسول قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب
الغار حلبه فلفل از هر یک ده درم ریوند چینی پانزده
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکدرم بطبیخ افسنتین یا آب گرم دواء الکرکم کبیر

اراحی

امراض جگر و سپرز را که از سردی بود نافع باشد و سده را
بگشاید و بادها دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد
و بول براند و استسقا را که سبب ورم سپرز و جگر باشد
صفت آن زعفران دوازده مثقال اسارون و مو و فو
و انیسون و فطراسالیون و ریوند چینی از هر یک چهار درم
سنبل شش درم قسط و سلیخه و فقاح اذخر و حب بلسان
از هر یک یکدرم فوه دو درم رب السوس و جعده مصطکی
صاف غافت از هر یک سه درم روغن بلسان پنج درم مر
چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از یکدرم
تا دو درم با ماء العسل دواء الکرکم صغیر منافع آن
قریب بمنافع کبیر است صفت آن زعفران سلیخه
سنبل از هر یک دو درم قسط فقاح اذخر دارچینی

در بعضی نسخ بدل حب بلسان [illegible] بلسان
[illegible] دو درم
[illegible]

از هر یک یکدرم کوفته و بیخته یک شبانه روز بشراب انگوری
ترکنند و روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی دبهر
ورد سنبل الطیب اسارون قسط مصطکی زعفران
لک مغسول صندل سفید طباشیر سلیخه دارچینی از هر یک
یکمثقال ورق گل سرخ دحمر تا ده مثقال عسل سه وزن
ادویه دواء الکبریت امراض بلغمی و سوداوی و تبهای
کهن و نافض و تنگی نفس و سرفه بلغمی و ریم که از سینه
برون اید و استسقا و درد سپرز و عسر البول را نافع باشد
و سنگ گرده و مثانه بریزاند و مضرت ادویه سمیه
چون افیون و شوکران و بیخ لفاح را دفع کند و از
جهت گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد صفت آن
کوکرد زرد و بزر البنج سفید قردمانا میعه سایله مرز

هر یک دو درم سلیخه دوازده درم فلفل سفید دو درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
دحمر تا بادها بشکند و قولنج را نافع باشد صفت آن
هزار اسفند و حلبه از هر یک سی درم درونج عقربی
فلفل دار فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران
زنجبیل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی دو درم دواء الحلتیت تب ربع و گزیدن
عقرب و رتیلا و مانند ایشان را نافع باشد و از جهة
تب در سکنجبین دهند بعد از آنکه چهل روز گذشته
باشد و از جهة گزیدن جانوران زهر دار در شراب
صفت آن حلتیت سداب حرفلفل مساوی کوفته
و بیخته بعسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز

دواء المازریون لنا استسقا واکثر امراض سوداوی و
بلغمی را نافع باشد صنعت آن مازریون در سرکه
خیسانند یکشبانه روز و در سایه خشک کرده یکدرم
زیرهٔ کرمانی و نمک هندی و پوست هلیله زرد از هر
یک نیم درم افیتمون و تربد سفید از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته شربتی دو درم بخورند دواء التربد
حمیات بلغمی را نافع باشد صنعت آن زنجبیل و مصطکی
از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم سکر طبرزد
چهل درم شربتی هر شب یکمثقال دواء الترنجبین ضعف
باه را که سبب آن حرارت باشد نافع بود صنعت آن
ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه
بجوشانند تا بقوام آید و هر شب دو ملعقه بنوشند

دواء الخسک خسک خشک را بکوبند و ببیزند و در آب
خسک تر کنند سه شبانروز در آفتاب بپرورند و
هر روز تازه میکنند چندانکه آب خسک تر سه
وزن خسک خشک بکار رود پس خشک کنند و سه
درم از آن با ده درم شیر تازه و ده درم نبات
بنوشند و سرد مزاج قدری زنجبیل کوفته و بیخته
اضافه نماید دواء البصل تولید منی کند و نعوظ آورد
و بغایت مقوی باه بود صنعت آن آب پیاز
یکجزو عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام آید در وقت
دو ملعقه از آن بنوشند دواء الفرس جهت ضعف
معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد
نافع بود صنعت آن هلیله سیاه بروغن گاو بریان

کرده ده درم حرف مقلو پنجدرم نانخواه و صمغ فارسی از هریک
سه درم خبث الحدید ده درم شربتی دو درم با شراب کهنه
دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع بود
چون بدان غرغره کنند یا بر خارج طلا کنند صفت آن
تخم کرفس و انیسون و نانخواه و هزار اسفند و دارچینی و مر
زراوند طویل و زعفران از هریک ده درم گل سرخ هشت
درم قسط و رماد الخطاطیف از هریک سی درم نشاسته
و سنبل از هریک پنجدرم مازو سیزده عدد کوفته و
بیخته بعسل سرشند و استعمال نمایند دواء الحرمل همین
خاصیت دارد صفت آن هزار اسفند و تخم ترب
و حلتیت و مر و بوره ارمنی و نوشادر مساوی کوفته
و بیخته استعمال نمایند دیاقوذا منع نزلات کند و

سرفه خشک را بغایت نافع باشد صفت آن خشخاش
سفید با پوست هشت عدد تخم خطمی کثیرا صمغ عربی
تخم خیارین بهدانه شیرین از هریک پنجدرم اصل السوس
هشت درم بزر قطونا ده درم مجموع را در شش رطل
آب باران خیسانند دو شبانه روز تا نرم شود پس
با آتش نرم بپزند تا مهرا شود و بنیمه آید بعد از آن
صاف کنند و یکمن قند سفید اضافه نمایند و بقوام آورند
صفت آن خشخاش سفید و خشخاش سیاه از هریک
ده مثقال بنفشه و صمغ عربی از هریک پنج مثقال
اصل السوس سه درم آب انار شیرین هشت مثقال
قند سفید صد درم شربت سازند چنانکه رسم است
دیگر دیک اکله و ناصور و لحم زاید را نافع صفت آن

دیاقوذا بجهت سرفه و ضیق النفس [illegible]

زرنیخ سرخ و زرنیخ زرد از هر یک شش درم
هر یکی ده درم آهک آب ندیده پانزده درم
زنگار یکدرم کوفته و بیخته بسرکهٔ کهنه بسرشند
و قرص سازند داروی که موی برویاند و دراز و سیاه
کند صفت آن برنجاسف برگ مورد شونیز بریان
کرده مساوی کوفته و بیخته بروغن مورد یا
روغن زیت سرشته استعمال نمایند داروی
که کند با بهر صفت آن شب یمانی در آب حل
کنند و با برا بدان بشویند یا پای را باب برگ
سوسن یا برگ مورد بشویند نافع باشد داروی
که حب القرع و کرم دراز را بکشد و اخراج کند صفت آن
قنبیل هر خس ترمس حب النیل از هر یک نیم درم

درمنهٔ

درمنهٔ ترکی دو درم تربد و برنک کابلی مقشر از هر یک
نیم درم کوفته و بمویز منقی سرشته تناول نمایند داروی
که چون بر آتش نهند از دود آن جانوران گزنده بگریزند
صفت آن زفت رومی گوگرد زرد شاخ گوزن بادآورد
مساوی زفت را بگدازند و داروها کوفته و بیخته
بآن بسرشند و استعمال نمایند داروی که حبس عرق کند
صفت آن برگ مورد ورق گل سرخ صندل بگلاب
بجوشانند و جامه را بدان ترکنند و بپوشند داروی
که نافعست از جهت کرم که در گوش باشد صفت آن
شراب دو درم عسل سه درم روغن گل یکدرم سفیدهٔ
تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند و نیم
پارهٔ بدان ترکنند و نیمگرم در گوش نهند و بر الحا

تکمید کنند یکساعت بعد از آن بیکبار آن پشم
را بیرون کشند کرم بیرون آید داروی که از جهة
گزیدن عقرب و حیه بالخاصیه نافع باشد صفت آن
آهک برگ توت کوفته بروغن دنبه بسرشند
و بر محل زخم نهند یا آهک و زرده تخم مرغ بهم
آمیخته بر زخم نهند درد ساکن گردد و اگر باقلاء
کوفته بدوشاب سرشته بر موضع گزندگی
مالند فی الحال درد ساکن شود و اگر کژدم را در روغن
بجوشانند و بپالایند کسی را که کژدم بگزد آن آن
روغن بر موضع گزندگی مالند درد ساکن گردد و اگر
با عسل آن روغن بیامیزند چون کودک از مادر
بزاید از آن نیم درم بکام کودک بمالند اگر در همه عمر

کژدم او را بگزد درد نکند و اگر چرک گوش خر بر موضع
گزندگی عقرب مالند درد ساکن کند و اگر سیر پیش
بسرکه تر کنند و بمالند همین عمل کند و آن کژدم که کسی را
گزیده بود بگیرند و نمک سوده و روغن چراغ گرم کنند
و بر زخم کژدم نهند همین عمل کند و اگر برگ تاک بکوبند
و بر موضع درد نهند فی الحال درد ساکن شود و اگر
و اگر مغز جوز و انجیر و سیر کوفته بر زخم مار نهند نافع
باشد داروی آتشک زیبق مقتول هشت مثقال حنا
لادن مصطکی سورنجان از هر یک دو درم تربد و بیخ
سفید بنفشه از هر یک سه درم روغن گل ده
مثقال روغن زیت پانزده مثقال آب لیمو پنج
مثقال سیر برسی مثقال و اگر جراحت دانه باشد توتیا

وسفیداب ومرداسنگ از هریک ده درم زنگار
نیم درم اضافه نمایند وبطریق مرهم ترتیب نموده
بدستور متعارف بمالند دوایی که بیهوشی آورد صفت
آن افیون پنج درم خشخاش سیاه ده درم در سه رطل
آب بجوشانند تا رطلی آید ونیم رطل گندم پاک
بجوشانند تا آب تمام نیست شود پس گندم خشک
کنند وبکوبند ویکمثقال از آن گندم هرکرا بدهند بیخود
شود دوایی دیگر که همین عمل کند صفت آن خشخاش
سیاه وتخم کاهو از هریک پنج درم بزر البنج دو مثقال
بجوشانند وصاف کنند وبا قند بقوام آرند مثقالی
از آن مسکر باشد واگر شنه در شراب کنند
هرکه بخورد بیخود گردد واگر خواهند که مست زود هشیار

شود سرکه کهنه با گلاب بدهند یا دوغ گاو با برف
سرد کرده بنوشند داروی که نافعست از جهة حکه و
جرب وسعفه وانرا قشیشی گویند صفت آن پوست
هلیله زرد شش درم سنا مکی وشاهتره از هریک
دو درم افسنتین یکدرم ونیم کوفته وبیخته بکشمش
کوفته بسرشند شربتی مقابل بخورند داروی که شهوات
ردیه زنان حامله را دفع کند صفت آن مصطکی یکدرم
عود خام نیم درم زیره کرمانی دانگی ونیم کوفته وبیخته
با ده درم گلقند سرشته بنوشند دوایی که نافع است
از جهة درد دندان که سبب آن حرارت باشد
صفت آن افیون نیم دانک در روغن گل حل
کند وقدری پنبه بدان تر کنند وبر دندان نهند

همین عمل کند دوایی که نافعست از برای درد دندان
که سبب آن برودت باشد و آنرا تریاق الاسنان
خوانند صفت آن جند بیدستر حلتیت مر زراوند
مدحرج زنجبیل میعه وافیون بزر البنج مساوی کوفته
و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان ترکنند
و بر دندان نهند دوایی دیگر که همین منفعت دارد
صفت آن فلفل عاقرقرحا مویزج زنجبیل از هر یک
یکجزو بورهٔ ارمنی یکجزو نیم کوفته و بیخته بعسل
سرشته استعمال نمایند دوایی دیگر درد دندان سوراخ
دار را نافع باشد صفت آن عاقرقرحا بازرد مساوی فلفل ٥
فلفل و عاقرقرحا را بکوبند و بازرد بسرشند و در
سوراخ دندان نهند لثه را محکم کند و گوشت رفته دوایی که ٥

را برویاند صفت آن کندر زراوند مدحرج دم الاخوین
کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته و بیخته بسنک
جبن عنصلی بسرشند و استعمال نمایند دوایی دیگر که
درد دندانرا ساکن گرداند صفت آن عاقرقرحا
مویزج از هر یک سه درم تخم مرو یکدرم آب
گشنیز تازه بیست مثقال شیر گاو ده مثقال
جوشانیده حب سازند و بر دندان نهند و اگر
سداب تازه با مویز سیاه بکوبند و بر دندان نهند
همین عمل کند باب الذال در ذور ملکیا
درد بیخ و ابتداء ورم را نافع باشد صفت آن
انزروت پرورده بشیر خر نشاسته صمغ عربی
نبات مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند

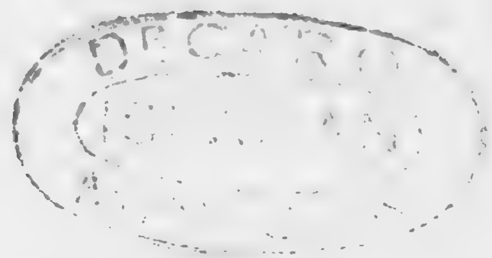
ذرور اصفر نافعست از جهت کمنه السدة و درد
چشم که سبب آن رطوبت باشد صفت آن
انزروت مربی پنجدرم شیاف مامیثا دو درم
صبر زعفران تخم گل از هر یک نیمدرم افیون چهار
دانگ کوفته و بیخته استعمال کنند ذرور اصفر دیگر
انزروت مربی ده درم صبر زعفران حضض از
هر یک دو درم حرصاف یکدرم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور اصفر که قرحه و مورسج را نافع باشد صفت
آن سرمهٔ اصفهانی شادنج عدسی مغسول صلایه
کرده ذرور ساذج ذروری دیگر بنوعی دیگر ابتداء
رمد را نافع باشد صفت آن اقلیمیا نقره سفیداب
صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا بیت درم

صمغ

صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت درم نشاسته
سی درم افیون ده درم کوفته و بحریر بیخته
باب رازیانه پرورده ذرور ساذج ذرور دیگر
جرب و سبل و دمعه را نافع باشد صفت آن مامیران
چینی یکدرم توتیای کرمانی پرورده شیح سوخته
پرورده توبال مس سوخته مغسول و سرمه اصفهانی
پرورده از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور وردی مورسج و بثره و قرحه رطبه را
نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز سه درم
اقلیمیا نقره دو درم و دو دانگ افیون و دو دانگ
صمغ عربی یکدرم و دو دانگ انزروت نیمدرم مس
سوخته دو دانگ و دو حبه شادنج مغسول چهار دانگ

کوفته وبیخته استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را
پاک سازد صفت آن نشاسته سه درم انزروت
مربی واسفیداج رصاص از هریک دو درم کوفته
وبیخته ذرور سازد ذرور عسل بیاض را نافع
بود چون در قرنیه نتو نباشد صفت آن سرکین
خطاف عاقرقرحا انزروت زنکار مسحوق نیا
اقلیمیا کوفته وبیخته بعسل مصفی بسرشند
واستعمال نمایند ذروری که دمعه وجرب وضعف
بصر را نافع بود وبهار را موافق باشد صفت آن
توتیای مغسول ده درم پوست هلیله زرد وصبر
سقوطری دارفلفل زردچوبه از هریک پنجدرم
فلفل دو درم کوفته وبیخته استعمال نمایند

ذروری که نافعست از جهة درد چشم کهنه وسرخی
وآب رفتن صفت آن توتیای مغسول نشاسته
سفیداب ارزیز مساوی کوفته وبحریر بیخته ذرور
سازند ذروری طرفه شیاف مامیثا سادج هندی
حاما از هریک دانکی ونیم سرمه فلفل زنکار از هریک
یکدرم کوفته وبیخته ذرور سازند ذروری که
نافعست از جهة جرب وسبل وظفره واکلة جفن
صفت آن اقلیمیا صمغ عربی از هریک سه درم زعفران
فلفل شنکرف از هریک دو درم افیون یکدرم و
نیم صلایه کرده استعمال نمایند ذروری دیکر که از جهة
درد چشم اطفال نافع باشد صفت آن انزروت
مربی جبمک از هریک ده درم مامیران دم الاخوین



از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور سبل
توتیای مغسول و مشقال مامیران چینی دو درم زبد البحر
حضض مکی صبر سقوطری دار فلفل پوست هلیله زرد
از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی
یکمثقال کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور بیاض شادنج
هندی شش درم مس سوخته سرمهٔ صفاهانی توبال
مس سوخته از هر یک سه درم شادنج عدسی مغسول
مرصاف از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران
چینی از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کافوری
نافع است از جهت حرارت چشم و رمد صفت آن صدف
سوخته و مروارید ناسفته از هر یک دو درم نشاسته
یکدرم کافور دانکی صلایه کرده ذرور سازند ذرور اربعه

کوشت برویاند و خون رفتن از جراحت باز دارد و
رعاف را نافع باشد صفت آن انزروت مرکمنذر دم الاخوین
مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذروری دیگر که
همین خاصیت دارد صفت آن انزروت دم الاخوین
مر کندر کل ارمنی از هر یک نیم درم عدس مقشر یکدرم کوفته
و بیخته ذرور سازند ذروری دیگر که همین خاصیت دارد
مکرر صفت انزروت دم الاخوین که کوشت فاسد
شده را بخورد و سر جراحت ببندد و سخت کند
و در وقت به شدن و در اول سر جراحت بکار آید
و تری بر چیند و کوشت برویاند صفت آن انزروت
دم الاخوین دو درم کل مختوم مرداسنک مرکندر
از هر یک یکدرم و نیم کل ارمنی شیاف مامیثا از

هر یک یکدرم و نیم صبر سقوطری زراوند مدحرج از هر یک
دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذروری که
نافعست از جهت خروج مقعد و نتو رحم و مقعد صبیان
سفیداب ارزیز کلنار شب یمانی مازو کوفته و بیخته مقعد
را بروغن گل چرب کنند و بران افشانند ذروری دیگر
که استرخاء مقعد را نافع باشد صفت آن جفت
بلوط مازو قشار کندر شبح سوخته کلنار شاخ گوزن
محرق مرداسنگ صدف سوخته اقلیمیا مساوی
صلایه کرده ذرور سازند ذروری دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن جفت بلوط کلنار جوز السرو کاغذ
سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد افشانند
ذروری که سوختگی آتش و روغن گرم و مانند ان را نافع

باشد

باشد صفت آن مرداسنگ و آهک و حنا از هر یک قدری
بکوبند و جای سوختگی را بروغن گل چرب کنند و این دارو ها
بر آنجا افشانند در سه روز خوش شود باب
الل روغن قسط فالج و لقوه و معده و جگر سرد را سود دارد
و سیاهی موی را نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد
صفت آن قسط ده درم فلفل فرفیون از هر یک سه درم
عاقرقرحا چهار درم روغن زیت پنجاه درم قسط و فلفل
و عاقرقرحا را نیم کوفته در شراب خیسانند یکشب
و صباح شراب را بجوشانند تا به نیمه آید بعد از ان روغن
و جند بیدستر و فرفیون کوفته و بیخته در انجا
ریزند در زمانی که از آتش فرو گرفته باشند روغن
قسط بنسخه دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را

نافع باشد صفت آن قصب الذریره سنبل ساذج
هندی میعه سائله بیخ سوسن قرفه اشنه قسط از هر یک
بیست درم راسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک
ده درم مرصاف و قرنفل از هر یک پنج درم مجموع نیم
کوفته در سه من آب بریزند تا بیک من آید و با
نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن قسط بنوعی دیگر سردی جگر و معده را نافع باشد
و چون بباشانند و چون بر محلی که موی رفته باشد
بمالند موی بروید و اعصاب را محکم کند صفت آن
قسط تلخ صد درم خرما جوز چهل درم سلیخه شش درم
مجموع نیم کوفته کنند و در شراب خیسانند یک
شبانروز دیگر بجوشانند و بپالایند و سه چهار یک

روغن

روغن زیت یا روغن کنجد بر رویش ریزند و بجوشانند
تا روغن بماند روغن قسط بنسخهٔ دیگر امراض بارده را
نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و مقوی اعصاب است
صفت آن قرنفل و سلیخه از هر یک ده درم قصب الذریره
و سنبل ساذج قرفه اشنه جند بیدستر قسط از هر یک
بیست درم بیخ بنفشه سی درم سرباد پنج درم و نیم
کوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن
صاف کرده دو من روغن کنجد اضافه نمایند
و چندان بجوشانند که آب برود و روغن بماند
روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد صفت آن
شونیز بیست درم مغز بادام تلخ سی درم بکوبند
و روغن از آن بکشند روغن فستق معده و جگر

وجمیع اعضا را قوت دهد صفت آن روغن زیت
با روغن بادام تلخ یا روغن جوز یا روغن زردالو
تلخ نیم من افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه
کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند روغن فرفیون
همه دردها را که از سردی بود زایل کند و فالج و استرخا را
سود دارد صفت آن قسط ده درم عاقرقرحا هفت
درم میویزج سه درم جمله نیمکوفته کنند و در چهار صد
درم شراب کهنه بپزند تا سه بخش برود و یک بخش
بماند و نصف از روغن خیری با آن بیامیزند
و بپزند تا شراب برود و روغن بماند پس در
هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه اندازند
و یک جوش برنهند و بردارند روغن سوسن

برودة

برودت واختناق رحم را سود دارد و گرده و مثانه را گرم
گرداند صفت آن سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده درم
قرفه قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد
زعفران ده درم زردی از سوسن بردارند و یک رطل
و نیم روغن کنجد در شیشه کنند و داروها کوفته بر روی آن
کنند و نزدیک آفتاب بنهند در سایه و چهل روز بگذارند
پس بیرون آورند و نگاه دارند روغن بیدانجیر ساده مسهل
بلغم بود و اعصاب را از رطوبات پاک کند صفت آن
بیدانجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف بگیرند
و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند و آب زرد بماند
آب بریزند و آن کفها بجوشانند که تمام با روغن جدا
میشود روغن بیدانجیر مرکب فالج و لقوه و سده جگر و سپرز را

نافع بود و قولنج بگشاید صفت آن نانخواه صعتر فودنهٔ
کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی و اسارون از هر یک
بیست درم بیخ کرفس بیخ بادیان بیخ سوسن راسن
خشک از هر یک ده درم شیطرج و مقل از هر یک پنج
درم سکبینج جاوشیر زرنباد درونج عقربی از هر یک سه درم
زنجبیل دارچینی قاقله خیربوا کبابه دارفلفل جوزبوا بسباسه
شونیز قسط کرویا از هر یک چهار درم مجموع نیمکوفته بخیسانند
در آب یک شبانه روز بجوشانند تا نرم شود و بپالایند
و صد و پنجاه درم روغن بید انجیر ساده بر روی آن کنند
و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند شربتی دو
درم تا سه درم با ماء الاصول روغن ترب مانند روغن
زیت بود و گرمتر از روغن بید انجیر باشد درد گوش را

نافع

نافع باشد و بادی که در گوش بود دفع کند صفت آن
آب ترب سه جزو بگیرند و روغن کنجد یک جزو بجوشانند
تا آب برود و روغن بماند روغن خسک عسر البول
را عظیم نافع بود روغن کدو بوییدن و مالیدن آن
سرسام و مالیخولیا را نافع باشد صفت آن کدوی تازه
بستانند و پوست آن بخراشند و با تخم و شحم بکوبند
و آب آن را بگیرند چهار من و یک من روغن کنجد بر رویش
ریزند پس بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
اما بهتر آنست که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند
روغن بادام روغن ریحان فالج و درد زانو را نافع باشد
صفت آن آب ریحان دو جزو و روغن کنجد یک جزو
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن لاله

معدهٔ سرد را کرم کند صفت آن برک لاله از نبات آن
جدا کنند و در شیشه کنند و روغن زیت بر رویش
ریزند و یکماه در آفتاب بنهاویزند روغنی که درد کوش را
که از کرمی باشد زایل کند صفت آن روغن کل ده درم
بادام شیرین پنج درم سرکه کهنه سی درم با یکدیکر ممزوج
سازند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند
و در کوش چکانند روغنی که درد کوش که از سردی بود
زایل کند صفت آن کندر پنج درم صبر و مصطکی جند
بیدستر حصص نیره کاو از هر یک یکدرم روغن بادام
تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه کوفته
با شراب و روغن بجوشانند تا روغن بماند و بپالایند
و در کوش چکانند روغن مصطکی معده را قوت دهد

صفت

صفت آن روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند
و ده درم مصطکی بر رویش ریزند و دیکی را تا نیمه
آب کنند و آن شیشه را در میان آن دیک آویزند
و آتش کنند تا آب میجوشد چندانکه مصطکی کداخته
شود روغن مورد موی را نکاه دارد و انچه ریخته باشد
برویاند صفت آن بکیرند آب مورد سه جزو روغن
زیت یکجزو و با یکدیکر بجوشانند تا نزدیک انکه آب
برود و روغن بماند قدری لادن دران اندازند تا
یکداز دو فرو کیرند روغنی دیکر که موی را محافظت کند صفت
آن پوست هلیله کابلی مازو برک مورد از هر یک یکجزو
در شراب ریحانی بخیسانند یکشبانه روز پس بپزند
و بپالایند و یکجزو روغن کنجد دران ریزند و در هر صد درم

آ

روغن ده درم لادن در وقت فروگرفتن بنیدازند
تا بگدازد و فروگیرند و شب مویرا بدان چرب کنند و صباح
در حمام بشویند روغنی دیگر که مویرا سیاه و دراز کند و
از افتادن نگاه دارد صفت آن ساذج هندی حماما حضض
ملکی لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته در سه رطل آب
بپزند تا برطلی آید و یکرطل کنجد بران ریزند و میجوشانند
تا که آب برود و روغن بماند و هر روز سر را به آب چغندر
میشویند و این روغن میمالند روغنی دیگر که مویرا سیاه
کند و تا شش ماه سیاهی آن بماند صفت آن بستانند
جوز هندی و سر آن برگیرند و مغز آن برون کنند
و هژده درم ازان مغز با ده درم آمله و ده درم براده
آهن و نیم درم بوره ارمنی درهم بسایند خرد و درمیان

آن

آن جوز کنند و سر آن بخمیر محکم کنند و تمام آن جوز را
در گل حکمت گیرند و در میان آتش برون آورند
روغنی که ازان زاینده شود در موی مالند که مقصود
حاصل شود روغن حنا مویرا سیاه کند و عرق النسا
و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن برگ حنا
یک چهاریک در دو من آب بجوشانند تا بیکمن آید
و بپالایند و بایمن روغن کنجد بجوشانند تا روغن
بماند روغن آمله مویرا سیاه کند و قوی گرداند صفت آن
آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته
در آب بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و همچندان
روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند
روغن بنفشه دو هفته بر هر موضع که مالند موی برویاند

صفت آن بگیرند یک خربزه و سوراخ کنند و دانه از آن
بیرون کنند و سی عدد زردهٔ تخم مرغ در اندرون آن
خربزه بریزند با پنج سیر روغن زیت و برگ مورد
کوفته و برادهٔ آهن صلایه کرده از هر یک ده درم
سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و یک
شب در تنور نهند روز دیگر بیرون آورند و گل را از آن
جدا کنند و این خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم
میشود و نگاه دارند روغنی که سهر بافراط آورد چون
بر بینی بمالند صفت آن نوشادر نمک نفطی تخم
سپندان تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج
مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند
تا مهرا شود پس صاف کنند و با همچندان آب

روغن بید انجیر بجوشانند چندانکه آب برود و روغن
بماند روغن مازریون استسقا را نافع باشد صفت آن
برگ مازریون یک چهار یک در سه من آب بجوشانند
تا بنیمه آید و سه اوقیه روغن بادام در آن افکنند
و بجوشانند تا روغن بماند شربتی یکدرم با شیر شتر
اعرابی روغن بنفشه بادام سرد و تر بود و جرب را مالیدن
نافع بود و صلابت مفاصل را نرم گرداند و در ناخن
مالیدن صحت آن نگاه دارد و دفع بیخوابی کند صفت آن
مغز بادام شیرین که تلخ در میانه نباشد سپید کنند
و بدو نیمه کنند و خنک گردانند و هر دو من بادام یکمن
بدمشک بریزند و در خریطهٔ کرباس نو در روز میان به
رها کنند بعد از آن بید ازو جدا سازند و بنفشه د

تازه برویش بریزند و چند روز در زیر جامه خواب کنند
تا نیک بوی بنفشه بگیرد و بعد از آن معلق در آویزند
تا نیک خشک شود و بنفشه از آن جدا کنند و روغن
از آن بکشند چنانکه رسمست روغن گل بادام معتدل
بود در حرارت و برودت دماغ را نافع بود و فهم بیفزاید
و اسهال مراری باز دارد و درد سر را که از گرمی بود
سود دارد و چون در آب سرکه بریزند صاحب جرب
و حکه بمالد نیک شود صفت آن چون بنفشه بادامست
که بجای بنفشه ورق گل سرخ کنند هر ده من بادام را
دو من ورق گل کنند روغن گل سرخ و سفید و شقایق
و زنبق و یاسمین و نرگس و سداب و شبت و بابونه
و هرچه تازه باشد دستور آنست که در شیشه کنند

و در آفتاب آویزند یکروز روز دیگر روغن برویش
ریزند و در آفتاب آویزند تا چهل روز در آفتاب
بگذارند روغن آجر که آنرا دهن المبارک خوانند
خواص بسیار دارد و گرمتر از نفط سفید بود و لطیفتر
امراض بارده را بغایت سودمند بود و جهت گزیدن
عقرب و کسی که افیون و بزر البنج خورده باشد نافع
بود صفت آن آجر سرخ آب ندیده ریزه بقدر بادام کنند
و در آتش اندازند تا سرخ شود با انبر برگیرند و در روغن
زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خرد کنند
و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند کنند و سرش بموی
اسب بگیرند و بگلکی نهند که سوراخ در ته آن باشد
و بر فحم کنند و آتش در آن اندازند و چیزی در زیر شیشه

نهند و روغنی که بچکد نگاه دارند روغن سورنجان مفاصل
را نافع بود صفت آن سورنجان مصری و آب کرفس
تازه از هر یک ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال
سورنجان و قصب الذریره نیم کوفته بخیسانند
یکشبانروز روز دیگر بجوشانند تا مهرا شود و بپالایند
و آب کرفس اضافه نمایند و با یک چهار یک روغن
زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن تاتوره
جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد چون کف پا را
بدان چرب کنند صفت آن تاتوره هندی از پوست
پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه گردن دراز
کنند و سر شیشه را بموی اسب محکم سازند و شیشه را
بگل حکمت گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد

ترتیب

ترتیب نمایند و پنج کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را
از آن سوراخ بیرون آورند و در زیر سر شیشه پیاله
بنهند و کاسه را بر بالای سه پایه بنهند و آتش از بالای
شیشه کنند در اندرون کاسه و روغنی که از آن بچکد
نگاه دارند روغن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره
کند و بیرون آورد صفت آن ریوند چینی سعد هندی
حنظیا نابوست پنج گبر از هر یک یکوقیه روغن بادام تلخ
یکرطل داروها کوفته در شیشه کنند و روغن بر سر آن
ریزند و یکهفته در آفتاب بنهند بعد از آن بپالایند
و ده عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه را
ببندند و یکهفته دیگر در آفتاب بگذارند پس
بپالایند و دو قطره از آن در احلیل چکانند روغن ناردین

منقول از قانون اوجاع بارده احشا و قولنج و مغص
ریحی را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش
ساکن کرداند و چون در بینی چکانند صداع و شقیقه
بارده را سود دهد و رنگ را خوب کرداند و رحم را
گرم کرداند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه
را نافع باشد و این روغن اشرف روغنهاست
و منافع این بسیار است صفت آن قصب
الذریره سعد ورق الغار عود بلسان لک ساذج
هندی برگ مورد اذخر ابهل اسن قردمانا مرزنجوش
مساوی نیم کوفته در شراب و آب خیسانند یک
شبانه روز روز دیگر صاف کنند و با روغن کنجد
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن باردن

نسخه دیگر

نسخه دیگر اورام صلبه معده را نافع باشد صفت آن
روغن بان یک رطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط
سعد اذخر قصب الذریره از هر یک یک درم و نیم کوفته
در شیشه کنند و سرش محکم سازند و یک هفته در
آفتاب بگذارند بعد از آن صاف کنند و ادویه را
دیگر باره در آن ریزند و همچنین تا سه نوبت بعد از آن
صاف کرده استعمال نمایند رماد العقارب سنگ گرده
و مثانه را بریزاند صفت آن بگیرند عقرب را و در
شیشه محکم کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور
گرم نهند شش ساعت پس بیرون آورند و
کوفته و بیخته یک دانگ استعمال نمایند **باب**
الزاء زرعونی بشت و گرده را محکم کند و معده را

قوت دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند
و آب از دهن رفتن باز دارد و بادها بشکند
و ریگ از مثانه پاک کند و منی بیفزاید صنعت آن
تخم کرفس تخم کندر تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه
مغز تخم خربزه تخم بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال
عاقرقرحا قرفه زعفران مصطکی عود خام از هر یک
پنج درم بسباسه قرنفل کبابه جینی فلغمویه از هر یک
سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل سه وزن
ادویه عنبر را در عسل کف گرفته بکداز ند و ادویه
کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از دو ماه
استعمال کنند شربتی دو مثقال زعونی دیگر منی
بیفزاید و باه را قوت دهد و پشت و کرده را محکم

سازد و در امر مجامعت عظیم نافع باشد صنعت آن
تخم کرفس تخم کندر تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم
خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس مغز حب القلقل
مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز جلغوزه از هر یک
پنج مثقال بسباسه قرنفل فلغمویه عاقرقرحا کبابه زنجبیل
تخم اسبست تخم جرجیر تخم پیاز حب الرشاد انجره تخم
کندنا خولنجان جوز بوا کل قرفه دار فلفل از هر یک سه
درم قرفه زعفران کندر از هر یک چهار درم تخم
بهیون بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقاقل
لسان العصافیر از هر یک پنجدرم بصل الفار بریان
کرده خصیة الثعلب قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک
نرخشک مربی کشن خرما از هر یک ده مثقال عنبر اشهب

دو مثقال مشک خالص نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل
بوزن مجموع بطریق معهود معجون سازند گرم مزاج
دو مثقال بنوشد و از عقب آن ده درم شیر تازه
و ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامد و سرد مزاج
پنجدرم فرو برد و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامد

باب ج الستّین سفرجلی مسهل

معده را قوت دهد و اشتهاء طعام آورد و قولنج بگشاید
صنعت آن به اصفهانی را از پوست و دانه پاک کنند
نیم من و در سرکه یا شراب بجوشانند تا مهرا شود
و از غربال بیرون کنند و یکمن عسل صاف بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها کوفته و بیخته
بان بسرشند زنجبیل دار فلفل قاقله کبار و صغار دار چینی

زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنجدرم تربد سفید
سی درم سقمونیا ده درم شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال
با آب گرم جهت قولنج نافع باشد سفرجلی بستانی صاحب
مزاج گرم را موافق باشد و در فصل گرما توان داد این
جهت محمد زکریا این را سفرجلی بستانی نام نهاده
صنعت آن سقمونیا دو درم و نیم تربد سفید دو درم
مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم ورق گل سرخ
و طباشیر از هر یک دو درم و نیم ترنجبین و عصارهٔ
به از هر یک پنجاه درم آب به و ترنجبین بجوشانند
چندانکه ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند و این جمله ده شربت
سفرجلی ممسک شکم ببندد و معده را قوت دهد و دفع قی کند

ولون را نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت آن
به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نیم من در سرکه
بجوشانند تا مهرا شود بعد از ان بکوبند و نیم من عسل
بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و فرو گیرند و این
داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل دار
فلفل فلفل از هر یک چهار درم تخم کرفس نانخواه زعفران
از هر یک دو درم شربتی چهار مثقال سکنجبین بادهای غلیظ
را دفع کند و درد دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد
و سدهٔ جگر بگشاید و صلابت آنرا تحلیل کند و معده را
گرم گرداند و تخمه را نافع بود و سرد مزاج را موافق باشد
صفت آن چند بید ستر دارچینی افیون اسارون
فوه و دو قوا از هر یک یکدرم یکدرم فلفل ابازرد قسط از

هر یک شش درم زعفران نیم درم بار زد را در عسل
بگدازند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از
شش ماه استعمال کنند شربتی یکمثقال تا دو درم باب گرم
سکنجبین ساده که صفرا را دفع کند و محرور مزاج را موافق
باشد و تبهای حاده و جگر گرم را نافع بود و تشنگی را
بنشاند و سده بگشاید و بول براند صفت آن قند
سفید یکمن در دیگ کنند و یکچهاریک سرکه صاف
بر روی آن ریزند و بجوشانند و بقوام آرند و یکوقیه
گلاب بر سر آن کنند و فرو گیرند سکنجبین بزوری
سدهٔ جگر بگشاید و بول براند و استسقا و تبهای حاده
را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن پوست بیخ کاشنی
هشت درم سه تخم از هر یک پنجدرم نیم کوفته در اب د

دیکچهاریک سرکه خیسانند یکشبانه روز و روز دیکر
بایکمن قند بقوام آرند و فرو کیرند سکنجبین بزوری حار
سدهٔ جکر و معده بکشاید و بول براند و فضول را
از معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد صنعت آن
تخم کاشنی نیمکوفته تخم کشوث تخم کرفس رازیانه
انیسون از هریک پنجدرم پوست بیخ رازیانه فلفل یا رزد
پوست بیخ کرفس از هریک ده درم در آب و سرکه
خیسانند چنانکه ذکر رفت و یکمن قند اضافه کنند
و بقوام آورند سکنجبین ریوندی نوعی دیکر درد جکر را سود
دارد و سده بکشاید و طبع را نرم کند صنعت آن
ریوند چینی سی درم تربد سفید و بسفایج فستقی
تخم کاشنی نیمکوفته از هریک بیست درم غاریقون

مغربل پنجدرم مجموع را در دو من آب بپزند و سه درم
و دو دانک زنجبیل کوفته اضافه نمایند و صاف کنند
و با یک چهاریک سرکه و یکمن و نیم قند چنانکه ذکر رفت
بجوشانند و بقوام آورند سکنجبین بزوری معتدل سدهٔ
سپرز و جکر بکشایند و بول براند و تنهای مرکبه را نافع
باشد صنعت آن تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک
سه درم سه تخم از هریک پنجدرم پوست بیخ کاسنی پوست
بیخ رازیانه از هریک هفت درم مجموع نیمکوفته در سه
رطل آب و بیست درم سرکه خیسانند یکشبانروز
و روز دیکر بجوشانند و بایکمن قند بقوام آرند سکنجبین
ریباتی تبهای محرقه و جکر و معده کرم را سود دارد
و تشنکی بنشاند صنعت آن آب انار شیرین و آب انار ترش

از هر یک نیم من بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک
و سرکهٔ صافی یکچهاریک قند یکمن اضافه کنند و بجوشانند
تا بقوام آید سکنجبین سفرجلی معده و جگر را قوت دهد
و اشتهای طعام آورد و سدهٔ جگر بگشاید و ناقها را
مفید بود و طعام را هضم کند صفت آن آب صاف
کرده یکمن با یکچهاریک سرکه و یکمن قند بقوام آورند
و اگر بجای سرکه آب لیمو کنند صواب باشد سکنجبین
بلیمویی که همین خاصیت دارد صفت آن آب
به پنجاه مثقال سرکهٔ صاف و گلاب و آب لیمو از هر یک
سی مثقال قند سفید یکمن بجوشانند و بقوام آورند
سکنجبین دیگر که صلابت سپرز را نافع باشد صفت آن
ریوند چینی غاریقون فوه پوست بیخ کبر پوست بیخ درخت

بهر

بید گز مازج افتیمون غافت تخم کشوث تخم کاشنی از هر یک
ده درم در یکچهاریک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند
و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین دیگر که حرارت خمار و صفرا
بنشانند و اسهال صفرایی را باز دارد و کسی را که آبله بر آمده
باشد نافع بود صفت آن سرکهٔ کهنه و گلاب از هر یک یکچهار
بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند سفید بقوام آورند سکنجبین
افتیمونی مالیخولیا و اصحاب توحش و صرع را نافع باشد
صفت آن افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید
از هر یک شش درم گاوزبان برسیاوشان تخم کاشنی
ایرسا تخم کشوث پوست بیخ کاشنی از هر یک پنج درم
حاشا ورق گل سرخ کافیطوس از هر یک چهار درم
تخم بادروج فرنجمشک بادرنجبویه زرنباد درونج عقربی

بهمن سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر یک
سه درم کلقند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب
خیسانند یک شبانه روز و بجوشانند و با یکمن قند بقوام
آورند سکنجبین افتیمونی بنوعی دیگر اسطوخودوس رازیانه
تخم شاهتره از هر یک ده درم و نیم کوفته در پنجاه درم
سرکه خیسانند و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین موزه
استسقا و صلابه طحال و ورم صلب جگر را نافع بود
و سده جگر را نافع بود و سده را بگشاید صفت آن
رازیانه پوست بیخ کبر تخم کاشنی انیسون پوست
بیخ کاشنی خشک زوفا فوه غافت افسنتین از هر یک
ده درم تخم کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس
جعده سنبل اسارون از هر یک هشت درم در صد درم

سرکه

سرکه خیسانند و با یکمن قند بقوام آرند سکنجبین عنصلی
ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع بود صفت آن
سرکه عنصلی یک چهار یک عسل مصفی یکمن بجوشانند تا
بقوام آید سکنجبین عنصلی بنسخه دیگر استسقا و درد پهلو
که از سردی باشد و سرفه کهنه بلغمی فالج و لقوه و سرسام
بلغمی و ضیق النفس را نافع باشد و سده جگر و سپرز
بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت آن سرکه عنصل
یکمن زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا بودنه
دشتی از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی
قردمانا از هر یک پنج درم ادویه را نیمکوفته کنند
و در سرکه عنصل و یک چهار یک عسل صاف خیسانند
و یک هفته در آفتاب نهند بعد از آن بپالایند

ونکاه دارند و بیش از طعام سی درم استعمال نمایند سرکه عنصل
بیخ دندان سخت کند و بوی دهن خوش کند صفت آن
بکیرند پیاز عنصل و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمانی
کشند چنانکه بیکدیکر نخسبند و چهل روز در سایه نکاه دارند
تا خشک شود بعد از آن در ظرفی کنند و هر یکمن پیاز را
نه من سرکه کهنه داخل نمایند و دو ماه در افتاب بنهند
و بکار دارند که مفید بود سفوف طباشیر دل کرم را سود
دارد صفت آن کل سرخ و طباشیر از هر یک سه درم
کشنیز خشک دو درم بست جوز مروارید ناسفته
کهربا از هر یک نیم درم کافور دانکی شربتی دو درم با
سکنجبین سفرجلی سفوف دوبخ خفقان سرد را سود
دارد صفت آن درونج عقربی لسان الثور از هر یک

شش

شش درم زرنباد دو درم کوفته و بیخته شربتی
یکمثقال با یکچهار یک شراب کهن یا ماء العسل سفوف
معده سرد و تر را سود دارد صفت آن قرنفل و کبابه از هر یک
پنج درم سنبل و مصطکی از هر یک سه درم عود خام
بست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی یکمثقال باده
درم کلقند سفوف حمار شهوات طین و شهوات ردیه
زنان حامله را نافع باشد صفت آن قاقله خیربوا کبابه مساوی
شکر بوزن همه شربتی دو درم با آب کرم سفوف کرنب
تخم کاسنی کرنب زرشک منقی عدس مقشر سماق کل سرخ
طباشیر مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم با یک
طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند که دفع شرعت
منی کند صفت آن تخم کرنب مغز بادام شیرین و مغز بادام

سفوف دیگر

تلخ فودنه از هر یک سه درم نانخواه نمک و سداب و زیره
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته در آب انار حل کرده باز
خورده شربتی سه درم سفوف انیسون بادهای معده را
دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن
نانخواه تخم کرفس از هر یک پنجدرم کندر چهار درم فقاح
اذخر و قسط و مصطکی از هر یک سه درم سپندان سپید
سی درم کوفته و بیخته با فانید بسرشند شربتی پنجدرم
سفوف جوزبوا اسهال بلغمی را باز دارد صفت آن جوز
بریانکرده سه درم نانخواه یکدرم کندر نیم درم کوفته
باب گرم بنوشند سفوف مقلیاثا بواسیر و مغص و
اسهال کهنه و زحیر و ضعف معده را نافع باشد صفت آن
تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی در سرکه خیسانیده

وخشک کرده و بریان کرده پنج مثقال بزر کتان و تخم
کندنا و هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از هر یک
دو مثقال مصطکی یکمثقال مجموع کوفته سوی تخم تره تیزک
شربتی دو درم باب سرد سفوفی دیگر که سلس البول را
نافعست صفت آن بلوط پنجاه درم کندر سی درم
کشنیز خشک بریانکرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو
درم گلنار و کزمازج از هر یک پنجدرم شربتی سه درم
باب خالص سفوفی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
کندر سعد خولنجان زیره کرمانی شاه بلوط حب الآس
مساوی کوفته و بیخته بنوشند سفوف نمک معده
و جگر و اوجاع مفاصل و هر مرضی را که سبب آن
امتلا باشد نافع بود صفت آن نمک طعام سی درم

فلفل سفید هفت درم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت
درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب گرم سفوف
هلیله ورم جگر را نافع باشد صفت آن هلیلهٔ سیاه پوست
هلیلهٔ کابلی از هر یک چهل درم تخم کرفس انیسون و رازیانه
از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با شیر
شتر سفوف دیگر ورم جگر را سود دارد و بول براند صفت آن
تخم خربزه و تخم خیارین از هر یک پنجدرم تخم کاسنی و تخم
کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه
رب السوس از هر یکی دو درم عصارهٔ زرشک چهار درم
ریوند چینی یکمثقال لک مغسول چهار دانگ زعفران سنبل
و مصطکی و افسنتین از هر یک یکدرم کافور دو دانگ
شربتی سه درم سفوف قریبی نخود سفید پنجاه درم در سرکه

وقدری

وقدری آب خیسانند یک شبانه روز و خشک کنند و برنج
شسته خشک کرده و نان میدهٔ خشک کرده از هر یک
سی درم خشخاش سفید سی درم شکر طبرزد نیم من مجموع
کوفته در یکدیگر ممزوج سازند و هر صباح سی درم با شیر
تازه بیاشامند سفوف بهبودی از جهت زحیر مجربست صفت آن
تخم تره تیزک بریان کرده بزرقطونا بریان کرده ابهل
بریان کرده از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگی
کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف سازند سفوفی
که نفث الدم را نافع باشد صفت آن طباشیر گل سرخ
گل ارمنی گل مختوم شادنج عدسی مغسول تخم خرفه از هر یک
پنجدرم بسد کهربا مروارید ناسفته خشخاش سفید
رب السوس اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس از هر یک

از هر یک سه درم بزرقطونا بیست درم افیون دو درم مجموع
کوفته و بیخته سوی بزرقطونا سفوف سازند شربتی دو درم
بآب باران یا بآب برگ خرفه و اگر حرارت قوی نباشد
سه درم کندر اضافه این داروها نمایند سفوف حب الرمان
ضعف معده و امعا و اسهال مراری را نافع بود صفت آن
انار دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق زرشک کرمانی مدبر
حب الآس سنجد کشنیز خشک بریان کرده خرنوب نبطی آرد
کنار از هر یک پنج درم عود خام پنج درم آمله یک مثقال کوفته
و بیخته با رب به استعمال نمایند شربتی سه درم سفوف
الطین داند از سفوف النسا نیز گویند اسهال مراری و دموی را
نافع باشد صفت آن بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته
مساوی کوفته بغیر از تخم اول در یکدیگر بیامیزند شربتی

سه درم روغن گل یا بادام چرب کنند و بگلاب تر کرده فرو برد
سفوف این نیز جهت زحیر و وجع امعا و سحج نافع باشد
صفت آن تخم خطمی مقشر و تخم خبازی مقشر از هر یک پنج درم
نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی و گل ارمنی از هر یک
دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم صباح و سه درم مسا
بآبی که طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده
باشد نافع بود سفوف [illegible] شکم ببندد و ضعف معده را
نافع باشد صفت آن سماق نانخواه زنجبیل انار دانه
بریان کرده زرشک منقی آرد کنار از هر یک دو درم نبات
خلیفه بیست درم کوفته و بیخته شربتی یک مثقال
سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال معدی را نافع باشد
صفت آن سماق ده درم حب الاس و انار دانه بریان کرده

از هر یک پنجدرم صمغ عربی کلنار از هر یک دو درم کوفته و بیخته
شربتی یکمثقال سفوف سورنجان نقرس و مفاصل و عرق
النسا را نافع باشد صفت آن سورنجان مصری ده درم
سنامکی هفت درم پوست هلیله زرد و مغز بادام مقشر
از هر یک سه درم زعفران نیمدرم سقمونیا یکدرم قند سفید
سی درم و اگر مادهٔ بلغمی باشد تربد سفید پنج مثقال
اضافه نمایند و سقمونیا نیمدرم زیاده کنند سفوف سرطان
که مسلول را بغایت نافع باشد صفت آن سرطان نهری
محرق دو درم طین قبرسی و صمغ عربی خشخاش سفید
و خشخاش سیاه و مغز تخم خرفه از هر یک نیمدرم کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار شیرین یا شراب
خشخاش سفوفی که سنک کرده و مثانهٔ اطفال را

پاک کند

پاک کند صفت آن مغز تخم خربزه صمغ عربی صمغ آلو قلت
مساوی کوفته و بیخته با دوغ گاو دهند سفوف اسطاطاس
که از بهر اسکندر ساخته بود ذرب و تباهی معده و
زردی روی و وسواس و نسیان را نافع بود و طعام را
هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت دهد
صفت آن قرفه ساذج عود غار اسارون مصطکی
هلیله کابلی فلنجمشک نارمشک زیرهٔ کرمانی دارچینی
فلفل دار فلفل زنجبیل قرنفل ناردانه جوزبوا کافور قاقله
از هر یک دو درم مشک و عنبر از هر یک یکدرم نبات شش
وزن ادویه شربتی یکدرم تا سه درم سفوف عاده
معدهٔ سرد و تر را نافع بود و جگر را قوت دهد صفت آن
لک مغسول حب الآس بلوط مصطکی مازو عود بلسان و پوست

انار از هر یک چهار درم زنجبیل کندر از هر یک یکدرم نبات
پنجاه درم شربتی سه مثقال یکهفته استعمال نمایند و گوشت
نخورند سفوف لبدی ورق گل سرخ زرشک منقی لک
منقی از هر یک یکدرم و نیم فوه طباشیر صندل سفید
نشاسته صمغ عربی از هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال
تخم حماض یکمثقال زعفران دو دانگ کوفته و بیخته سفوف
سازند سفوفی که فواق بلغمی را دفع کند صفت آن تخم
کرفس فطراسالیون سعد از هر یک دو درم و نیم دوقو
پوست بیرون کرده پسته انیسون فودنه اسارون
قسط زیرهٔ کرمانی از هر یک سه درم وج نیمدرم شربتی
دو درم سفوفی که درد جگر و تهیج را ببرد صفت آن گل
سرخ هشت درم زرشک پنجدرم سنبل و مصطکی و

عصاره

و عصارهٔ غافث و افسنتین رومی و ریوند چینی از هر یک
دو درم فقاح اذخر و اسارون و رب السوس از هر یک دو
درم و نیم زعفران یکدرم شربتی دو درم با یخنی سفوفی
که حرارت جگر را بنشاند و خمار دفع کند و اسهال صفراوی
را باز دارد و غلبهٔ خون را ساکن کند و کسی را که آبله بر خواهد
آمد سود دارد صفت آن ورق گل سرخ ده درم طباشیر
بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک تخم
خرفه تخم کاهو و خشخاش سفید از هر یک پنجدرم صندل
سفید دو درم و نیم کافور یکدرم شربتی سه درم با شراب
حماض یا شراب غوره یا شراب انار سفوف کهربا
خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت آن کهربا گل
ارمنی گلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته و بیخته

شربتی سه درم بایکدانک افیون دریک وقیه نقیع سماق
حل کرده دهند سفوفی که از جهت بول الدم نافع بود
صفت آن شادنج مغسول دم الاخوین بسد کهربا شب
یمانی کلنار تخم خرفه کل ارمنی کل قبرسی مساوی کوفته و بیخته
شربتی دو درم با آب سماق سفوف سورنجان نسخه دیکر
اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن سورنجان هفت
درم زیره کرمانی بریانکرده از هریک دو درم فلفل یکدرم
قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
سفوف حجر الیهود سنک کرده و مثانه را پاره پاره کند
و بیرون آورد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
مغز تخم خربزه از هریک پنجدرم خشک عربی چهار درم حجر
الیهود و قلت از هریک سه درم تخم کرفس سالیوس

فطراساليون از هریک یکدرم صمغ عربی وکثیرا از هریک
یکمثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب خشک
سفوف حجر الیهود نسخه دیکر تخم قلت پانزده درم مغز
تخم خربزه و مغز تخم خیارین مغز تخم کدو [که همان خاصیت دارد] از هریک چهار
درم و نیم سیالیوس دو درم صمغ عربی نشاسته وکثیرا
از هریک سه درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد
و هشت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب نخود سیاه
سفوفی که در ساعت شکم ببندد صفت آن شاه بلوط
سه درم مازو و پوست انار از هریک چهار درم سماق
شش درم حب الاس هفت درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم با آب سرد سفوف مقوم کندر عود خام از
هریک یکدرم خشخاش ده درم تخم کاهو پنجدرم زعفران

دانگی نبات بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی
که شهوت ردیهٔ زنان حامله را دفع کند و معده را قوت
دهد و اشتهای طعام آورد صفت آن زرنباد تخم
کرفس نانخواه زیرهٔ کرمانی از هر یک دو درم کندر سه درم
کنجد مقشر ده درم نبات نود مثقال کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که دفع سرعت انزال کند صفت آن
طباشیر خشخاش انیسون کندر از هر یک یکدرم جوز
السرو سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم شراب خشخاش
سفوفی که مدقوق و مسلول را و قروح سینه و نفث المده را
نافع باشد صفت آن صمغ عربی و نشاسته و کثیرا
و مغز بهدانه و خشخاش سیاه و تخم کاهو و تخم خطمی
از هر یک شش درم ورق گل سرخ تخم خبازی تخم

خرفه از هر یک پنجدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و عصارهٔ
لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم
زعفران یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو مثقال با تیم دانگ
کاهو رود دو دانگ رماد السرطان شراب خشخاش
و شیرهٔ تخم خرفه نافع باشد سفوفی که بادها دفع کند و استسقا
طبلی را نافع باشد صفت آن تخم کرفس رازیانه انیسون
اسارون قسط ریوند چینی از هر یک دو درم زیرهٔ کرمانی
سه درم سنبل سعد از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته
شربتی یکمثقال سفوفی که اسهال معدی را نافع باشد
صفت آن انار دانه بریان کرده آرد کنار ارد سنجد از هر یک
ده درم کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم خرنوب شامی و خرنوب
نبطی بلوط در سرکه خیسانیده یکشبانروز و خود در سایه

خشک کرده و بریانکرده از هریک پنجدرم سماق سه درم
کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوفی که قرحه مثانه را
نافع باشد صنعت آن دم الاخوین شادنج مغسول نشاسته
تخم کرفس از هریک نیمدرم صمغ عربی یکدرم مومیایی
دو دانک کاکنج دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم و نیم
با شراب خشخاش بنوشند سفوف لولوی دوسنطاریای
کبدی را نافع بود و معده و دل و جکر را قوت دهد و حرارت
و تشنکی را بنشاند صنعت آن مروارید ناسفته
چهار درم بسد سوخته کلنار طباشیر خرنوب کل
ارمنی کل قبرسی تخم کل صندل سفید بارتنک بریانکرده
تخم حماض بلوط بریانکرده تخم مورد بت کنار ارد سنجد
کشنیز خشک بریانکرده صمغ عربی بریانکرده سماق زرشک

پست

پست جو بریانکرده از هریک سه درم کل ارمنی کل مختوم
و مصطکی از هریک یکدرم انار دانه پنجدرم کهربا و اقاقیا
مغسول از هریک دو درم مجموع کوفته و بیخته بغیر از بارتنک
و بزر قطونا سفوف سازند سفوف زرشک تخم حماض
زرشک بی دانه عجم زبیب کشنیز خشک بریانکرده کل سرخ
خرنوب شامی بلوط طباشیر از هریک یکدرم سماق و حب الآس
از هریک دو درم انار دانه چهار درم کوفته و بیخته سفوف سازند
سفوف خرنوب اسهال معدی و استرخاء معده را نافع باشد
صنعت آن خرنوب نبطی بی دانه زیره کرمانی مدبر سماق
و حب الآس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده
مساوی کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با آب مورد نافع باشد
سفوف البزور بادها بشکند و معده را قوت دهد صنعت آن

کرویا انیسون زیره کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس از هریک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دارفلفل
از هریک دو دانک قند بست مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف حب العنب شکم ببندد و معده را
قوت دهد صنعت آن [illegible]

دانه انگور و صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الآس و سماق از
هر یک دو درم مصطکی و گلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف
سازند سفوفی که نافعست از جهت اسهال که با آن سرفه باشد
صفت آن حب الآس شاهبلوط خشخاش خرنوب از هر یک
دو درم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن صمغ عربی طباشیر
گل ارمنی حب الآس از هر یک چهار درم پرسیاوشان و کندر
از هر یک یکدرم خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک سه درم
کوفته و بیخته شربتی سه درم بشراب خشخاش سفوفی که
حرقه بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند
صفت آن مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو
و تخم خرفه خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته

کثیرا

کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج سفید دو
درم قند برابر همه شربتی سه درم صباح و سه درم شبانگاه
بشراب خشخاش سفوف دیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار
سماق بلوط از هر یک پنج درم نشاسته کثیرا تخم کاهو تخم
خرفه از هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته
شربتی سه درم با آب انار ترش صفت آن سورنجان
ده درم سقمونیا یکدرم و چهار دانگ کبابه یکدرم قند سفید
سی درم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوفی که بواسیر و
اسهال و زحیر و مغص را نافع بود صفت آن تخم تره تیزک بریان
کرده نود مثقال بزرک بریانکرده بزر قطونا از هر یک سه درم
تخم کرفس بریان کرده گل ارمنی تخم مرو از هر یک دو درم و نیم
صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته سفوفی تره تیزک و بزر قطونا

وتخم مرو سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت حرارت
جگر و یرقان ونفث الدم وسده جگر صفت آن بهدانه مقشر
نشاسته مغز تخم خیار از هریک چهار درم گل ارمنی لک مغسول
گل سرخ سنبل اصل السوس از هریک یکدرم طباشیر نیم درم
مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم با آب سرد سفوفی که نافع است
از جهت یرقان و درد جگر و قی صفرایی صفت آن لک مغسول
یکمثقال طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی
ونیم کافور دانگی شربتی دو درم با شراب تمر هندی یا شراب
آلو سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن
بلوط شاهبلوط دانه مویز آرد کنار از هریک ده درم خرنوب نبطی
وحب الآس از هریک بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه
مثقال سفوفی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن

دانه

دانه مویز تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هریک سه درم
حب الآس و بلوط از هریک چهار درم خشخاش سفید یک
درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال سفوفی
از جهت سرعت انزال که سبب آن حرارت باشد نظیر
ندارد صفت آن بزر قطونا دو درم تخم خرفه سه درم کشنیز
خشک یکدرم و نیم شربتی یکمثقال ناشتا سفوف سازند
سفوفی دیگر تخم که نافعست از جهت فواق امتلایی صفت آن
تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی کوفته و بیخته شربتی یکمثقال
سفوفی که نافعست از جهت ضعف معده که سبب آن
حرارت باشد صفت آنکه با گل سرخ از هریک پنج درم عود
دو درم زرشک ده درم آمله طباشیر از هریک سه درم سنبل
یکدرم زعفران و کافور از هریک دو دانگ کوفته و بیخته

شربتی یکمثقال با شراب انار سفوفی که زنگ را سرخ کند صفت آن
زرنباد خشک ده درم زعفران سه درم قند سفید سیزده
درم کوفته و بیخته هر روز دو درم سفوف سازند سفوفی
که سدهٔ اسپرز بگشاید و طحال را نافع باشد صفت آن تخم
کاشنی گزمازج از هر یک پنجدرم حب الغار یکدرم و نیم کوفته
و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین سفوفی که نافع بود از جهت
وجع کلیه که سبب آن برودت باشد صفت آن قسط
سنبل قردمانا حماما تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی
یکدرم سفوفی که بدن را لاغر کرداند صفت آن لک مغسول
ده درم نانخواه تخم سداب زیرهٔ کرمانی از هر یک چهار درم
مرزنگوش بورهٔ ارمنی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی
هر روز یکمثقال بگلقند بنوشند سفوفی که همین خاصیت دارد

صفت

صفت آن لک مغسول سندروس از هر یک چهار دانگ مرزنگوش
نیمدرم زراج زراوند مدحرج جنطیانا از هر یک دانگی و نیم کوفته
و بیخته شربتی دو دانگ سفوفی که قطع سیلان منی کند
و سرعت انزال را نافع بود صفت آن تخم سداب سه درم
فلنجمشک فنجنکشت بیخ سوسن از هر یک دو درم کلنار
و ورق گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم
دو درم از آن در دوغ یا آب غورهٔ حل کرده بنوشند
سفوفی که نافع است از جهت قروح کلیه و مثانه صفت آن
گل مختوم دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم
کرفس مغز خیار مغز تخم کدو رب السوس لک مغسول ریوند
چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج مساوی کوفته
و بیخته شربتی دو درم بمیفختج سفوفی که وجع کلیه و مثانه

راتسکین کند صفت آن بزرالبنج دانکی افیون قیراطی مغز
تخم خیارین سه درم تخم کاهو وتخم خرفه از هر یک یکدرم
کوفته بشراب بنوشند سفوفی که از جهة استرخاء زبان
نافع است صفت آن دارچینی حاماسبنل از هر یک
سه درم سادج نانخواه زراوند طویل کرفس شبت
مصطکی سیسالیوس دوقو انیسون از هر یک یکدرم
مروارید ناسفته کهربا از هر یک دو درم کوفته وبیخته
شربتی یکدرم با آب گرم یا شراب کهنه سفوفی که
در آبستنی معین باشد صفت آن نشارهٔ عاج ونبات
از هر یک یکمثقال زن سه شب سفوف سازد وشب چهارم
مرد با او مجامعت کند آبستن شود بشرط آنکه بعد از
طهر باشد و بعضی گفته اند که نشارهٔ عاج را زن هفت

روز متوالی هر روز دو درم بماء العسل بیاشامد بعد از آن
جماع کند آبستن شود سفوفی که بول براند وحرقة بول را
نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم خرفه
خشخاش نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر
البنج دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب
خشخاش سفوفی که قی دم را نافع باشد صفت آن گل ارمنی
صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر از هر یک سه درم کوفته
وبیخته باده درم رب به بنوشند سفوفی که قی بلغمی
را قطع کند صفت آن کندر مصطکی از هر یک پنج درم عود خام
هفت درم ناردانه پانزده درم قرنفل قاقله جوزبوا بسبا
سعد نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج فرنجمشک
از هر یک دو درم گل سرخ شش درم سنبل و آمله از هر یک

بجذرم کوفته و بیخته سفوفی سازند شربتی سه درم
که شهوت طین و شهوات رویه را نافع باشد
صفت آن انیسون تخم کرفس زیرهٔ کرمانی نانخواه از هر یک
ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل پنجدرم کوفته
و بیخته شربتی هر صبح و شام یکمثقال سفوفی که
همین خاصیت دارد صفت آن مصطکی زیرهٔ کرمانی
نانخواه قاقلهٔ مساوی نبات برابر هم کوفته و بیخته
سفوف سازند سعوطی که صداع گرم و خشک را نافع باشد
صفت آن آب کاهو و روغن نیلوفر از هر یک یکجزو شیر
دختران دو جزو بیکدیگر ممزوج ساخته در بینی چکانند
سعوطی که درد پیچ و درد چشم اطفال را نافع است
صفت آن کندس حضض کندر از هر یک یکدرم مغز

زعفران

[illegible]

زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته کلولها سازند
و بوقت حاجت بشیر دختران با روغن بنفشه بادام
بسایند و در بینی چکانند سعوطی که صداع بلغمی و ریحی
و دوار را نافع باشد صفت آن صبر مر کندر حضض جند
بیدستر زعفران دارفلفل فلفل سفید از هر یک یکدرم
کندس دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته حب سازند و باب
مرزنگوش بسایند و در بینی چکانند سعوطی که سکته و لقوه را
سود دارد صفت آن زهرهٔ کلنگ با آب مرزنگوش یا آب
سداب سائیده بچکانند با جند بیدستر یا ماء العسل در بینی
چکانند سعوطی که صداع حار را نافع باشد صفت آن
روغن بنفشه بادام روغن کدو آب کاهو آب کاسنی
شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی چکانند سعوطی
تخم فنجنکشت از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که

[illegible]

که فالج ولقوه وشقیقه وجمیع امراض بارده رطبه راکه
در سر وچشم باشد سود دارد صفت آن حضض ومر از هر یک
ده درم عدس وصعتر از هر یک پنجدرم صمغ سداب
وزهره کلنگ وجاوشیر وجند بیدستر وشونیز از هر یک
سه درم نبات وزعفران از هر یک دو درم صبر
وفرفیون از هر یک نیم درم کوفته وبیخته باب خالص
قرصها سازند هر یک مقدار عدسی وبوقت حاجت
یکی از آن باب مرزنگوش وروغن بنفشه بادام
سابیده در بینی چکانند سعوطی که رعاف را نافع باشد
صفت آن کاغذ سوخته پوست انار ترش کندر مر
صدف سوخته شادنج عدسی مغسول کافور از هر یک
قدری باب بادروج در بینی چکانند سنون سورنجان

صفت

ضعف اسنان را نافع باشد صفت آن سورنجان قرنفل
کزمازج پوست هلیله زرد صندل سفید گل سرخ مساوی
کوفته وبیخته سنون سازند سنونی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن پوست هلیله زرد نمک هندی از هر یک پنجدرم
قرفه پانزده درم دارچینی وسعد از هر یک سه درم شب
یمانی وسماق هر یک دو درم عاقرقرحا هشت درم نوشادر
دارفلفل آمله زعفران از هر یک یکدرم گل کز سه مثقال
قاقله وکلنار از هر یک چهار درم زرنباد شانزده درم
کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که حافظ صحت
اسنانست صفت آن شاخ گوزن محرق کزمازج سعد
سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یکدرم کوفته
وبیخته سنون سازند سنونی که دندانرا از چرک پاک کند

صفت آن نمک اندرانی جوسوخته زبد البحر سماق سحق نیا
مساوی کوفته وبیخته سنون سازند سنونی دیگر که دندان
متحرک را محکم سازد صفت آن کلنار شب یمانی آمله اقاقیا
مساوی کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که همین
خاصیت دارد صفت آن شب یمانی کلنار کزمازج مساوی
کوفته وبیخته بسرکه بسرشند ودر سایه خشک کنند ودیگر
باره بکوبند وسنون سازند سنونی که نافع است از جهة
درد دندان که سبب آن ورم لثه باشد صفت آن تخم خرفه
کشنیز خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا
کافور مساوی کوفته وبیخته برلثه ودندان افشانند
بعد از انکه کلاب وسرکه را یکساعت در دهن نگه داشته
باشند سنونی که بیخ دندان سخت کند وخون باز دارد

صفت

صفت آن شاخ کوزن محرق نمک اندرانی محرق پوست
بلیله زرد کل سرخ از هریک دو درم کلنار یکدرم کوفته
وبیخته برلثه ودندان افشانند سنونی که دندانرا
محکم کند وخون رفتن را باز دارد وبوی دهان خوش
کند صفت آن بلیله بلیله آمله مقشر کل سرخ کلنار اقاقیا
شب یمانی قرط طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته
سنون سازند سنونی که خون رفتن از بیخ دندان
باز دارد صفت آن شب یمانی محرق یکدرم نمک
بریان کرده دو درم سماق سه درم کوفته وبیخته
سنون سازند سنون الملوک درد دندان را نافع باشد
وبوی دهن خوش کند صفت آن مرا بهل جوز السرو
عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی

که ناصور بن دندان را باصلاح آورد صفت آن بیخ سوسن
عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار مازو سماق
از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی
که زردی و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهان خوش کند
صفت آن گزمازج زنجبیل زبد البحر دار فلفل قاقله از هر یک دو درم
نمک بریان کرده ده درم جو سوخته هفت درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنون یمانی خون رفتن
از لثه باز دارد و بوی دهان خوش کند صفت آن شب
یمانی پنج درم پودنه کوهی ده درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که نافع است از جهة درد دندان که سبب آن رطوبت
باشد صفت آن فلفل دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم
عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هر یک یکدرم کوفته و بیخته

استعمال

استعمال نمایند سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند
صفت آن سعد گل سرخ از هر یک پنج درم گلنار گزمازج فوفل
از هر یک سه درم دم الاخوین کندر قرنفل نمک اندرانی
مصطکی پودنه محرق از هر یک دو درم عود خام یکدرم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که بیخ دندان سخت کند
و خون رفتن باز دارد صفت آن پوست انار ترش ده درم
شب یمانی هشت درم عاقرقرحا گل سرخ گزمازج سماق از
هر یک چهار درم نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک دو
درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن
از بیخ دندان باز دارد صفت آن کات هندی فوفل گلنار
گل سرخ سماق دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته سنون
سازند سنونی که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد صفت آن

کلنار ده درم نوشادر دو درم مازو یکدرم بوده سوخته ده
درم نمک بعسل سرشته و سوخته ده درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند سنونی که دندانرا جلا دهد و لثه را محکم کند
و بوی دهان خوش کند صفت آن دیگر کلنار دم الاخوین ده
درم نوشادر ده درم مویزج سه درم مازو یکدرم بوده
سوخته ده درم نمک بعسل سرشته و سوخته عالی شب یمانی
دو درم سنج سوخته و نمک هندی و زبد البحر و جو سوخته
و چوب تاک سوخته از هر یک ده درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنونی دیگر که خون باز دارد و لثه را محکم کند صفت آن
گل کز آمله از هر یک سه درم عصاره لحیة التیس گل مختوم
ابهل از هر یک یکدرم دارچینی نیم درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند سنونی دیگر که دندانرا سفید گرداند و بوی دهن خوش کند

صفت

صفت آن زبد البحر ده درم نمک برانی کرده ده درم عود سوخته
و جو سوخته و سفال چینی و گزمازج و کلنار و عاقرقرحا
و قرنفل و ساذج و گل سرخ و سعد و سماق از هر یک نیم درم
زراوند طویل حب الاس از هر یک سه درم کوفته و بیخته
در دندان مالند سنونی که چون در محل داروی آتشک
مالیدن بر دهن و بیخ دندان افشانند منع دهن جوشش
کند و اگر دهن جوشیده باشد استعمال نمایند بصلاح آورد
صفت آن زراوند مدحرج برگ مورد و کندر سعد کلنار
بیخ سوسن دم الاخوین مازو مساوی کوفته و بیخته
استعمال نمایند سنونی که قلاع را نافع بود و بوی دهن خوش
کند و بیخ دندان محکم کند صفت آن شیاف (ظ) سماق ماميثا
طباشیر تخم گل لسان الحمل پوست هلیله زرد برگ زیتون

کزمازج شب یمانی مساوی کوفته وبیخته استعمال نمایند
سنونی که اکله وناصور بیخ دندانرا نافع باشد وخون رفتن
بازدارد صفت آن مرنوشادر بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقر
قرحا مساوی کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی دیگر که
همین خاصیت دارد صفت آن بیخ سوسن عاقرقرحا از
هریک یکدرم شب یمانی کلنار مازو سماق از هریک دو درم
کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک را
محکم سازد صفت آن مرتوتیا شب یمانی نشاسته
گل سرخ سماق پوست انار ترش استخوان هلیله زرد
سک کلنار مازو کزمازج مساوی کوفته وبیخته بر بیخ
دندان افشانند سونجان اکله دهن ولثه را نافع باشد
صفت آن پوست انار ترش وشیرین از هریک سی درم

مازو کلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هریک ده درم
سماق پانزده درم نمک هندی ونوشادر از هریک پنجدرم کوفته
وبیخته بسرکه بسرشند وگلولها سازند ودر سایه خشک کنند
ودر وقت احتیاج دیگرباره بکوبند واستعمال نمایند سونجان دیگر
استرخا وورم لثه را نافع بود ودندانرا از چرک پاک کند
صفت آن پوست انار دو درم کلنار زردچوبه سماق شب یمانی
مازو از هریک یکدرم کوفته وبیخته استعمال کنند والله اعلم

باب الشین

شراب افسنتین معده
را از اخلاط فاسده پاک کند صفت آن افسنتین رومی
پنجدرم ورق گل سرخ بیست درم تربد سفید ده درم در دو من
آب بجوشانند وبپالایند ویکمن قند اضافه کنند وبقوام آرند
شراب افسنتین نوعی دیگر معده ضعیف وجگر سرد وسپرز آلود

دارد و طبع را نرم کند و بادهای روده را دفع کند صفت آن
افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم کرفس سی درم
در دو من آب بپزند تا بنیمه آید و با یک من قند شربت
بزنند شراب افسنتین نسخه دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون
و گل سرخ و سلیخه و اسارون از هر یک ده درم مصطکی
و سنبل از هر یک هفت درم در دو من آب بجوشانند
بغیر از مصطکی صلایه کرده بآن ممزوج سازند شراب افسنتین
نسخه دیگر که معده را از صفرا پاک کند و سوء المزاج گرم را
زایل گرداند صفت آن ورق گل سرخ هفت درم شاهتره
و افسنتین از هر یک پنج درم آلوی سیاه بیست عدد
تمر هندی بیست درم مویز منقی سی دانه در دو من آب
بپزند تا بنصف آید صاف سازند و نیم من شکر سفید در

حل کنند و بقوام آرند شربتی ده درم با یک درم صبر سقوطری
شراب السعال سرفه کهنه را بغایت نافع بود و سینه را از
اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را نافع بود صفت آن
انجیر سفید شش وقیه پیاز عنصل یک وقیه مویز منقی دو
وقیه انیسون نیم وقیه در قدری خل الخمر و آب خیسانند
سه روز و بجوشانند صاف کنند و دو رطل عسل اضافه کنند
و بقوام آرند شراب فواکه معده را قوت دهد و قی باز دارد
و دل را قوی گرداند صفت آن آب سیب آب به آب انار
ترش و شیرین آب امرود از هر یک یک جزو و آب زرشک
و آب سماق و آب غوره و آب زعرور از هر یک نیم
جزو بجوشانند تا بثلثی آید و بمقدار قند که کفاف باشد
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شراب [illegible]

طرق قی باز دارد و صفرا دفع کند و معده را قوت دهد صفت آن
انار ترش و شیرین دو من نعناع تازه دو شاخه عود خام
آمله مصطکی از هر یک دو درم پوست بیرون پسته پنج
درم کوفته در آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند
و با یکمن قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند
شراب انار منعنع فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را
قوت دهد صفت آن انار ترش و شیرین با تخم آن
بکوبند و آب آن بگیرند دو من و یکمن قند و یکوقیه
آب نعناع اضافه کنند و بقوام آورند شراب آلو
صفرا و بلغم را دفع کند صفت آن آلوی سیاه صد عدد
تمر هندی یکچاریک ترید سفید و بنفشه از هر یک
بیست درم درکیسه کنند و در دو من نیم آب بجوشانند

تا یکمن

تا بیکمن آید و نیک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین
صاف کرده اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند
و یکمثقال سقمونیا در آن حل کنند شراب خشخاش منع
نزلات کند و ریش سینه و شش را نافع بود و بیخوابی
زایل گرداند صفت آن خشخاش بزرگ با پوست
صد عدد نیمکوفته کنند و با دو من و نیم آب باران بپزند
و بپالایند و با یکمن و نیم قند بشربت بپزند و اگر از خشخاش
بی پوست بپزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند
و بپزند و با یک من قند بقوام آورند لیکن اولی آن
بود که با پوست بپزند شراب سیب اصفهانی معده و دل را
قوت دهد و مفرح بود و قی را ساکن کند و اسهال
صفرایی را باز دارد صفت آن سیب اصفهانی اندرون

اندرون و برون پاک کرده و در هاون سنگین یا
چوبین بکوبند و آب آن بگیرند ده من و بجوشانند
تا به دو من آید و یک من قند اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید
شراب سفرجل دل را قوت دهد و معده را قوی گرداند
و اشتهای طعام آورد و طبع ببندد و غثیان باز دارد
صفت آن به ترش و شیرین اندرون آن پاک کنند
و آب آن بگیرند و هر پنج من آب یک من قند اضافه کنند
و بقوام آرند شراب ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد
و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را قوت دهد
صفت آن ریباس را سر و دنبال بکارد چوبین ببُرند
و در هاون سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن
بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا بثلثی آید و زمانی

بگذارند

بگذارند و بکرباس بپالایند و هر یک من آب یک من قند
اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید شراب حماض صفرا را
بشکند و قی باز دارد و معده را و دل را قوت دهد و خفقان
گرم را نافع باشد صفت آن آب حماض پنجاه مثقال قند
سفید یک من بشربت بزنند چنانکه رسم است شراب لیمو
معده را قوت دهد و اشتها آورد و صفرا بشکند و قی باز دارد
و هاضمه را قوی گرداند و دفع خمار کند صفت آن مانند حماض است
شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد و درد سر که از
گرمی باشد ساکن گرداند صفت آن آب نارنج یک من
بجوشانند تا بنصفی آید و کف زرد آن بردارند و با دو من
قند شربت بزنند شراب غوره که تشنگی بنشاند و تب گرم را
سود دارد و خمار را دفع کند صفت آن آب غوره بگیرند

وبجوشانند تا بنصفی آید وکف آن بگیرند وزمانی بگذارند
وبکرباس نو بپالایند وبر یکمن آب یکمن قند سفید
اضافه کنند وبشربت بزنند شراب عود معده را قوت
دهد وبوی دهن خوش کند وهاضمه را قوی گرداند صفت آن
عود هندی وآمله مقشر از هریک ده درم سنبل وقرنفل
مصطکی جوز بوا از هریک دو درم مجموع نیم کوفته
در کیسه کتان ریزند ودر سه چهار یک گلاب بجوشانند
وکیسه را نیک بمالند تا قوت آن بگلاب دهد ویکمن
قند بقوام آورند وآن گلاب بر سر آن ریزند ودیگر
باره بجوشانند تا بقوام آید وفرو گیرند ونیم دانگ مشک خالص
سوده در آن حل کنند شراب حب الآس معده را قوت
دهد واسهال باز دارد صفت آن حب الاس وامرود

خشک از هریک پنجاه درم قرط وطراثیث از هریک ده
درم آب به وآب سیب وآب انار از هریک یکمن داروها
کوفته درین آبها بجوشانند تا بثلثی آید وبپالایند
ودیگر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس بنسخه
دیگر اسهال وسرفه را نافع باشد صفت آن حب الاس
بکوبند وبجوشانند تا نیک عصاره شود وبپالایند وبهر دو
جزو از آن ده جزو قند سفید اضافه کنند واگر قدری
طباشیر سفید سوده در آن حل کنند بهتر باشد شراب
دینار طبع را نرم کند وجگر ودل را قوت دهد وسده بگشاید
وسوء القنیه واستسقا وذات الجنب را نافع بود وتشنگی
بنشاند صفت آن تخم کاشنی نیم کوفته وورق گل سرخ
از هریک بیست درم تخم کشوث چهل درم نیلوفر وگاو

زبان از هر یک ده درم افتیمون در کتان بسته سه درم
بجوشانند تا مهرا شود و صاف کنند و با یکمن قند
بقوام آورند و فرود گیرند و ده مثقال ریوند جینی ساییده
دران حل کنند شراب زوفا سرفه بلغمی را نافع بود
و سینه و شش از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس
سود دارد صفت آن عناب سی دانه سبستان پنجاه
دانه انجیر سفید سی دانه بنفشه چهار درم پرسیاوشان
هفت درم تخم خطمی و تخم خبازی از هر یک پنج درم اصل
السوس و زوفا از هر یک هفت درم بجوشانند و بپالایند
و یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنج درم فراسیون
داخل میکنند شراب تمر هندی طبع را نرم کند و صفرا
بشکند و معده را قوت دهد و قی باز دارد صفت آن

تم

تمر هندی نیم من بجوشانند و شیره اش بگیرند و بپالایند
بیاض

صح

ویکمن قند اضافه کنند و بقوام آرند شربت صندل دل را
قوت دهد و خفقان گرم را و جگر گرم را نافع باشد و تشنگی
بنشاند صفت آن صندل سفید ساییده بیست مثقال
در گلاب خیسانند یک شبانروز و روز دیگر اندک جوشی
بدهند و شیره آن بگیرند و با یکمن قند بشربت بزنند شربت
انجیر گرده و مثانه را نافع بود و منی بیفزاید و باه را قوت
دهد و درد پشت را زایل کند صفت آن انجیر خوب دو من
در پنجمن آب بپزند تا بیکمن و نیم آید و هر دو را بدست
بمالند و صاف کنند یکمن و یکمن و نیم عسل صاف بر سر آن
کنند و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از
هر یک یکدرم زعفران نیم درم در کیسه بسته در آن اندازند
و بجوشانند تا بقوام آید شربتی بنجمثقال شربت بنفشه

بنفشه

بنسخه معمول ذات الجنب و ذات الریه و سینه را نرم کند
صفت آن سر بنفشه تازه یکچهاریک بجوشانند و بپالایند
و با یکمن قند بزنند و اگر بنفشه تازه نباشد یکوقیه
بنفشه خشک کنند و باید که بسیار بجوشانند شربت نیلوفر
صداع حار و تبهای صفراوی را و سرفه و ذات الجنب و
ذات الریه را نافع بود صفت آن گل نیلوفر یکوقیه و اگر تازه
بود یک چهاریک بجوشانند و با یکمن قند شربت بزنند
شراب عناب ماشرا و آبله و حصبه و درد سینه و سرفه
و غلبه خون را نافع باشد صفت آن عناب جرجانی
یکچهاریک در دو من آب بپزند شراب گاوزبان دل را
قوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت نافع بود و خفقان را
زایل کند صفت آن آب گاوزبان تازه یمن با یکمن

و بدست بمالند و بپالایند بمبالغه و با یکمن قند شربت بزنند صح

قند سفید بجوشانند و کف بردارند و بقوام آرند
و بیست مثقال گلاب در ان ریزند و فرو گیرند و
بقوام آرند و اگر گاوزبان تازه نباشد یکچهاریک
خشک کنند شراب بادرنجبویه دل را قوت دهد و خفقان سرد را
نافع بود و توحش سوداوی را زایل کند صفت آن بادرنجبویه
تازه بستانند و آب آن بگیرند نیم من و با یکمن قند
بشربت بزنند و اگر تازه نباشد پنجاه مثقال خشک کنند
شراب هلیله اوجاع مفاصل و تبهاء گرم را نافع بود و طبع را
نرم کند صفت آن هلیله زرد صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرفی
کنند و آب بر سر آن ریزند و نگاه دارند و دیگر آب بر سر
آن ریزند و سه روز دیگر در آفتاب نهند و آب اول
و دوم باهم بیامیزند و صاف و پنجاه مثقال ترنجبین در ان حل کنند

وصاف

وصاف سازند و بر سر آتش نهند و بقوام آورند و فرو گیرند
و یکمثقال سقمونیای سوده در ان حل کنند شراب که فواق را
بنشاند خاصه آنچه از پس طعام آید صفت آن زیره کرمانی
انیسون نخودنه کندر از هر یک ده درم در دو من آب بجوشانند
تا بنصفی آید بپالایند و جرعه جرعه بنوشند شراب هلیون
ریگ از گرده و مثانه پاک کند صفت آن هلیون سی مثقال
در دو من آب بجوشانند و بپالایند و با یک من قند شربت بزنند
شراب بزوری معده و جگر را نافع بود و بادها دفع کند
و مفاصل را سود دارد صفت آن بوست بیخ کاسنی سی درم
تخم کاسنی بوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه
تخم کرفس بوست بیخ کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث
در کتان بسته پنجدرم بجوشانند و بپالایند و با یکمن

ونیم قند بشربت بزند شربت دیگر مسهل صفرا بود وتبهای
مرکبه را نافع بود صفت آن ورق گل سرخ تازه نیم من در نیم
من آب بجوشانند تا صفت من اید بپالایند ونیم من
دیگر برگ گل در آن آب بجوشانند ودیگر بپالایند
چند نوبت همچنین میکنند تا بیکمن آید صاف کنند
وبا یکمن قند بشربت بزند شربتی سه درم باده درم
سکنجبین وآب یخ یا برف شراب توت درد گلو وخناق
را نافع باشد صفت آن آب توت سیاه بگیرند و
صاف کنند وبجوشانند تا بنیمه آید وبهر پنج رطل از ان سه
رطل قند صاف اضافه کنند وبقوام آورند شراب انار عدس
جگر را قوت دهد وتشنگی بنشاند صفت آن انار شیرین بگیرند
وبجوشانند تا بنیمه آید وبهر یکمن از ان یکمن قند اضافه
کنند

کنند وبقوام آرند شراب عنبر درد معده واعصاب را
سود دارد وخفقان بارد را زایل کند صفت آن عسل
دومن در دومن آب بجوشانند وکف بردارند وبقوام
آرند وعنبر وزعفران سوده از هر یک یکمثقال اضافه کنند
شربتی بنجدرم شراب مشک معده را قوت دهد وامراض
بلغمی را نافع بود وپیرانرا موافق باشد صفت آن
عسل یکمن قند سفید یکمن در دهمن آب بجوشانند
وبقوام آرند ویکمثقال مشک ویکدرم زعفران سوده
اضافه کنند شربتی سه درم شرابی که نافع است از جهة
اسهال موی وضعف معده صفت آن رب به شیرین
سی مثقال گلنار غذبه آمله صندل سفید حب الآس از
هر یک یکمثقال گلاب وقند سفید از هر یک بیست مثقال

بطریق معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل و احشارا
قوت دهد و سده بگشاید و استسقا و جمیع امراض بارده
رانافع بود و باه را زیاده کند و نشاط آورد صفت آن
ابریشم پنجاه درم در آب آهنگران خیسانند سه شبانه
روز در دیگ سنگین بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند
و خولنجان و وج و مصطکی از هریک سه درم زعفران
یکدرم صلایه کرده اضافه نمایند و با یکمن قند شربت
بزنند شربتی چهار درم شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا
و صداع بارد و جمیع امراض دماغی را که سبب آن
برودت باشد سود دارد صفت آن اسطوخودوس
پرسیاوشان عود صلیب از هریک پنجدرم اصل
السوس گاوزبان رازیانه پوست بیخ کرفس تخم خطمی

بنفشه

١ بنفشه گل سرخ از هریک سه درم منقی سپستان
از هریک پانزده درم دانه جوشانیده و صاف
کرده با یکمن قند شربت بزنند شراب اصل پوست
بیخ کبر پوست بیخ رازیانه از هریک بیست مثقال تخم
کرفس رازیانه انیسون نانخواه ماهیزهره سورنجان
از هریک ده درم پوست بیخ کرفس بیست درم قند
سفید یکمن بطریق معهود شربت بزنند شراب
اصول مواد غلیظ را نضج دهد و سده بگشاید و بادها
بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده
جگر و معده رانافع بود صفت آن پوست بیخ کبر پوست
بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی
از هریک بیست درم انجبار زرد بیست دانه منقی چهل

۱ دانه فقاح اذخر سنبل اسارون سلیخه از هر یک ده درم
قند سفید یکمن شربت پزند چنانکه رسم است شراب
کذر درد پشت را نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن
کذر شسته پاکیزه ده من سر وبن بیندازند و درم
درم کنند و در دیک سنکین اندازند و آب بر بالای
آن ریزند تا و سر دیک بکل یا بخمیر محکم کنند چنانچه
بخار از وی بیرون نرود و با تش آهسته بپزند و بگذارند
تا سرد شود پس سر دیک بکشایند و نیک بمالند
و آن آب بستانند و صاف کنند و باهم سنک آن
عسل در دیک ریزند و سنبل و خولنجان و قرنفل و دارچینی
از هر یک یکدرم زعفران نیم درم مجموع نیمکوفته
در کیسه کنند و در آن دیک اندازند و هر لحظه برهم میمالند

و میجوشا

۱

و میجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس (الجبار) اسهال دموی
را و نفث الدم و سیلان طمث را نافع بود و معده
و جکر را قوت دهد صفت آن صندل سرخ و سفید
سائیده از هر یک پنج مثقال الجبار هفت مثقال قند
سفید نیم من بطریق معهود شربت پزند شراب حب
الآس بنسخه دیکر آمله مقشر یکمثقال حب الآس دو مثقال
پوست بیخ الجبار کلنار کل سرخ تخم حماض بری از هر یک
و کلاب — دو درم رب به شیرین از هر یک بیست مثقال
شراب صندل سی مثقال بدستور معهود شربت پزند
شرابی که از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی نافع است
صفت آن تخم کاشنی تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از
هر یک ده درم کاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت

درم ونیم ایرسا دو درم ونیم اصل السوس پنج درم رازیانه
بسفایج فستقی از هریک سه درم ونیم در شش مثقال ادویه
گلاب و دو مقابل ادویه آب سیب شیرین بجوشانند
تا ثلثی باقی ماند و با یکمن قند بشربت پزند شراب قند
بلغم دفع کند و سرد مزاجان را نافع باشد صفت آن
زنجبیل دارچینی از هریک پنجدرم هیل کبار و قاقله از هریک
دو درم قرنفل یکدرم مجموع نیمکوفته در هفت رطل آب
بجوشانند تا به پنج رطل آید و بپالایند و با پنجمن قند سفید
بقوام آرند و پنجدرم زعفران ساییده اضافه نمایند شراب عسل
معده و جگر را گرم کند صفت آن سنبل مصطکی دارچینی
قاقله عود هندی فلفل جوزبوا از هریک یکدرم قرنفل پنجدرم
کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید بپالایند

و با پنج رطل عسل بجوشانند و بقوام آورند شراب خمار
در دفع خمار بی نظیر است صفت آن آلوی سیاه تمر هندی
الچی دانه از هریک یکرطل عناب پنجاه دانه در شش
رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید بپالایند و آب
انار ترش و شیرین و آب سیب و آب لیمو از هریک
نیم رطل اضافه نمایند و با یکرطل قند بقوام آورند شراب
فنجنوش سرعت انزال را نافع است صفت آن آب
انگور خام شش رطل سماق مازو و گلنار گل سرخ کشنیز
خشک کندر صعتر سعد از هریک ده درم زعفران بهم
شب یمانی از هریک یکدرم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند
تا ثلثی باقی ماند صاف کنند و استعمال نمایند شراب
داروبجب مقوی اعضاء رئیسه است و نسیان و امراض

بلغمی وسوداوی را نافع است وباه را قوت دهد وپیران
را موافق باشد صفت آن آب انکور صد من به
به شیرین سه من سیب اصفهانی دو من کلاب نیم
آب من خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب
کبابه چینی خیربوا خولنجان از هر یک پنج درم عود خام
ببا سه دواله از هر یک سه درم زعفران ده مثقال
مشک نیم مثقال عنبر یکمثقال سیب وبه را در آب انکور
بجوشانند تا مهرا شود بعد از آن برکشند وصاف کنند
ومشک وزعفران وعنبر را در کلاب حل کنند واضافه
نمایند وادویه نیم کوفته در کیسه کنند ودر محل جوشانیدن
کیسه را در دیک اندازند وزمان زمان بدست بمالند
تا شیره باز دهد وچون شیره انکور را در خم ریزند کیسه را

در خم نیز اندازند وبعد از شش ماه استعمال نمایند شراب
خبث الحدید معده را قوت دهد وهاضمه را قوی کرداند
ولون را نیکو کند وباد بواسیر را نافع بود صفت آن
تخم کرفس رازیانه زیره کرمانی انیسون نانخواه صعتر
انجدان کاشم کرویا کشنیز خشک فلفل دار فلفل کندر
دارچینی سنبل قرفه جوزبوا تخم جرجیر تخم بیاز سعد زنجبیل
از هر یک یکمثقال خبث الحدید ده مثقال در شش مقابل
ادویه شراب بجوشانند تا بنیمه آید وصاف کنند
شربتی هر روز سی درم کافی باشد شراب ریحانی
نسیان وامراض بلغمی را نافع باشد ومعده را قوت
دهد وپیران را موافق باشد صفت آن شیره
انکور صد من در خم ریزند وشش من قند اضافه

کنند و دارچینی قرنفل بسباسه جوزبوا از هریک ده درم
مجموع نیم کوفته در کیسه کنند و در خم اندازند و سر خم
بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و باید که خم را اول
پاک بشویند و اندرون آن موم گداخته بگردانند
و بمشک و عنبر بویا گردانند شرابی که معده و دل را
قوت دهد و امراض بلغمی را و سوداوی را نافع باشد صفت آن
آب سیب سه رطل آب به شیرین دو رطل در دیگ
سنگین کنند و قرنفل یکدرم و نیم عود هندی دو درم
گاوزبان و بادرنجبویه و گل سرخ از هریک سه درم کوفته
و در کیسه بسته در دیگ اندازند و با آب سیب و به
بجوشانند تا بنیمه آید و در خم ریزند و شراب ریحانی
دو من بر بالای آن ریزند و قند سفید یکمن و رطلی و نیم

اضافه

اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز در افتاب
بگذارند و بعد از آن صاف نموده استعمال کنند شیاف
احمر لین سلاق و غلظ اجفان و آخر رمد را نافع
باشد صفت آن شادنج عدسی مغسول ده درم مس
سوخته هشت درم صمغ عربی و کثیرا و مر صاف از
هریک دو درم دم الاخوین و زعفران از هریک یکدرم
طلایه کرده شیاف کنند شیاف احمر حاد سبل و ظفره و سلاق
و بیاض را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول شش
درم صمغ عربی پنجدرم مس سوخته زاج سوخته از هریک
دو درم و نیم زعفران و مر از هریک دانگی و نیم کوفته
و بیخته بجریر شیاف سازند شیاف اخضر جرب و سبل
و بیاض را نافعست صفت آن زنگار سه درم اقلیمیا

دو درم
نوره اشق صمغ عربی سفیداب ارزیز از هریک یکدرم
صمغ واشق را در اب سداب حل کنند و داروها را
کوفته و بحریر بیخته بدان بسرشند و شیاف سازند
شیاف دیزج کمنه وجرب وسبل وسلاق وشعر زایدرا
نافعست صفت آن زنگار شش درم صمغ عربی واشق
از هریک چهار درم اقلیمیا طلا وافیون از هریک دو
درم بارزد یکدرم کوفته وبیخته باب سداب بسرشند
و شیاف سازند شیاف طرخماطیقون کمنه وجرب و
سلاق واسترخا وریح سبل را نافع بود صفت آن
شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار
و قلقطار سوخته از هریک یکدرم باب رازیانه
بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض افیونی رمد

کم

کحلم را نافع بود و درد صعب را بنشاند و تحذیر کند
صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم صمغ عربی
پنج درم افیون وکثیرا از هریک یکدرم بسفیده تخم مرغ
بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض از زروتی ابتداء
رمد را نافع بود صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم
انزروت مربی بشیر خر کثیرا از هریک چهار درم بسفیده
تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف گل سرخ نسخه
محمد زکریا رمد را نافع است و جره ان کمتر از جره ابیض است
و بهترین و سبکترین شیاف وردیست صفت آن
گل سرخ چهار مثقال زعفران و سفیداب ارزیز از
هریک دو مثقال افیون و صمغ عربی از هریک یکمثقال
بدستور شیاف سازند شیاف بریوما رمد را [illegible]

بصلاح آورد صفت آن شیاف مامیثا و انزروت عربی
از هریک هشت درم زعفران دو درم افیون نیمدرم
کثیرا یکدرم کوفته و بحریر بیخته باب باران بسرشند
و شیاف سازند و بسفیدهٔ تخم مرغ در چشم کشند
شیاف بریوما هم بنسخهٔ دیگر رمد را نافع بود و سرخی ببرد
و اماس بنشاند و درد را تسکین کند صفت آن
اقلیمیا نقره و روی سوخته از هریک سه مثقال کثیرا
و اقاقیا و صمغ عربی از هریک دو مثقال افیون زعفران
از هریک یکمثقال کوفته و بحریر بیخته بسفیدهٔ تخم مرغ
سرشته شیاف سازند شیاف قیصر ظفره و شعر زاید
را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول دوازده درم
صمغ عربی و مس سوخته از هریک شش درم قلقطار سوخته

درنکار از هریک دو درم باب رازیانه بسرشند
و شیاف سازند شیاف خلوقی باد ها را پراکنده کند و اماس
ملتحمه بنشاند صفت آن مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا
و صمغ عربی سنبل و زعفران از هریک یکدرم باب
باران شیاف سازند شیاف اسود نافع است باد ها را
که در چشم و جفن باشد کشیدن و طلا کردن صفت آن
مس سوخته افیون از هریک یکدرم و نیم زعفران شیاف
مامیثا از هریک نیمدرم مروارید ناسفته و به از
هریک یکدرم اقاقیا پنجدرم کوفته و بیخته باب باران
بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض کندری قرحه و مدهٔ
غلیظ را نافع باشد صفت آن سفیداب ارزیز هشت
درم افیون و انزروت مربی و کثیرا از هریک یکدرم

صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم بآب باران شیاف سازند
شیاف آبار بنفع قرحه و مورسرج را نافع بود و حرارت نشاند
و جفن را بر سازد صفت آن قلیمیا طلا سفیداب ارزیز
مس سوخته سرمه صفاهانی صمغ عربی کثیرا سرب
سوخته از هر یک هشت درم افیون یکدرم بآب
[illegible] شیاف سازند شیاف آبار بنوعی دیگر منفعت
آن قریب بمنفعت اوست صفت آن آبار سوخته
[illegible] اصفهانی توتیا مس سوخته کثیرا صمغ عربی
از هر یک شش درم افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف
[illegible] و بعضی اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک
[illegible] کنند چهار درم اضافه میکنند شیاف کندر
[illegible] قرحه را نافع باشد و گوشت برویاند صفت آن

اشق

اشق و انزروت از هر یک پنج درم کندر ده درم
زعفران دو درم اشق را در لعاب حلبه حل کنند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان بسرشند و شیاف
سازند شیافی که ابتداء آب را نافع است صفت آن
خربق سفید یک وقیه فلفل نیم وقیه اشق یکدرم بآب
ترب شیاف سازند شیاف روشنائی جرب و ظفره [illegible]
و ابتدای نزول را نافع باشد صفت آن اقلیمیا [illegible]
اقلیمیای طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم
کافور و مشک از هر یک دانگی صلایه کرده بآب باران
شیاف سازند شیاف اصفر از جهة ابتداء نزول و تاریکی
چشم نافع است صفت آن انزروت مربی [illegible]
ماميثا از هر یک هشت درم مربوره [illegible]

از هر یک چهار درم زرنیخ زرد دو درم زعفران یکدرم
و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف اصفر
بنوعی دیگر صفت آن هلیله زرد توتیای هندی از
هر یک پنج درم فلفل سفید صمغ عربی از هر یک دو درم
زعفران یکدرم با آب رازیانه شیاف سازند
شیاف سماق جرب و خارشی و سوزش و جحوظ را نافع باشد
صفت آن سماق سی مثقال با آب باران بپزند و بالا نهند
و باز بجوشانند تا غلیظ شود و بگذارند تا سرد شود ده درم
سفیداب ارزیز با آن بسرشند و شیاف سازند و بعضی
آب سماق را بجوشانند تا غلیظ میشود و گرد سماق
با آن سرشته شیاف میسازند شیاف دینارجون سبل
رقیق بردارد صفت آن زردچوبه شادنج مغسول

صبر سقوطری شیاف مامیثا مساوی کوفته و بیخته با آب
باران شیاف سازند شیاف وردی صعوبة درد چشم
را در حال بنشاند صفت آن ورق گل سرخ پانزده درم
زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل الطیب
دو درم صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف سازند
شیاف اسود بنسخه دیگر رمد و حرقه عین و دمعه و سبل را که
با او مواره باشد نافع بود صفت آن اقلیمیای طلا
سفیداب ارزیز صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم
مس سوخته سنبل الطیب نشاسته از هر یک یکدرم
و نیم اقاقیا مغسول هشت و چهار درم کوفته و بیخته
بعضی را با آب سوده کرده با آب عنب الثعلب شیاف
سازند شیاف اصطمیقا استرخاء جفن و تاریکی بصر

وابتدای آب را نافعست صفت آن اقلیمیای طلا فلفل
سیاه انیسون از هر یک چهار درم صمغ عربی و شیاف
مامیثا از هر یک شش درم انزروت و نمک هندی و زرنیخ
زرد از هر یک یکدرم بورهٔ ارمنی دوازده درم باب
رازیانه شیاف سازند چنانکه رسمست شیافی که نافع است
جرب و غلظ جفن و سبل کهنه را که با آن حرارت و حمره
نباشد و بیاض و تاریکی چشم را زیان دارد صفت آن
افیون اقلیمیای نقره از هر یک یکدرم ارزیز صمغ عربی
زنگار اشق از هر یک دو درم بابی که اشق در آن حل
کرده باشند شیاف سازند شیافی که نافعست قرحهٔ حارهٔ
حدیده را و چشم را خنک سازد و گوشت برویاند صفت آن
سفیداب ارزیز ده درم کندر و انزروت از هر یک

یکدرم

یکدرم افیون نیمدرم کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف زنگار جرب و باد سبل را نافع بود صفت آن
صمغ عربی سفیداب ارزیز زنگار مساوی با آب سداب
شیاف سازند شیاف غوره جرب و حکه و کمنه را نافع
بود صفت آن زنجبیل نیمدرم هلیله زرد صمغ عربی توتیا
مغسول از هر یک دو درم حضض هندی چهار درم زردچوبه
زعفران از هر یک دو درم با آب غوره شیاف سازند
شیاف عرب صبر کندر گلنار انزروت دم الاخوین سرمه
شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی و نیم بگلاب
شیاف سازند و سوراخ را از جرب پاک کنند
و در آنجا چکانند شیاف ورد قرحه و سحنه و تبره
و موسرج و نتو قرنیه و عنبیه و کمنه المزه و رمد کهنه را

نافع باشد صفت آن برک کل تازه هفتاد و دو مثقال
اقلیمیا نقره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست
و چهار مثقال زعفران شش مثقال افیون و سرمه
از هر یک سه مثقال زنکار و توبال مس و سنبل هندی
از هر یک دو مثقال مرصافی چهار مثقال کوفته و بیخته
باب باران شیاف سازند شیاف دینار بنسخه دیکر
رمد سوداوی را نافع باشد صفت آن سفیداب
ارزیز اقلیمیا از هر یک ده درم افیون و نشاسته
از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم بطریق معهود شیاف
سازند شیاف ابار بنسخه دیکر اقلیمیا طلا توتیا سرمه
سفیداب ارزیز روی سوخته از هر یک دو درم
دم الاخوین و افیون از هر یک انزروت یکدرم و نیم

دکزند

کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه و بثور
را نافعست صفت آن اشق انزروت از هر یک پنجدرم
کندر ده درم زعفران دو درم بلعاب حلبه شیاف
سازند شیاف قلقند از برای ظفره نافع است
صفت آن روی سوخته پنجدرم زنکار دو درم نوشادر
قلقند بوره ارمنی از هر یک یکدرم زرنیخ نیمدرم بسر که
بسرشند و یکهفته بکذارند پس شیاف سازند و استعمال
نمایند شیاف مرطفه را نافع بود صفت آن کندر و زعفران
از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ نیمدرم شیاف سازند و
باب کشنیز تازه در چشم چکانند شیاف مرارات امتشار
و ابتدا و نزول را نافع باشد صفت آن زهره کلنک
زهره شبوط زهره بز کوهی زهره باز زهره کبک

مجموع خشک کرده ده درم شحم حنظل سکبینج فرفیون
از هر یک یکدرم آب رازیانه شیاف سازند
شیاف مرارات بنسخهٔ دیگر ضعف بصر و ابتدا آبرا
نافعست صفت آن زهرهٔ باشه زهرهٔ عقاب
زهرهٔ خرس زهرهٔ روباه زهرهٔ [illegible] خشک
کرده [illegible] آب رازیانه شیاف [illegible]
شیاف مرارات بنسخهٔ دیگر صفت زهرهٔ کلنگ زهرهٔ کبک
زهرهٔ کرک زهرهٔ بز کوهی زهرهٔ راسو زهرهٔ خرکور
زهرهٔ کبوتر زهرهٔ شیر نر زهرهٔ لقلق زهرهٔ خوک
زهرهٔ روباه زهرهٔ خرکوش زهرهٔ ماهی از هر یک
خشک کرده یکدرم سکبینج فرفیون شحم حنظل از
هر یک یکدرم سکبینج را باب بادیان حل کنند

ودیکر

و دیکر داروها کوفته و بیخته بان بسرشند و شیاف
سازند شیافی که قایم مقام مرارات است صفت آن
زهرهٔ بز کوهی در ظرفی سیمین خشک کرده ده درم
شحم حنظل پنجدرم سکبینج دو درم فرفیون و نوشادر
از هر یک یکدرم باب سداب یا اب رازیانه شیاف
سازند شیاف جلای حکه و جرب و سلاق و ظلمه و
دمعه و سبل و ظفره و خشونت اجفان را نافع بود
صفت آن توتیای مغسول شش مامیران چینی و
شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم دارفلفل نخیل زبد
البحر حضض هندی پوست هلیلهٔ زرد ساذج هندی
از هر یک دو مثقال آب غورهٔ پرورده شیاف سازند
شیاف جلیقت خیالات و ابتدا آبرا نافع است صفت آن

درم زعفران دو درم [illegible]

حلتیت فرنق سفید از هر یک ده درم سکبینج سه درم بعسل
سرشته شیاف سازند شیاف دیگر چون بنوعی دیگر سبل
وظفره و جرب را نافعست و چشم را جلا دهد صفت آن
اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کثیرا
و مر از هر یک پنجدرم مروارید ناسفته بسد دم الاخوین
از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ نبات اقاقیا از هر یک نیم
درم افیون هفت درم زعفران نشاسته روی سوخته
از هر یک کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که جرب و
سبل و شحم زاید را نافع باشد صفت آن ساذج هندی
شش درم صمغ عربی پنجدرم زنگار سه درم مس سوخته
و قلقطار سوخته از هر یک دو درم افیون و مر از هر یک
یکدرم زعفران نیمدرم با به سداب شیاف سازند

شیافی

شیافی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن زنگار
سه درم سفیداب ارزیز قلقطار اقلیمیا نقره صمغ عربی
اشق از هر یک دو درم اشق را بآب حل کنند
دداروهای دیگر را کوفته و بیخته بآن بسرشند
و شیاف سازند شیافی که بثره و قرحه را سود دارد
و نشان قرحه را ببرد صفت آن شاخ گوزن سوخته
مغسول از هر یک چهار درم توبال مس مغسول محرق
دو درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند
چنانکه رسمست و در چشم کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید
و بلغم و صفرا دفع کند و درد پشت را نافع بود صفت
سکبینج مقل جاوشیر اشق نمک هندی شحم حنظل
بوره ارمنی سقمونیا تربد حب المقل صمغها را بآب

سداب حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته
بان بسرشند و شیاف سازند هر یکی دو درم شیافی
که درد پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سردی
و بلغم باشد نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر
مقل بورهٔ ارمنی اشق زنجبیل سورنجان شقاقل
شحم حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی انزروت
جند بیدستر زرنباد قسط ماهیزهره سعد سداب
خشک مساوی کوفته و بیخته با آب سداب تازه بسرشند
و شیاف سازند شیافی دیگر که درد پشت و اوجاع مفاصل
و بواسیر را نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل
بورهٔ ارمنی اشق زنجبیل سورنجان شقاقل شحم
حنظل تخم کرفس رازیانه انیسون نمک هندی انزروت

جند بیدستر زرنباد قسط ماهیزهره سعد سداب خشک
مساوی کوفته و بیخته با آب سداب تازه بسرشند
و شیاف کنند شیافی که درد پشت و اوجاع مفاصل
و بواسیر را نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل بارزد شحم
حنظل بید انجیر ماهیزهره بوزیدان از هر یک یکدرم و نیم
سورنجان و تربد از هر یک سه درم جند بیدستر نیم درم با آب
حل کنند و شیاف سازند شیافی دیگر زعفران و حضض
مرانیون کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند
شیاف خیارچنبر قولنج بگشاید و طبع را نرم کند صفت آن
بنفشه دو درم خطمی سه درم سنا مکی پنج درم نمک هندی
یکدرم عسل خیارچنبر و شکر سرخ از هر یک ده درم شیاف
سازند شیاف بنفشه که همین خاصیت دارد صفت آن

بنفشه پنجدرم سقمونیا و نمک هندی از هر یک دو درم
بورهٔ ارمنی و تربد از هر یک سه درم فراقوت و فانید
از هر یک پنج مثقال شیاف سازند شیاف قولنج
بورهٔ ارمنی ده درم شحم حنظل مقل سکبینج از هر یک پنج
درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم شیاف
سازند شیاف فرفیون ضعف مثانه و سلس البول و فتق
را نافع بود و باه را قوت دهد صفت آن نارجیل حب
الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام تلخ کرم دانه حب
الزلم از هر یک دو درم فرفیون جند بیدستر سداب
از هر یک سه درم مقل ده درم بآب کنند تا شیاف سازند
شیافی که مقوی باه است صفت آن حلتیت فرفیون از
هر یک یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند

بشاف

شیاف دیگر که همین منفعت دارد صفت آن تنه سوسمار
زهرهٔ گرگ حب القطن عاقرقرحا مساوی کوفته بروغن
سنبل شیاف سازند شیافی که استسقاء طبلی را نافع
بود و بادها دفع کند صفت آن سداب حرمل رازیانه تخم
کرفس تربد سفید بورهٔ ارمنی از هر یک یکدرم شکر
سرخ پنجدرم باب سداب شیاف سازند شیاف ثقل سمع
دوی وطنین که سبب آن اخلاط غلیظ بود زایل گرداند
صفت آن شحم حنظل یکدرم بورهٔ ارمنی سه درم جند بیدستر
زراوند مدحرج و عصارهٔ افسنتین از هر یک نیمدرم
قسط دانگی و نیم فرفیون دانگی کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو
بسرشند و شیاف سازند و در وقت حاجت یکی را
از آن در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش چکانند شیافی

که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت آن کندر انزروت

دم الاخوین کلنار سرمه زاج سفید از هر یک یکدرم زنکار

دانکی کوفته و بیخته بعسل سرشته شیاف سازند

شیافی که همین خاصیت دارد صفت آن اقاقیا لحیة التیس

کلنار کل ارمنی از هر یک یکدرم ودع سوخته و سفید آب

از هر یک نیمدرم باب لسان الحمل سرشته شیاف سازند

شیافی که همین عمل کند صفت آن عصارهٔ لحیة التیس اقاقیا

جفت بلوط دم الاخوین از هر یک یکدرم مرسفید آب

صدف سوخته از هر یک نیمدرم باب لسان الحمل سرشته

شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند

اگر در اسهال تقصیری باشد و گرم مزاجان را موافق است

صفت آن ترنجبین بنجدرم صابون رقی و خطمی و نمک طعام

از هر یک

از هر یک دو درم شکر سرخ بنجدرم شیاف سازند شیافی

که اسهال دم را نافع بود صفت آن مر اقاقیا بزر البنج

صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته

باب مورد سرشته شیاف سازند شیافی که شکم

ببندد صفت آن اقاقیا صمغ عربی کلنار کزمازج بلوط

برنج بریا نکرده ذرة بریا نکرده کوفته و بیخته شیاف سازند

شیافی که نافع است از جهت زحیر و اسهال و اغراس صفت آن

صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بزر البنج کندر کل ارمنی

برنج بریا نکرده مساوی کوفته و بیخته باب مورد یا اب کشنیز

تازه شیاف کنند شیاف غذیوط اقاقیا آمله کلنار صمغ عربی

کوفته و بیخته باب مورد بسرشند و شیاف سازند و بیش

از مجامعت استعمال سازند شیافی که از جهت کرم کوچک که

در امعاء سفلی اطفال را بشد سود دارد صفت آن تخم خطل
قنطوریون باریک نمک هندی مغز استخوان زردالوی
تلخ مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند

باب الصاد

صبغی که بهق ابیض را برنک بدن آورد
صفت آن تخم ترب شیطرج فوه کندش خردل کوفته و بیخته
بسرکه کهنه ترکنند و در آفتاب بمالند صبغی که برص را
ازان رنکین کند صفت آن شوره مر شب یمانی فوه کوفته
بدرد شراب ترکنند و چند نوبت بمالند صبغی دیکر
که همین خاصیت دارد صفت آن شیطرج عاقرقرحا
حضض خردل شونیز کل شقایق مرزنیخ زرد فوه
مساوی کوفته و بیخته بخون بز سرشته بمالند صبغی دیکر
که همین عمل کند صفت آن شیطرج فوه نیل شب یمانی
کل

کل سرخ کوفته یکشبانروز در سرکه خیسانند و روز دیکر
بمالند صبغی که بهق اسود را ببرد و برنک بدن آورد
صفت آن تخم ترب ده درم کندش و قسط از هر یک ده
درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که رنک را سرخ کرداند صفت
آن زعفران و کندش مر مصطکی مساوی کوفته.
بآب بلبوس ترساخته شب بمالند و صباح بآب
کرم بشویند صبغی که نشان ابله و جراحات و ریشها
ببرد و برنک بدن آورد صفت آن مرداسنک شسته
بیخ نی کهنه آرد نخود برنج استخوان پوسیده مغز تخم
خربزه حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه
و بزرکتان شب بمالند و صباح بسبوس و آب کرم
بشویند صبغی دیکر که همین خاصیت دارد صفت آن

ابرساقط مرداسنک مغسول شاخ کوزن سوخته بوره ارمنی
اشق کوفته بماء الشعیر بالسویه ... **باب الضاد**
صفت آن صو — ضماد الیتین صلابت طحال را نافع است مقل دو درم اشق
یکدرم آرد باقلا کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترمس
سنبل از هریک نیم درم الجنر زرد بیست و چهار درم کوفته
و بپخته بروغن سداب یا روغن بابونه ضماد کنند ضمادی
که نافعست از جهة اورام صلبه معده و جکر صفت آن و صبر
از هریک یکدرم افسنتین و سنبل از هریک یکدرم و نیم کوفته
و بپخته باب کرم ضماد کنند ضماد حی العالم نافعست از جهة
حرارت و ورم جکر صفت آن بنفشه چهار مثقال حی العالم
کل سرخ صندل سفید از هریک چهار درم قصب الذریره
دو مثقال کافور یکدرم کوفته باب کشنیز تازه ضماد کنند ضمادی دیگر

که ورم

که ورم جکر را نافع بود صفت آن جو در سرکه خیسانند تا
مهرا شود پنج درم طباشیر سفید فوفل از هریک پنجدرم
افسنتین ورق کل سرخ قصب الذریره صندل سفید
شیاف مامیثا از هریک یکدرم کافور دانکی کوفته و بپخته
در لته کتان مالند و بر موضع جکر اندازند ضماد شوصه
بنفشه سبوس کندم آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک
مساوی کوفته بروغن بنفشه بادام ضماد کنند ضماد
دماميل بزرک حلبه از هریک ده درم میعه سایله چهار
درم موم سفید بیست درم بروغن یاسمین ضماد کنند
ضمادی که شکم ببندد صفت آن اقاقیا امراملة کندر سعد
اذخر سنبل مصطکی از هریک پنجدرم کعک ده درم کوفته
و بپخته باب به ضماد کنند ضمادی که معده بارده را

کرم کند و قوت دهد صفت آن سعد مصطکی سنبل
قسط افسنتین از هر یک پنج درم اذخر املہ قرنفل دارچینی
قصب الذریره از هر یک دو درم کوفته و پخته باب
ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه معده را تحلیل دهد صفت آن
مقل حب البان تخم کرنب از هر یک ده درم سنبل الطیب
اشق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه درم روغن
ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند و باقی
ادویه را کوفته اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد
نمایند ضمادی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
حلبه شب یمانی خطمی زرک بابونه مصطکی از هر یک پنج درم
سنبل سعد قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم موم
سه درم روغن بابونه پانزده درم بطریق معهود

ضماد

ضماد کنند ضماد تضمید است از جهت معده و جگر گرم نافع است
صفت آن صندل سرخ و سفید گل سرخ شیاف مامیثا کافور
کوفته و پخته باب عنب الثعلب قدری سرکه ضماد کنند
ضمادی که استسقاء زقی و استسقائی را که با آن حرارت باشد
نافع باشد صفت آن آرد جو سعد پشک گوسفند کهنه بوره
ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته و پخته بسرکه ضماد کنند ضمادی
که نفخه طحال اسود دارد و صلابت را نرم کند صفت آن اشق
هشت درم سداب ده درم بوره ارمنی و فودنه از هر یک
سه درم کوفته و پخته بسرکه کهنه ضماد کنند ضماد الاشق
صلابة طحال اسود دارد صفت آن اشق مقل بوره ارمنی
نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه و کزمازج از هر یک شش درم
سداب هشت درم گوگرد دو درم انجیر ده عدد انجیر را در سرکه شب بنهد

واشق ومقل را دران بکدازند وباقی ادویه را کوفته وبیخته
اضافه نمایند وضماد کنند ضمادی که وجع رحم وبواسیر را تسکین
کند صفت آن زعفران افیون بزر البنج به مرغ از هر یک
دو درم خطمی بزرگ از هر یک پنجدرم زرده تخم مرغ نیم
بخته یک بیضه بروغن استخوان زرد الو ضماد کنند
ضمادی که از جهة فتق نافع بود صفت آن جوز السرو
دو درم سعد مر صمغ عربی مرزنجوش مازو اقاقیا کندر
از هر یک یکدرم کوفته وبیخته بشراب کهنه ضماد کنند
ضمادی که همین خاصیت دارد صفت آن جوز السرو صبر
ورق سداب بارزد بابونه مساوی کوفته وبیخته بروغن
قسط ضماد کنند ضمادی دیگر که همین منفعت دارد صفت ان
مصطکی کندر انزروت جوز السرو برگ سرو مرسیر شد

بلوط مساوی کوفته وبیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی
که نقرس بارد را سود دارد و بقایای اورام بارده را تحلیل دهد
صفت آن مقل کندر حلبه بزرگ اشق کوفته وبیخته
بشراب ضماد کنند ضمادی که پیکان را از بدن بیرون آرد
صفت آن اشق بیاز نرگس بیخ نی کوفته بعسل ضماد
کنند ضماد اصطمخیقون برودة معده وکبد وطحال را نافع بود
صفت آن افسنتین سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری
از هر یک سه درم موم را در روغن ناردین یا روغن
قسط یا روغن زنبق بکدازند و باقی ادویه کوفته بیخته
ضماد کنند ضمادی که ضعف معده را که سبب ان حرارت
باشد نافع بود صفت آن حب الآس آمله عود گلنار
برگ مورد پوست به پوست سیب گل سرخ قصب

[illegible]

الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته بگلاب و
آب کاشنی ضماد کنند ضماد قنطاریون لقوه و فالج
و صداع و درد چشم و شقیقه و درد دندان را
نافع بود و نزلات را از چشم منع کند چون بر صدغین
ضماد کنند و چون بر مثانه ضماد کنند بول براند و چون
بر گزند گی عقرب بمالند درد ساکن گرداند و چون بر شکم
ضماد کنند اورام اعضاء باطنه را نافع بود صفت آن
رعی الحمام دو درم موم سفید ده درم راتینج سه درم
روغن زیت چهل درم موم و راتینج را در روغن
زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته و بیخته اضافه
نمایند و ضماد کنند ضمادی که اگر بر معده نهند قی آورد
و اگر بر ناف ضماد کنند شکم براند و اگر بر عانه نهند

حیض براند صفت آن برنگ کابلی عصارهٔ قثاء الحمار
از هر یک سه مثقال خربق سفید مرداسنگ از هر یک
چهار درم روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و
بیخته با آن جمع کنند و بر روی کاغذ پاره کشند و ضماد کنند
ضمادی که چون بر لثه کشند و بر فم معده اندازند اسهال
سودا کند و چون بر زیر بغل ضماد کنند اسهال صفرا کند
و چون بر ما بین الورکین ضماد کنند بلغم براند و این
ضماد از اسرار اطباست اطفال و پیران و کسانی
را که طاقت اسهال بدواء ندارند مسهل نباشند بدین معالجه
کنند صفت آن ترمس مقشر یک کف بکوبند و در دیگ
کنند و انمقدار شیر تازه که آنرا بپوشاند بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا ترمس شیر را جذب کند بعد از آن

مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید
و استعمال کنند و چون خواهند که قطع اسهال شود لثه را بر
دارند و موضع را بگلاب بشویند ضمادی که جبر و کسر و فتق
را نافع بود صفت آن مغاث ماش گل ارمنی از هر یک
چهار درم خطمی و جو از هر یک دو درم اقاقیا و صبر از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته با آب مورد و زرده تخم مرغ ضماد کنند
ضمادی که عرق النسا و وجع الورک را نافع است صفت آن
پوست بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم کوفته
و بیخته بشراب عسل ضماد کنند ضمادی که عین خاصیت دارد
صفت آن نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط
و تخم تره تیزک از هر یک درم زفت پنجدرم زفت را
در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته

اضافه نمایند و ضماد سازند ضمادی که پوست که بر گرد
ناخن برخیزد باصلاح آورد صفت آن مصطکی سه درم
در پانزده درم روغن گل بگدازند و دو درم نمک با آن
بیامیزند و بران موضع ضماد کنند ضمادی که از جهت
برص اظفار نافع باشد صفت آن زرنیخ سرخ شب یمانی
کوکرد از هر یک یکدرم زفت رومی ده درم زفت را در
عسل بگدازند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند
و ضماد کنند ضمادی که استسقای طبلی را سود دارد صفت
آن بابونه اکلیل الملک مرزنگوش شبت فودنه از هر یک
ده درم زیرهٔ کرمانی سه درم کوفته و بیخته با آب سرد
ضماد کنند ضمادی که ورم بلغمی معده را نافع بود صفت
آن جعده پنجدرم اکلیل الملک حماما بابونه شبت

مصطکی از هر یک ده درم افسنتین سنبل صبر از هر یک
هفت درم کندر شش درم پنج خطمی پانزده درم پیه
بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید
سی درم ضماد سازند چنانکه رسمست ضمادی بواسیر را
تخم کند با برگ مقل ازرق از هر یک پنجدرم بروغن
گاو سرشته ضماد کنند ضمادی که قروح معده را نافع
باشد صفت آن افیون زعفران از هر یک نیم دانک
مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیز نیمدرم روغن
گل پنجدرم ضماد سازند چنانکه رسمست ضمادیکه اخراج
مشیمه و جنین میت کند صفت آن شحم حنظل قسط
سداب از هر یک سه درم مر یکدرم کوفته و بیخته
بزهرهٔ گاو بسرشند و بر عانه و ناف ضماد کنند ضمادی

بواسیر

که صداع

که صداع بارد را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل الملک
درمنه ترکی شبت ورق الغار مرزنگوش مساوی
بروغن خیری ضماد کنند ضمادیکه اسهال صفرایی را
نافع باشد صفت آن برگ مورد گل سرخ گلنار صندل
مازو آمله لادن سماق اقاقیا حضض مساوی کوفته
و بیخته با آب مورد سرشته بر شکم ضماد کنند ضمادی
که زلق الامعاء بلغمی را نافع بود صفت آن لادن سعد
مصطکی قصب الذریره اذخر مرزنگوش تمام از هر یک
پنجدرم عود و جوزبوا قرنفل از هر یک یکدرم و نیم کوفته
و بیخته با آب مورد ضماد کنند ضمادیکه بول الدم را
حبس کند صفت آن گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی
تخم خرفه کثیرا ورق گل سرخ گلنار شاخ گوزن محرق

عصاره لحیة التیس از هر یک دو درم مازو یکدرم
کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند ضمادی که اورام ثدی
را سود دارد صفت آن نان گندم آرد جو باقلا خطمی
حلبه از هر یک ده درم زعفران نیمدرم کوفته و بیخته
بوره برزده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که نگذارند که پستان
بزرگ شود صفت آن ودع سوخته آرد جو مساوی
بسرکه بسرشته و در هر ماهی سه روز متوالی ضماد کنند
ضمادی که آماس چشم بنشاند و درد ساکن کند صفت آن
آرد جو ده درم باقلا پنجدرم اقاقیا یکدرم سفیده
تخم مرغ یک بیضه با گشنیز تر و آب کاشنی ممزوج
ساخته ضماد کنند ضمادی که از جهت اختلاط عقل و
امراض حاده نافع است صفت آن آرد جو ده درم

سبوس

سبوس گندم بنفشه از هر یک پنج درم خطمی سه درم
با آب برگ بید و روغن و قدری سرکه ضماد کنند
ضمادی که آماس بن گوش را بنشاند صفت آن پیه بط
و پیه مرغ از هر یک پنجدرم خطمی سه درم با آب برگ بید
و روغن سالی یکدرم انزرو پنجدرم پشک گوسفند کهنه کوفته
و بیخته با آن بسرشند و ضماد کنند ضمادی که اسهال را
که بسبب آن ضعف قوت هاضمه و برودت جگر را
نافع باشد صفت آن سنبل قصب الذریره افسنتین
رومی قشور کندر مصطکی لادن برگ مورد ورق گل
سرخ صندل از هر یک ده درم پوست انار ترش
و آمله از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه
ضماد کنند ضمادی که درد بواسیر را بنشاند صفت آن

متل کوهان شتر مغز ساق گاو مغز استخوان زرد الو میعه
زرده تخم مرغ مساوی در روغن گاو که باز دران جوشانیده
باشند حل کنند و ضماد سازند و باز بروغن گاو بریان
کرده نیز ضمادی نافعست ضمادی که قیلة الماء را نافع است
صفت آن آرد جو بشک گوسفند گل ارمنی سرگین گاو خشک
از هر یک دو درم سعد بوره ارمنی زیره کرمانی مس سوخته
شحم حنظل صبر سقوطری قثاء الحمار از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که افراط طمث را نافع بود
صفت آن عدس مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد
مساوی کوفته و بیخته بسرشند و بر پشت و شکم و عانه
ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاده کند صفت آن
آرد باقلا ده درم تخم بادروج پنجدرم کوفته و بیخته

بآب

بآب بادروج ضماد کنند ضمادی که نگذارد که ناف
بیرون آید صفت آن شب یمانی سه درم مازو سه عدد
کوفته و بیخته بشش درم سرکه ضماد کنند و برفاده محکم
ببندند ضمادی که نقرس مرکب را نافع بود صفت آن لعاب
خطمی تخم مرو آرد جو سورنجان مساوی بروغن گل و زرده
تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که جمیع انواع مفاصل را نافع بود
صفت آن بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک ده درم ضماد
کنند چنانکه رسمست ضمادی که جمیع اورام حاده را در ابتدا
نافع بود و ماده را دفع کند صفت آن شیاف مامیثا اقاقیا
و فوفل صندل سرخ بآب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی
که بواسیر و درد مقعد را و زحیر را نافع بود صفت آن
مغز ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا دم الاخوین

بست درم اشق جاوشیر مقل از هر یک موم و سرکه از هر یک پنجدرم بست بست
ضمادی که خنازیر کهنه را سود دارد
صفت آن آرد جو بیست درم افیون
سه درم بآب عنب الثعلب
ضماد کنند

کندر مر از هر یک نیمدرم مرداسنگ سفیداب ارزیز
از هر یک یکدرم و نیم درم مقل یکدرم افیون دانکی روغن
گل هشت درم بطریق معهود ضماد کنند ضمادی که مخصوص
بواسیر است صفت آن روغن مغز استخوان زردالو
پنج مثقال پیه بط پنجدرم میعهٔ سایله سه درم مقل
دو درم زفت یکمثقال و نیم ضماد سازند ضمادی دیگر که همین
خاصیت دارد صفت آن پیاز و کندنا پخته در روغن گاو
بریان کرده از هر یک پنجدرم مقل یکدرم زعفران نیمدرم
افیون دانکی و نیم ضماد کنند ضمادی دیگر که همین عمل کند
صفت آن روغن مغز استخوان زردالو ده درم کوهان
شتر نه مثقال برگ شفتالو خشک و موم سفید از
هر یک سه درم مقل یکمثقال مرداسنگ دو درم

ضماد سازند ضمادی که ورم بارد خصیه را نافعست صفت
آرد باقلی حلبه بابونه مویز منقی روغن کنجد ضماد کنند ضمادی
که خنازیر را تحلیل کند صفت آن کثیرا پنجدرم مانخوله دو
درم صبر یکدرم با آب کشنیز تازه ضماد کنند والله اعلم

باب الطلاء

طلائی که از جهة
صداع حار نافع باشد صفت صندل سرخ و سفید تخم کاهو
از هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم
زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم
بیخ لفاح یکمثقال با آب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین
طلا کنند طلائی که ورم پس گوش را نافع بود صفت
صندل سرخ فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران مساوی
بگلاب طلا کنند طلاء رعاف صفت آن آرد جو گلنار

اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس افیون صندل سفید
از هر یک سه درم کافور دانگی بگلاب ترساخته
بر پیشانی طلا کنند طلایی که ریزش را همین خاصیت دارد
اقاقیا عصارهٔ لحیة التیس افیون صندل سفید از هر یک
سه درم کافور دانگی بگلاب ترساخته بر پیشانی
طلا کنند طلایی که همین خاصیت دارد صفت آن
اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار مساوی کوفته و بیخته
باب مورد یا آب برگ تاک یا آب لسان الحمل سرشته
بر پیشانی طلا کنند طلایی که موی را از ریختن نگاه دارد
صفت آن برسیاوشان لادن افسنتین حب الغار
مساوی بکوبند و در روغن مورد بپزند و طلا کنند
طلایی که شکستن و شکافتن موی را سود دارد صفت آن

برگ چغندر لعاب بزر قطونا در حمام بر سر و ریش طلا
کنند طلایی که سبوسه را ببرد صفت آن آب برگ چغندر
چهل درم بورهٔ دو درم زهرهٔ گاو یکدرم بعسل سرشته
و بر سر طلا کنند طلایی که منع انبات موی کند صفت
آن موزغ را در سایه خشک کنند و بسایند و خون لاک
پشت نهری خشک کرده و آهک باب بسرشند چون
موی بغل و عانه بر کنده باشند و بلسل بمالند دیگر بر آنجا
موی نروید و جمیع مخدرات و مبردات همین خاصیت
دارد مثل آنکه موی از موضعی بر کنند و آن موضع را
ببنگ و افیون و شوکران بخته طلا کنند چند بار منع
انبات کند طلایی که درین باب مجربست صفت آن
شیرهٔ انجیر و خایهٔ مورچه و زبد البحر و ترشی ترنج

از هر یک قدری بیکدیکر ممزوج سازند و موی را بر کنند
و سه بار بران موضع طلا کنند منع انبات کند
واکر پیش از بلوغ و انبات عانه این طلا را استعمال
نمایند موی از انجا نروید طلایی که موی بر ویاند و
داء الثعلب را نافع باشد صفت آن لادن سوخته
جوب کتان کل شقایق با روغن مورد طلا کنند
یا برک مورد کوفته با لادن و مر و روغن مصطکی
بمالند یا فقاح اذخر و قرنفل و سعد و مازو کوفته و بیخته
با شراب طلا کنند یا سم اشتر محرق با روغن دنبه
بمالند بعد از انکه بیاز عنصل چندان مالیده باشند
که آبله کرده باشد نافع بود و اکر زبد البحر و برنجاسف
سوخته بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند

طلایی که حکه و جرب یابس را نافع بود صفت آن
مغز استخوان زردالوی تلخ ریواس از هر یک بیست درم
و نمک طعام و زیبق مقتول از هر یک دو درم مجموع را
در بیست درم ماست ممزوج سازند و در حمام طلا
کنند و یکساعت بکذارند پس بشویند طلایی دیکر که
همین خاصیت دارد صفت آن زیبق مقتول شحم حنظل
اقلیمیا نقره عدس مقشر مساوی بسرکه و روغن کل
طلا کنند طلایی که همین منفعت دارد صفت آن
مغز بادام تلخ سنبل مکی مرداسنک از هر یک سه درم
کنجد ده درم بسرکه و روغن کل طلا کنند طلایی که از جهة
جرب رطب نافع بود صفت آن کندش دملی مرداسنک
از هر یک ده درم نمک پنج درم بسرکه و روغن کل تر

ساخته در حمام طلا کنند و سه ساعت بگذارند پس
بشویند و باب گرم بشویند طلایی که همین خاصیت دارد
صفت آن کوگرد زرد یکمثقال بیه بز دو مثقال روغن
گل ده مثقال روغن بیه را در روغن بگدازند و کوگرد را
صلایه کرده بدان ممزوج سازند و شب بمالند و صباح
در حمام بشویند طلایی که همین منفعت دارد زیبق
مقتول پنجدرم کندش دو درم زراوند طویل هفت
درم بروغن گل سه روز طلا کنند طلایی دیگر که همین عمل
کند صفت آن عاقرقرحا مویزج خردل حنا زیبق مقتول
کوگرد هر مساوی بروغن دنبه ممزوج ساخته طلا کنند
طلایی که از جهت جرب نظیر ندارد مکرر بتجربه رسیده
صفت آن کوگرد حنا از هر یک نیم مثقال فلفل دانگی روغن

دبنه بیت مثقال بطریق معهود بیکدیگر ممزوج سازند
و شب بمالند و صباح در حمام بسبوس و سرکه و اب گرم بشویند
طلایی که از جهت حکه نافع است صفت آن تخم خشخاش
و اسفناج کوفته در سرکه خیسانند و در حمام بمالند طلایی
که حکه خصیه را نافع باشد صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر دانگی زعفران
یک طسوج کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه تر کرده طلا کنند
طلایی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک سه درم صبر و نوشادر از هر یک چهار دانگ
نشاسته یکدرم بگلاب و سرکه طلا کنند طلایی که قوبا را
نافع باشد صفت آن کوگرد دو درم سفیداب هشت درم
مویزج یکدرم بسرکه طلا کنند چنانکه رسمست طلایی که همین

خاصیت دارد صفت آن زربق سفید چهار درم ترمس
صدف سوخته نطرون از هر یک سه درم کوفته و بیخته
بسرکه تر ساخته طلا کنند طلایی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن اشق ترمس از هر یک یکدرم بورهٔ ارمنی دو درم
بسرکه کهنه سرشته طلا کنند و بعد از ساعتی باب گرم بشویند
طلایی که قطع ثاالیل کند صفت آن مازوشب یمانی تخم
جرجیر کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو بسرشند و چند نوبت طلا کنند
طلایی که سوختگی آتش را نافع بود صفت آن عدس مقشر
و گل سرخ بپزند تا مهرا شود پس سفیداب وارد جو و روغن
گل با آن بیامیزند و طلا کنند طلایی که تزویل اماس نرم
کند که بعد از بیماریهای دراز در پا و پشت چشم و روی پیدا
شود زایل کند صفت آن صبر اقاقیا مر سعد شیاف مامیثا

زعفران

زعفران حضض گل ارمنی کوفته و بیخته بسرکه و آب عنب
الثعلب طلا کنند طلایی که صداع را نافع باشد صفت آن
مر زعفران افیون بزر البنج کندر مساوی بگلاب تر کرده
بر صدغین طلا کنند طلایی منوم نیلوفر بنفشه تخم کاهو
از هر یک سه درم پوست خشخاش شیاف مامیثا از هر یک
دو درم صندل سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته
باب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند
طلایی که اسهال و قی باز دارد صفت آن گل سرخ پنجدرم
اقاقیا گلنار مازوشب یمانی جوز السرو صندل سرخ و سفید
عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم باب
به بر شکم و معده و پشت طلا کنند طلایی که ورم حار جگر را
نافع باشد صفت آن بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت درم

گل سرخ چهار درم صندل سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک
تخم کاشنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا
سه درم ریوند چینی یکدرم سنبل نیمدرم کوفته و بیخته بگلاب
واب کاشنی طلا کنند طلایی که ورم حار خصیه را نافع بود
صفت آن بابونه و اکلیل الملک خطمی شیاف مامیثا بوشش
در بندی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بگلاب
و آب کاسنی طلا کنند طلایی که افراط حیض را باز دارد
صفت آن گل سرخ عدس مقشر از هر یک پنجدرم اقاقیا
گلنار صندلین از هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم
بلوط و طباشیر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته باب
برعانه و پشت طلا کنند طلایی که از جهت بنات
اللیل نافع باشد صفت آن خطمی بابونه اکلیل الملک از

هر یک چهار درم ترمس بوشش در بندی از هر یک یکدرم
مر شیاف مامیثا از هر یک یکدرم و نیم آرد باقلا سه درم
کوفته و بیخته با آب کرفس طلا کنند طلایی که جهة سعفه
تر که بر روی اطفال باشد نافع بود صفت آن سفیداب
ارزیز سه درم گل سرخ دو درم گلنار و زردچوبه از هر یک
یکدرم کافور طسوجی موم سفید دو درم و نیم روغن گل ده درم
موم را در روغن بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن
ممزوج سازند و طلا کنند طلایی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن اشنان سبز و مرداسنگ از هر یک پنجدرم
گل ارمنی حضض پوست انار از هر یک سه درم حماقبنیل
از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک
دو درم بگلاب ترساخته طلا کنند طلایی دیگر از جهت

سعفه صفت آن برگ مهک چهار درم حنا و مازو از هر یک
دو درم بروغن دنبه طلا کنند طلایی دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن آب برگ چغندر روغن دنبه از هر یک
صد درم بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند بعد
از آن برگ مهک و حنا از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با آن
ممزوج سازند و طلا کنند طلایی دیگر از جهت سعفه که در بدن
اطفال پیدا شود صفت آن زرد چوبه حنا زراوند مرداسنگ
پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند طلایی که از جهت
سعفه کهنه نافع بود صفت آن نمک محرق زاج محرق
گوگرد خال زیبق مازو زرد چوبه زراوند مرداسنگ
پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند طلایی که از جهت سعفه تر را
کهنه نافع بود صفت آن نمک محرق زاج ابیض زاج محرق گوگرد خال زیبق

مازو اشنان

و اشنان بسرکه تر کرده چند نوبت بمالند و اگر صابون رقی
بگلاب بزنند تا کف برآرد بعد از آن پنج بنفشه و موم
سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند
و طلا کنند و یکساعت بگذارند پس با آب گرم بشویند
سعفه را استیصال نماید طلایی که شپش را دفع کند صفت آن
میویزج شوره از هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم
زیبق مقتول یکدرم بسرکه و روغن گل طلا کنند و اگر بدن
را بروغن کافیشه چرب کنند و بابی که در آن گل سرخ
و برگ مورد جوشانیده باشند بشویند بغایت نافع
باشد طلایی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
میویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی بروغن زیت
بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آنکه عرق کرده باشد

طلایی که شپش را دفع کند

طلایی که کلف را ببرد صفت آن پوست تخم مرغ اشنان
باب خربزه برورده آرد جو بیخ نی پوست عدس آرد
باقلی فوفل کف دریا ماميران چینی مساوی باب ترب
طلا کنند طلایی که برص را ببرد صفت آن سنبلان سفید
زرنیخ سرخ مساوی بشیر تازه طلا کنند طلایی که اثر های
زردی از روی ببرد صفت آن زراوند مدحرج شیطرج
هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود عدس سرخ
از هر یک پنج درم بسفیدهٔ تخم مرغ تر سازند و شب طلا
کنند و صباح بآبی که تخم خرفه نمکوفته دران جوشانیده
باشند بشویند طلایی که حصف را نافع بود صفت آن
حنا و نمک کوفته و بیخته بسرکه تر سازند و در حمام بمالند
و یکساعت بگذارند پس باب سرد و سبوس بشویند

طلایی

طلایی که جذام را نافع باشد صفت آن نطرون اشق
فرفیون کوکرد زرد برگ انجیر مساوی بسرکه طلا کنند طلایی
که از جهت کلف نافع باشد صفت آن ترمس تخم ترب
تخم جرجیر قسط مغز بادام تلخ بورهٔ ارمنی فلفل مقل مساوی
باب برگ ترب طلا کنند طلایی که بهق و برص را زایل
گرداند صفت آن نوره کندش شیطرج فردل تخم ترب
مازریون شحم حنظل خربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا
از هر یک یکجزو شقایق دو جزو کوفته در سرکه خیسانند
یکشبانروز و بعد از انکه در حمام کیسه بران مالیده باشند
طلا کنند و مروارید طلا کرده باسرکه مالیدن همین عمل کند
طلایی که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج کند صفت آن
افسنتین سه درم برگ شفتالو ده درم زهره گاو یک عدد

[illegible]

بر حوالی ناف طلا کنند طلایی که چون بر سر اقرع مالند موی برویاند صفت
آن فلفل کوفته و بیخته بزهره خوک و عسل سرشته طلا کنند
طلایی که شعیره و برد را نافعست صفت آن کندر قرار هر یک یکدرم
لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگی و نیم موم نیم درم
بروغن زیت طلا کنند طلایی که چون بر پیشانی و پشت لب
مالند ابتدا از نزول آب سواد را از دو ماده را نافع کند صفت آن شیاف
مامیثا صبر حضض گل سرخ صندل سرخ فوفل زعفران مساوی با آب
کشنیز تازه یا آب کاسنی تازه طلا کنند طلایی که شرناق را
نافع باشد صفت آن صبر یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا مرسبد از هر یک
دو درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته با آب مورد یا با آب
کاسنی طلا کنند طلایی که درد چشم را بنشاند و درد ساکن
کند صفت آن عدس مقشر صندل گل سرخ از هر یک دو درم کوفته

وبیخته

و بیخته کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی و جبین طلا
کنند طلایی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن صبر شیاف
مامیثا حضض گل زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی سرخ صندل
سرخ مساوی با آب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند طلایی
که صداع بارد را نافع بود صفت آن مشک صبر فرفیون جند
بیدستر صمغ عربی عود زعفران از هر یک دو دانگ افیون دانگی
و نیم با آب کرفس یا آب مرزنگوش تر سازند و بر کاغذ پاره
کشند و بر پیشانی و صدغین اندازند طلایی که حمره را نافع
باشد صفت آن صبر زعفران اقاقیا فوفل گل ارمنی صندل
سرخ شیاف مامیثا با آب کاسنی یا آب عنب الثعلب
طلا کنند طلایی که سکته را نافع باشد صفت آن خردل جند
بیدستر کبر که کهنه بر سر طلا کنند بعد از آنکه سر را تراشیده باشند

طلایی که لقوه را سود دارد صفت آن صبر حضض مکی مر
تا از هر یک یکدرم زعفران دو دانک بگلاب طلا کنند
طلایی که جحوظ عین را سود دارد صفت آن صبر حضض
اقاقیا عصاره لحیة التیس با آب عنب الثعلب طلا کنند
طلاء البرد اورام حاره را نافع باشد صفت آن
صندل سرخ و شیاف مامیثا از هر یک سه درم گل ارمنی
دو درم فوفل اقاقیا حضض مکی از هر یک دو درم سفیداب
ارزیز مرداسنگ از هر یک یکدرم فیمولیا پنجدرم کوفته
و بیخته با آب کاشنی بسرشند و گلولها سازند بر
مثال کعبتین و در وقت حاجت یکی را از آن با آب گشنیز
تازه بسایند و طلا کنند طلایی که شکم ببندد و اسهال
بازدارد صفت آن اقاقیا سعد و کندر کعک جوز السرو

مازو

مازو و گل سرخ گل ارمنی کاورس سرخ عدس بلوط گلنار
بزر البنج صندل با آب مورد یا آب به بر شکم طلا کنند طلایی
که چون بر خصیه اطفال مالند نگذارد که بزرگ شود صفت آن
فیمولیا و سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی
و مازو از هر یک یکدرم بنگ یکدرم و نیم کوفته و بیخته
بعسل و روغن مورد چند نوبت طلا کنند طلایی که
استسقای لحمی را نافع باشد صفت آن درمنه ترکی صدف
سوخته بوره ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی بسرکه طلا
کنند طلایی که منع آبستنی کند و اگر آبستن باشد بچه
بیندازد صفت آن سداب خشک نطرون مساوی کوفته
و بیخته با آب سداب تر بسرشند و بر قضیب طلا کنند
و مباشرت نمایند طلایی که بر آبستنی معین باشد

صفت آن حب بلسان جاوشیر مقل باد آورد مساوی کوفته
و بیخته با زهرهٔ کاو بر قضیب طلا کنند و بکذارند تا خشک
شود و بعد ازان مجامعت کنند زن آبستن شود طلایی
که همین خاصیت دارد صفت آن برک سیجد خشک بکوبند و با زهرهٔ
کاو بر قضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلایی که کرات
عرق زایل کند صفت سک کل سرخ سنبل سعد شب یمانی
مر از هر یک قدری کوفته و بیخته بکلاب تر ساخته بر بدن
طلا کنند طلایی که صنان را زایل کرداند صفت آن
راسن زراوند طویل برک خیار کاغذ ابکینه مجموع سوخته
زعفران مساوی کوفته و بیخته با آب مورد بسرشند
و کلولها سازند و خشک کنند بعد ازان بغل را بخراشند
تا خون آلوده شود و یک کلوله ازان بکلاب سوده

دران مالند و یکشبانه روز بکذارند دیکران نتق
نباشد طلایی که حبس عرق کند صفت آن برک مورد
کلنار مازو مساوی کوفته و بیخته با آب غوره یا آب
برک مورد تر سازند و بر بدن طلا کنند طلایی که صنان را
نافع باشد صفت آن شب یمانی مر کل سرخ برک مورد
مرداسنک نعل را با آب اشنان بشویند و داروها کوفته
و بیخته بکلاب تر ساخته بران طلا کنند طلایی که منع
نزلات کند صفت آن اقاقیا صبر شیاف مامیثا حضض
ملکی کل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته بسفیدهٔ تخم مرغ
بسرشند و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخی که حیض
براند صفت آن اسارون یکدرم سداب نیم درم
رازیانه دو درم لوبیا سرخ پنجدرم عسل دو درم بجوشانند

وصاف کنند وسه روز متوالی باز خورند طبیخی دیگر که
همین خاصیت دارد و نافعست مردانرا نیز چون ایشان
محتبس شده باشند صفت آن افسنتین درمنه ترکی
ترمس سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم
انجیر پنج عدد کلقند ده مثقال بجوشانند چنانکه رسمست
وصاف کنند وسه روز متوالی باز خورند وسه روز دیگر
استراحت نمایند وباز سه روز دیگر بنوشند همچنین
عمل میکنند تا ادرار تمام واقع شود طبیخی که رقی
را باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار
دانه ده درم مصطکی ونعناع خشک از هر یک یکدرم
در یک رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند
وعود ومسک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اضافه کنند

بنوشند

وبنوشند طبیخی دیگر که حیض براند صفت آن لوبیای
سرخ حلبه اینسون فوه از هر یک چهار درم سداب سه
درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند
وقدری شکر اضافه کنند وهر صباح چهار درم بنوشند
طبیخی دیگر که همین منفعت دارد صفت آن لوبیای سرخ
سه درم فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه
دو درم در پنج رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف
کنند وقدری مینفخج اضافه کنند وهر صباح سه درم
بنوشند

باب العین

عطوسی
که فالج وسکته ولقوه را وامراض بارده راس را
نافع بود وشقیقه ودماغ را از اخلاط پاک کند وعسر
البول را سود دارد وافراج شیمه کند صفت آن کندش

شونیز فرفیون فلفل جند بیدستر زراوند حب بلسان مشک
عاقرقرحا بوره ارمنی مساوی کوفته وبیخته در بینی دمند
عطوسی که همین خاصیت دارد صفت آن شحم حنظل
فلفل اسطوخودوس جند بیدستر از هر یک سه درم کندش
هشت درم کوفته وبیخته قدری در بینی دمند

عقد سیماب

عقد سیماب از جهت سرعت انزال نظیر ندارد صفت آن زیبق پنج
مثقال با قدری سرکه بدستهٔ ابگینه یا آهن سنگ صلایه نمایند
تا کشته شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل نمایند
و مغرفهٔ اهنین را پر از سرکه سازند و اینها را درآن مغرفه ریزند
و بر سر آتش نهند و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک
اندک بجوزد آن میدهند و بدستهٔ ابگینه یا آهن بهم میزنند
تا بلغمه شود بعد از ان آنرا بوصله شقالی پاک بپالایند

آنچه در کرباس بماند بتاسند و چندان بآب بشویند
که تمام پاک شود و چرک از ان برود پس آنرا گلوله سازند
و میان آنرا سوراخ کنند و ریسمانی دران بگذرانند
و در آب لیمو اندازند و یکشب بگذارند تا محکم شود مانند
حجری بعد از ان آنرا در روغن تازه بجوشانند و در
محل حاجت در دهن نگاه دارد و چون خواهد که انزال
بشود از دهن بیرون آورد

باب الغین

غرغره از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت آن
نوشادر سه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا مویزج
صعتر ایارهٔ فیقرا ایرسا از هر یک هفت درم بورهٔ
ارمنی وج از هر یک پنج درم زوفا دار فلفل از هر یک ده درم
کوفته وبیخته بعسل بسرشند و با سکنجبین غرغره کنند

غرغره عظومی که قروح حلق را نافع باشد صفت آن زاج سفید
وسیاه کاغذ سوخته مازوی سبز کندر حنا زعفران از
هریک یکمثقال کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن مازوی سبز کاغذ سوخته
زنکار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره دیگر
که همین منفعت دارد صفت آن اصل السوس خرنوب
کوفته و بیخته بعسل و کلاب غرغره کنند غرغره دیگر که همین
عمل کند صفت آن کندر یکدرم مازو سوخته یکعدد زنکار
نیمدرم کاغذ فرنکی سوخته یکورق زعفران دانکی کوفته
و بیخته در سرکه و عسل نیمکرم غرغره کنند غرغره که فالج
ولقوه و صرع را نافع بود و سر و دماغ را از اخلاط غلیظ
پاک کند صفت آن ایارهٔ فیقرا وج خردل مویزج عاقرقرحا

زنجبیل فودنه صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر کوفته
و بیخته بعسل غرغره کنند غرغره که ثقل لسان و سکته
و فالج را سود دارد صفت آن مویزج خردل زنجبیل
عاقرقرحا فلفل دارفلفل بورهٔ ارمنی ایرسا مرزنکوش
مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق
و ذبحهٔ صفراوی و دموی را نافع باشد و حرارت لهات را
بنشاند صفت آن کل سرخ طباشیر نشاسته تخم کل زعفران
از هریک دو درم تخم کرفس سه درم مازو سماق از هریک
نیمدرم قند چهارده درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند
غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت آن مویزج دانکی
و نیم عاقرقرحا و خردل از هریک نیمدرم کوفته و بیخته بسکنجبین
عسل غرغره کنند غرغره که قلاع و استرخاء لثه و ذبحه را

نافع باشد صفت آن سماق برک مورد کل سرخ زیتون
جوشانیده صاف کرده رب توت ده درم اضافه نمود
غرغره کنند غرغره که سقوط لهات را که سبب آن رطوبت
باشد نافع بود صفت آن کلنار شش درم شب یمانی
نمک اندرانی دو مثقال و نیم اقاقیا الرمان و تخم کل از هریک
یکدرم و نیم کوفته و بیخته برب توت غرغره کنند غرغره که قلاع
سوداوی را نافع بود صفت آن سماق کل سرخ کشنیز
کلنار برک مورد خرنوب جوشانیده غرغره کنند غرغره
که نافع است از جهت سرفه که سبب آن نزله باشد صفت آن
کل سرخ کلنار خرنوب بجوشانند و صاف کنند و پیش از
خواب غرغره کنند غمزه که روی را سفید و صاف
و براق کرداند صفت آن آرد جو آرد نخود آرد باقلا

نشاسته

نشاسته کثیرا تخم ترب کوفته و بیخته بشیر تر سازند و شب
بر روی مالند و صباح باب کرم و سبوس بشویند غمزه دیگر
که همین خاصیت دارد صفت آن آرد جو آرد باقلا آرد نخود
از هریک یکجزو عدس مقشر کثیرا نشاسته زعفران از
هریک نیم جزو مغز تخم خربزه دو جزو بسپیده تخم مرغ سرشته
شب بمالند و صباح بآبی که دران پوست خربزه و بنفشه
جوشانیده باشند بشویند غمزه دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن باقلا مقشر کرسنه ترمس تخم ترب
مغز تخم خربزه نخود نشاسته کوفته و بیخته روی را بدان
بشویند **باب الفا فی نخوش**
معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود و باه را زیاده کند
و رنگ را نیکو کرداند و دفع سرعت انزال کند صفت آن

پوست هلیله کابلی و هلیله سیاه و پوست بلیله و آمله
مقشر و شیطرج هندی و سنبل الطیب و فلفل و دار فلفل
و زنجبیل و سعد از هر یک ده درم تخم شبت و تخم گندنا
از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل سه وزن
ادویه خبث الحدید چهار شبانروز در سرکه خیسانند بعد
از آن خشک کنند و صلایه نمایند چندانکه بر روی آب
بایستد و بته آب فرو نرود و باقی ادویه کوفته و بیخته
اضافه نمایند و بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی دو درم مشک اضافه میکنند
فیروز نوش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض
زنان را که سبب آن برودة باشد سود دارد و بادهای حامله
غلیظ را دفع کند صفت آن فرفیون عاقرقرحا سنبل

زعفران از هر یک هفت درم افیون و بزر البنج از هر یک
بیست درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند فیروز نوش ممسک معده را قوت دهد و
باه را زیاده کند و سرعت انزال را دفع نماید صفت آن
پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شیطرج هندی تخم
کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه خولنجان
مشک از هر یک شش درم پوست هلیله آمله مقشر نانخواه
دار فلفل از هر یک چهار درم تودریین قرفه سنبل جوزبوا
زنجبیل فلفل مویز از هر یک شش درم سعد ده درم مشک دو
مثقال عنبر یکمثقال خبث الحدید مدبر بوزن ادویه روغن
گاو چهل مثقال عسل مصفی دو وزن و نیم ادویه بطریق
معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شربتی دو درم به نبیذ زبیب یا بشیر گوسفند فندادیقون
درد معده و امعا را سود دارد و معده را گرم کند
و بادها بشکند صفت آن زعفران الجدان تخم سداب
تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز جلغوزه از هر یک شش درم
عسل دو وزن ادویه شربتی یکمثقال تا دو مثقال
فندادیقون نسخهٔ دیگر منافع هر دو قریب بیکدیگر است
صفت آن زنجبیل فلفل سنبل از هر یک شش درم
مصطکی نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنه
از هر یک دو درم ساذج هندی یکدرم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند فلونیا رومی این معجون مبارکست
نزلها باز دارد و دردها ساکن گرداند و قی الدم و اسهال دموی
و قولنج و هیضه و سیلان طمث را نافع باشد صفت آن

فلفل سفید و دار فلفل و بزر البنج از هر یک بیست مثقال
تخم کرفس کوهی و سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم
کرفس بسطی سه مثقال ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا
فرفیون از هر یک یکمثقال و در بعضی نسخها بعوض تخم
کرفس بسطی دوقو است مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی دانگی تا نیم مثقال
از جهة قولنج در طبیخ شبت و از جهت درد گرده در طبیخ جعده
و از جهت درد معده در طبیخ انیسون و از جهة سپرز
با سکنجبین و از جهة گرده و مثانه در طبیخ رازیانه و از جهة
باز داشتن خون در طبیخ سماق دهند فلونیا فارسی
استفراغ خون از هر موضع که باشد باز دارد و رحم را قوة
دهد و بادهای رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید

واسهال وقی باز دارد و دردها بنشاند و دماغ را قوت دهد
وحافظه زیاده کند صفت آن فلفل سفید بزر البنج از هریک
بیست درم افیون وگل مختوم از هریک ده درم زعفران
پنجدرم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هریک دو درم جند
بیدستر یکدرم زرنباد درونج مروارید ناسفته مشک
از هریک نیمدرم کافور دانگی و نیم کوفته وبیخته بعسل بسرشند
وبعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکدرم فودنجی
درد معده وجگر که سبب آن برودت باشد وحمیات
بلغمی وتب ربع وتبهای کهنه را سود دارد صفت آن
فودنهٔ نهری وفودنهٔ کوهی وفطراسالیون وسیساليوس
از هریک دوازده درم تخم کرفس بابونه حاشا از هریک
چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار

درم کوفته وبیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی بسرشند
شربتی یکدرم باب گرم فلافلی درد معده وشهوت
کلبی را نافع باشد وبادهای غلیظ را دفع کند وطعام
هضم کند صفت آن فلفل دار فلفل از هریک سی درم حب
بلسان ده درم حماما وسنبل از هریک دو درم
زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون راسن
از هریک یکدرم کوفته وبیخته با سه مثقال ادویه عسل
بسرشند شربتی یکدرم باب گرم فلافلیون اکله
وعفونت لثه را نافع بود وگوشت مرده را ببرد
صفت آن اقاقیا دوازده درم زرنیخ سرخ وزرنیخ
زرد از هریک یکدرم مرچهار درم آهک زنده هشت
درم شب یمانی شش درم کوفته وبیخته بسرکه کهنه

بسرشند و قرص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت
حاجت استعمال نمایند فتیله که رعاف را باز دارد صفت آن
گلنار کرد آسیا مازو از هر یک نیمدرم افیون دانگی کوفته و بحریر
بیخته بعصاره سرگین خر بسرشند و بخانه عنکبوت بگردانند
و بر بینی نهند بعد از انکه بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند
فتیله دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مازو سوخته در آن
سرکه انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم شب یمانی شش درم
کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله را از کتان بسازند و بدان بگردانند
و در بینی نهند فتیله دیگر که همین منفعت دارد صفت آن
کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا پوست انار از
هر یک دو درم کوفته و بیخته و باب بادروج یا آب لسان الحمل
سرشته فتیله را بدان تر سازند و در بینی نهند فتیله که گند بینی

ببرد صفت آن مر پوست انار ترش از هر یک دو درم قصب
الذریره بزر البنج از هر یک یکدرم و نیم زاج و قرنفل از هر یک
یکدرم فتیله را بشراب تر کنند و داروها کوفته و بیخته
بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش بینی را
نافع باشد صفت آن زاج سیاه شب یمانی مر مازو توتیا
مس محرق از هر یک پنجدرم زراوند طویل شش درم کندر
دوازده درم مجموع کوفته در دو من آب بپزند و بپالایند
و باز بجوشانند تا بقوام عسل آید و فتیله بدان آلوده میکنند
و در بینی مینهند فتیله که چشم را نافع بود صفت آن سعد
صبر سنبل گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته باب غوره بسرشند
و در بینی نهند بعد از انکه بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت
شسته باشند و اگر شونیز را بریان کنند و یکشبانروز در سرکه

خیسانند و باقدری روغن زیت در بینی چکانند همین
عمل کند فتیله که نافعست از جهت وجع گوش و ریم که از گوش
آید صفت آن انزروت تخم مرو بعسل سرشته فتیله را بران
تر کنند و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش را ببرد صفت آن
انجیر سفید فربه بشکافند و تخم و عسل از و جدا کنند و بوره
و قردمانا و خردل کوفته بران بسرشند و فتیله سازند
و در گوش نهند و خردل و انجیر کوفته در گوش نهادن همین
عمل کند فرزجه که اخراج مشیمه و جنین میت کند صفت آن
زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف از هر یک جزوی کوفته
و بیخته بزهرهٔ گاو بسرشند و فرزجه سازند فرزجه دیگر که
همین عمل کند صفت آن تخم خبازی خردل سفید مقل
ازرق از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند

و فرزجه سازند فرزجه که مانع آبستنی گردد صفت آن
تخم حنظل قوقی سرگین فیل خردل حب القلقل استخوان زعرور
مساوی کوفته و بیخته بمیعهٔ سائله بسرشند و بریشم پارهٔ
بردارند هرگز آبستن نشوند و اگر آبستن باشد بچه بیندازد
و گفته اند که هر زنی که حبهٔ از حب الخروع بلع کند یک سال آبستن
نشود و اگر دو دانه دو سال و قس علی هذا فرزجه که بچهٔ مرده و
زنده بیندازد صفت آن شنان فارسی عاقرقرحا شونیز سداب
فراسیون از هر یک قدری کوفته و بیخته بروغن زیت
بسرشند و استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی معین باشد
صفت آن سرگین بز کوهی و مایهٔ خرگوش از هر یک قدری کوفته
و بیخته بروغن بعسل گرم کرده بسرشند و بپشم پارهٔ فرزجه
سازند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت آن مشک

زعفران سوده بزهرهٔ گاو بسرشند و بپشم پارهٔ احتمال نمایند
فرزجهٔ که همین منفعت دارد صفت آن مایهٔ خرگوش دارچینی
عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بیخته بگلاب سرشته
استعمال نمایند فرزجهٔ دیگر که همین عمل کند صفت آن مامیران
جنی سورنجان صبر رازیانه زبد البحر از هر یک دانگی با شکر سرخ
فرزجه سازند فرزجهٔ دیگر که همین نفع دهد صفت آن میعهٔ
سایله جند بید ستر قسط بارزد جاوشیر مقل مشک کوفته
فرزجه نمایند فرزجهٔ دیگر که همین عمل کند صفت آن مایهٔ خرگوشی
و سرگین او و عسل سرشته بپشم پارهٔ بردارند سه شب و
بعد از آن مجامعت کنند فرزجهٔ که بچهٔ مرده فرود آورد
صفت آن مر جاوشیر خربق سفید مساوی کوفته بزهرهٔ
گاو بسرشند و احتمال نمایند فرزجهٔ که حیض براند صفت آن

سازند بعد از طهر چند روز [illegible] و بعد از
چهار ساعت [illegible] ۵۹۹

المثان

اشنان عاقرقرحا جاوشیر سداب از هر یک یکدرم فرفیون
نیمدرم کوفته و بیخته بقطران سرشته فرزجه سازند فرزجهٔ
که منع حبل کند صفت آن انار و حب الآس مساوی کوفته
و بیخته بآب گرم سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت
استعمال نمایند فرزجهٔ که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود
و ورم صلب رحم را نرم کند صفت آن بابونه بیه بط افیون
موم مساوی بپشم پارهٔ بردارند فرزجهٔ که او رام را نافعست
صفت آن کندر انزروت دم الاخوین حب الآس
گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته بآب لسان الحمل سرشته
بپشم پارهٔ احتمال نمایند فرزجهٔ که رحم را قوت دهد و فرج را
تنگ و خوش گرداند صفت آن بسباسه سنبل مرزنگوش
مساوی کوفته نشار کند صعتر اذخر حیری گل سرخ پوست

بیخ کبر ترمس مساوی کوفته وبیخته بروغن بان بسرشند
وبپشم پارهٔ بردارند فرزجهٔ که همین خاصیت دارد
صفت آن نعناع اذخر سعد عود قرنفل از هر یک یکدرم
عنبر نیمدرم مشک دانگی آمله نیم دانگ کوفته وبیخته
بگلاب بسرشند وبپشم پارهٔ احتمال نمایند فرزجهٔ
که حکهٔ رحم که آنرا ابنة النسا کویند نافع بود صفت آن
سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب وقدری
بپزند وبپشم پارهٔ بخود برگیرند فرزجهٔ دیگر که همین خاصیت
دارد صفت آن زعفران کافور از هر یک دانگی مرداسنگ
دو دانگ حب الغار نیم درم کوفته وبیخته بسفیدهٔ تخم
مرغ وروغن گل بسرشند وفرزجه سازند فرزجهٔ که
حیض ببندد صفت آن گلنار کندر مازو سرمه اقاقیا

شب

شب یمانی مساوی کوفته وبیخته بآب لسان الحمل
بسرشند وفرزجه سازند وبر پشت وعانه طلا کنند فرزجهٔ
که همین خاصیت دارد صفت آن کاغذ سوخته اقاقیا
گلنار عصارهٔ لحیة التیس گل سرخ مازو دو صلهٔ کتان سوخته
مساوی کوفته وبیخته بسرکه بسرشند واستعمال نمایند فرزجهٔ
که حیض براند صفت آن مر فودنه از هر یک چهار درم ابهل
هشت درم سداب ده درم مویز منقی هشت درم کوفته
بزهرهٔ گاو بسرشند وفرزجه سازند فرزجهٔ که ورم صلب
رحم را نافع باشد صفت آن کندر مقل بارزد از هر یک
دو درم زعفران وجاوشیر واشق از هر یک یکدرم
مصطکی وجند بیدستر میعهٔ سایله روغن سوسن
بیه بط روغن بابونه از هر یک سه درم صمغهار ادربیخنج

حل سازند و پیه را در روغن بگدازند و باقی ادویه را
کوفته و بیخته بان بسرشند و استعمال نمایند که نافع بود

باب القاف

قرص عنصل
پیاز عنصل کوچک بستانند و در خمیر گیرند و در تنور نهند
تا پخته شود بعد از ان مغز آنرا که نرم شده باشد بگیرند
و در هاون بکوبند و بوزن آرد کرسنه اضافه
نمایند و با قدری شراب بسرشند و دست را بروغن
گل چرب کنند و قرص سازند و بعد از دو ماه استعمال نمایند

قرص افعی بدانکه انواع افعی بسیارست و انکه در تریاق
فاروق مستعملست اشقر باید زیراکه سیاه سخت
زهرناک باشد و زهر آن بد بود و سفید ضعیف بود
و اشقر معتدل بود و جوان و تندرست باید و نشان

جوانی

جوانی آنست که حرکتهای او قوی و سریع الحرکه بود و نشان
تندرستی و قوة او آنست که سر برافراشته دارد و چشمهای
او سرخ باشد و ~~نشان مادگی~~ و دلیر باشد و ماده باشد
زیراکه زهر ماده ضعیفتر از زهر نر باشد و نشان مادگی آنست
که در دهان او چهار دندان زهر باشد که آنرا نیش دندان
گویند از هر جانبی دو و نر را یکی باشد و مخرج ثفل او و فرج او
به دنبال نزدیک بود و دنبال او دراز نباشد و این را مار
کیران کلته دم خوانند و نیز باید که پوست شکم او صلب باشد
زیراکه صلابت علامت آن بود که در تن او رطوبات فضلیه کمترست
و سر او پهن باید از برای انکه سر پهن علامت قوت دماغ است
و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد
و ماوای او در میان درختان نباید خاصه درخت بلوط

و بآب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرای
پاکیزه باید و بهترین آن باشد که در محلی که او را بگیرند نکشند
تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلود نگردد و تشنه و بیمار نشود
و کشتن او چنان باید که بمقدار چهار انگشت از سر و دنبال
او بیک ضرب ببرند بتیشه تیز چنانچه قطعا هیچ
پوست بروی نماند و بیکضربت جدا شود زیرا که زهر در دهان
و جانب سر او باشد و فضلهای بد در جانب دنبال
او باشد و چون کشته باشند نظر کنند اگر ازو خون بسیار
آید و تا دیرگاه حرکت کند نیک باشد و اگر زود از حرکت
فرو ایستد ضعیف باشد بدین کار نشاید و آنکه شایسته
این کار باشد شکم او بشکافند و پاک کنند و پوست او باز
کنند و آنرا بآب صافی چند نوبت بشویند پس در آب

صافی اندکی نمک با چند شاخه چوب شبت بجوشانند
تا مهرا شود و گوشت از استخوان جدا گردد و بگذارند تا
سرد شود و آب ازو بپالایند و آن گوشت را با چهار
یک وزن آن نان سپید پاکیزه بریان کرده بکوبند و با
آن آب که از آن پالوده باشند بسرشند و دست و
بینی را بروغن بلسان چرب کرده اقراص سازند
هر یکی یکمثقال و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا
اثر نم در آن نباشد و در ظرفی آبگینه نگاه دارند
و باید که در محل پختن افعی و کوفتن و قرص ساختن بینی
بگیرند تا بوی آن بدماغ نرسد قرص اندروخورون
مستعمل در تریاق فاروق و این نسخه اختیار حنین بن
اسحق است صفت آن دارشیشعان قصب الذریره

اسارون عود بلسان فوه سلیخه مصطکی از هر یک شش
مثقال فقاح اذخر و زعفران از هر یک دوازده مثقال
دارچینی و حماما از هر یک بیست و چهار مثقال اقحوان
بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی بسرشند
و دست را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند
و در سایه خشک کنند قرص فرفیون مستعمل در منزودیطوس
صفت آن مویز منقی چهار درم علک البطم بیست و چهار
درم اذخر و مر از هر یک دوازده درم دارچینی مقل اظفار
الطیب سنبل رومی سلیخه اکلیل الملک سعد حب الغار
از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم زعفران یک درم
قفر الیهود دو درم و نیم کوفته و بیخته بشراب بسرشند
و اقراص سازند قرص اندرون ماکه در مخلص اکبر مستعملست

صفت

صفت آن حاما دار شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل
فلفل ابیض نانخواه از هر یک سه مثقال فوه یک مثقال سنبل
الطیب ساذج هندی از هر یک هشت مثقال مر دارچینی مصطکی
زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته بشراب صاف
بسرشند و اقراص سازند قرصی یک مثقال و در سایه خشک کنند
قرص الکوکب معده ضعیف را قوت دهد و نگذارد که فضول
بان مندفع شود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع
باشد و منع نزلات کند و چون بارزد با آن بیامیزند
و بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن کند و چون با آب
مرزنگوش در بینی چکانند درد بنشاند و نفث الدم و سیلان
خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهن را سود دارد
و تبهای دایره را نافع باشد چون با آب مرزنگوش دهند

وچون با آب سداب بیاشامند جمیع زهرها و گزیدن
جانوران را نافع باشد و اگر بشراب بنوشند اسهال
دموی را و قروح امعا و مثانه را نافع بود صفت آن
مرجند بید ستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح
از هر یک چهار درم افیون زعفران قسط کوکب الارض
وآنرا طلق نیز گویند از هر یک پنجدرم انیسون دوقو
سیسالیوس بزرالبنج میعه سایله تخم کرفس از هر یک
هشت درم صمغها را در شراب ریحانی حل کنند
و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص
سازند قرصی یکدرم و در سایه خشک کنند قرص طباشیر
ملین سرفه و خشونت سینه و تبهای محرقه را نافع بود
وطبع را نرم کند و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر سپید

چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
نشاسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از هر یک یکدرم بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند قرص طباشیر مسهل تبهای صفراوی
را نافع بود و شکم ببندد و خون باز دارد و تشنگی بنشاند
صفت آن گل سرخ پانزده درم طباشیر سپید سماق زرشک
منقی از هر یک هفت درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند
و اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص طباشیر لؤلوی مروارید
ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال بسد کهربا تخم حماض
بری طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم خشخاش بریان
کرده پنجدرم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند
قرص طباشیر کافوری بنسخه معمول تب دق محرقه و سرفه
گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر

صمغ عربی نشاسته تخم خرفه گل ارمنی
از هر یک دو درم

کل سرخ صندل سفید مغز تخم خیارین تخم کاشنی تخم کاهو
تخم خرفه از هر یک یکمثقال کافور دانکی کوفته و بیخته بلعاب
بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون
رفتن از شکم باز دارد صفت آن کهربا بسد مروارید
ناسفته تخم خرفه از هر یک پنجدرم شاخ بز کوهی سوخته
پوست بیضه محرق صمغ عربی از هر یک سه درم کشنیز
خشک بریانکرده خشخاش سفید و سیاه از هر یک
شش درم ودع سوخته و بزرالبنج از هر یک دو درم
کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص کلنار
خون رفتن باز دارد صفت آن سلیخه گل ارمنی صمغ
عربی از هر یک چهار درم گل سرخ کلنار اقاقیا از هر یک
سه درم کثیرا دو درم کوفته و بیخته باب کلنار اقراص

سازند

سازند قرص زرشک کبیر ورم معده و جگر و تبهای بلغمی
واستسقا را نافع بود صفت آن عصارهٔ زرشک مغز
تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک سه درم گل سرخ
و ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب
السوس و طباشیر تخم کاشنی سنبل الطیب عصارهٔ
رغاثت فوه لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم
زعفران نیمدرم کوفته و بیخته باب ترنجبین سرشته
اقراص سازند قرص زرشک صغیر زرشک مقشر پانزده درم
تخم کاشنی تخم مغز خرفه مغز تخم خیارین از هر یک سه درم
گل سرخ پنجدرم ریوند چینی و سنبل از هر یک یکدرم بلعاب
بزرقطونا اقراص سازند قرص زرشک حار زرشک
پنجدرم لک مغسول ریوند چینی عصارهٔ غافت سنبل



انیسون مصطکی از هریک یکدرم کوفته وبیخته اقراص
سازند قرص صفت آن زرشک پنجدرم رب السوس یکدرم ونیم قرص زرشک
مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاشنی از هریک دو درم ونیم
بگلاب اقراص سازند شربتی دو مثقال بسکنجبین
وآب کاشنی وآب عنب الثعلب بیاشامند
قرص ریوند ورم وصلابت جگر وسپرز وتبهای کهنه را نافع
باشد صفت آن ریوند چینی شش درم فوه ولک مغسول
مثنی از هریک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافت
از هریک یکدرم کوفته وبیخته بآب خالص اقراص سازند
قرص خشخاش ریش سینه وشش را نافع باشد صفت آن گل
سرخ صمغ عربی از هریک چهار درم نشاسته وکثیرا رب السوس
از هریک دو درم خشخاش سفید وسیاه از هریک سه درم

الاول

زعفران پنجدرم طباشیر پنجدرم بآب خالص اقراص سازند
شربتی یکمثقال با ده مثقال شراب خشخاش قرص گل
درد معده وتبهای بلغمی را سود دارد صفت آن ورق
گل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سنبل
الطیب یکدرم طباشیر دو درم عصاره غافت چهار
درم کوفته وبیخته بمیفختج سرشته قرص سازند قرص گل
بنسخه دیگر اقوی از اول صفت آن گل سرخ ده درم اصل
السوس عصاره غافت افسنتین از هریک چهار درم
مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر از هریک یکدرم
کوفته وبیخته بگلاب اقراص سازند قرص ورد بنوعی
دیگر شطرالغب وتبهاء مرکبه را نافع باشد ومعده را
قوت دهد صفت آن گل سرخ اصل السوس از هریک

جهار درم طباشیر سنبل افسنتین از هر یک دو درم ترنجبین
سه درم بگلاب قرص سازند قرص غافت یرقان و درد
جگر و سبزرو تب ربع و تبهای کهن را نافع باشد
و سده بگشاید صنعت آن عصارهٔ غافت بیست
درم سنبل ده درم طباشیر جهار درم کوفته و بیخته
باب صافی بسرشند و اقراص سازند قرص کاکنج
قروح کلیه و مثانه و بول الدم را نافع باشد صنعت آن
مغز تخم خیارین کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس
نشاسته صمغ عربی دم الاخوین کثیرا کندر از هر یک ده
درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم باب صافی
اقراص سازند شربتی یکدرم تا یکمثقال قرص مقل
ورم صلب معده را نافع باشد صنعت آن گل سرخ

ده درم

ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران و مر از هر یک یکدرم
قسط و مغز بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم مصطکی دو درم
و نیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند و اقراص سازند
قرص کافور یرقان و تب گرم را سود دارد صنعت آن
زرشک منقی طباشیر گل سرخ از هر یک هشت درم تخم
کاهو تخم خرفه تخم کاشنی کثیرا از هر یک سه درم مغز
تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم صندل سفید و رب
السوس از هر یکی دو درم کافور یکدرم بلعاب بزرقطونا
سرشته اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین بزوری
قرص کافور نسخه دیگر تب دق و غب محرقه را نافع بود
و تشنگی بنشاند صنعت آن طباشیر تخم خرفه تخم کاهو

از هر یک پنج درم تخم کاشنی رب السوس صندل سفید
از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت
درم ترنجبین ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا
اقراص سازند قرص شبرم استسقاء زقی را نافع باشد
صفت آن شبرم هلیله مازو مساوی کوفته و بیخته قرص
سازند شربتی دانکی با سکنجبین و بتدریج می افزایند
قرص لک استسقاء لحمی را سود دارد و سده بگشاید صفت آن
لک مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم اسارون زراوند
حنطیانا سنبل مصطکی تخم کرفس انیسون نانخواه اذخر
ابهل قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافت
از هر یک دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یک درم شربتی یک
مثقال قرص افسنتین درد معده را که از پس طعام پیدا شود

سود دارد صفت آن افسنتین رومی تخم کرفس
انیسون از هر یک پنج درم سلیخه بیست درم فلفل
جند بیدستر افیون از هر یک دو درم کوفته و بیخته
باب صافی اقراص سازند قرص افسنتین بنسخه دیگر
حمیات بلغمی و عسر البول و برودة معده و جگر را نافع
بود و سده طحال و جگر را بگشاید صفت آن افسنتین
تخم کرفس و اسارون مغز بادام مساوی کوفته باب
خالص بسرشند و اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص
کبر او جاع طحال را نافع بود و سده بگشاید صفت آن
پوست بیخ کبر و اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل
دو درم تخم فنجنکشت و فلفل از هر یک شش درم اشق
را در سرکه کهنه حل کنند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن

بسرشند واقراص سازند قرص انیسون تب بلغمی وجگر ضعیف را
نافع بود صفت آن انیسون وافسنتین مغز بادام تلخ
سنبل صبر از هریک چهار درم عصارهٔ غافت سادج
هندی اسارون از هریک سه درم مصطکی وتخم کرفس
از هریک یکدرم کوفته وبیخته بگلاب قرص سازند شربتی
یکدرم باطبیخ افسنتین قرص ابرسا سپرز صلب را نرم سازد
صفت آن ابرسا چهار درم فلفل سفید اشق از هریک
دو درم اشق را در سرکه حل کنند وباقی ادویه را کوفته
وبیخته بان بسرشند واقراص سازند شربتی دو درم
با سکنجبین قرص فنجنکشت سده سپرز وجگر بگشاید صفت آن
تخم فنجنکشت تخم کاشنی تخم خرفه مغز تخم کدو مساوی کوفته
بسکنجبین بسرشند واقراص سازند قرص حب الآس اسهال

وقی

وقی باز دارد قرص حب الآس صفت آن سماق حب الآس کزمازج نشاسته
کل ارمنی بریان کرده بلوط از هریک دو درم مقل یکدرم
پوست انار ومازو از هریک پنجدرم کوفته وبیخته اقراص سازند
شربتی دو درم با آب سیب قرصی که قی بلغمی وسوداوی
را قطع کند ومعده را قوت دهد صفت آن پوست بیرون
پسته وگل سرخ از هریک چهار درم عود خام ومصطکی
از هریک سه درم سک پنجدرم کوفته وبیخته با آب سیب قرص
سازند شربتی یکمثقال قرص بسد قی الدم را نافع باشد
صفت آن بسد مغسول ده درم کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی
از هریک چهار درم کثیرا وگل مختوم از هریک سه درم دارچینی
یکدرم کوفته وبیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال بشراب الجبار
قرص سرمه قریب المنفعة است بو قرص بسد صفت آن سرمه

اصفهانی شادنج عدسی مغسول دم الاخوین از هر یک سه درم کلنار
و مازو از هر یک دو درم شاخ بز کوهی محرق اقاقیا از هر یک
دو درم لادن و زعفران از هر یک نیم درم پرسیاوشان یک درم
و نیم کوفته و بیخته با بسان لحل قرص سازند شربتی دو درم
قرص طین قرحه مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت آن
گل مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ فارسی تخم خرفه مغز تخم
خیارین مساوی کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص
سازند قرص سنبل ورم صلب جگر و معده را نافع باشد
صفت آن سنبل فقاح اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره
از هر یک سه درم زعفران و انیسون مرقسطا تلخ فلفل
از هر یک یک درم مقل و مصطکی از هر یک دو درم اشق نیم درم
اشق و مقل را در مثلث حل کنند و داروهای دیگر کوفته

و بیخته بآن بسرشند و قرص سازند شربتی دو درم جهة
ورم معده با مثلث و از جهة ورم جگر با سکنجبین دهند
قرص کزماج ترکیب جالینوس است سپرز صلب را بگدازد
صفت آن کزماج چهار مثقال فلفل سفید سنبل اسارون
اشق از هر یک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کنند
و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و اقراص سازند
شربتی یک مثقال با سکنجبین قرص کهربا بنسخه دیگر بول الدم
را نافع باشد صفت آن کهربا و اقاقیا از هر یک یک درم و نیم
کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی
دو درم بشیره تخم خرفه قرص شب همان خاصیت دارد
صفت آن شب یمانی شاخ گوزن محرق کثیرا گل ارمنی کلنار
تخم خرفه مساوی کوفته و بیخته باب خرفه اقراص سازند قرص شب

صمغ عربی نشا [illegible] کثیرا مغز تخم [illegible] از هر یک [illegible] درم کلنار

نوعی دیگر شب یمانی دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم کثیرا
شش درم صمغ عربی دو درم کوفته با آب خرفه سرشته
اقراص سازند با شراب حب الآس بدهند قرص بزور که
جرب مثانه را نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم
مغز تخم خیار پنجدرم مغز تخم کدو تخم خطمی مغز بادام شیرین
کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس
از هر یک دو درم بزر البنج یکدرم کوفته اقراص سازند با
شراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع باشد
صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز
تخم خیار کثیرا گل سرخ از هر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی
نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یک مثقال سنبل یکدرم
کوفته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص بنفشه نسخه دیگر

چون

[illegible]

چون با تب سرفه و قبض طبیعت باشد نافع باشد صفت آن
بنفشه ده درم تربد سفید پنجدرم رب السوس سه درم
گل سرخ پنجدرم و نیم سقمونیا سه درم مصطکی یکدرم و نیم
بجلاب دهند قرص غاریقون سپرز غلیظ را بگدازد صفت آن
غاریقون گل سرخ از هر یک پنجدرم طباشیر و زرشک
از هر یک دو درم عصارهٔ غافث سنبل لک مغسول ریوند
چینی پوست بیخ کبر در سرکه خیسانیده و خشک کرده از
هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم
با سکنجبین قرصی که ضعف معده و ضیق النفس و سلس
البول را نافع باشد صفت آن گل سرخ سنبل از هر یک
سه درم صمغ عربی نار مشک از هر یک دو درم مصطکی
یکدرم گلنار طباشیر از هر یک یک مثقال و نیم کوفته و بیخته

قرص سازند شربتی دو درم با سکنجبین (کلقند) قرص حموع که
دشواری وضع حمل را آسان کرداند و بچهٔ مرده و زنده
را در ساعت بیرون آورد صفت آن مرجاوشیر از
هر یک یکدرم حلتیت نیم درم مجموع یک شربت
باب سداب با طبخ حلبه دهند و بحر انها مین
عمل کنند قرصی که قی الدم را نافع بود صفت آن اقاقیا
تخم گل افیون بزر البنج گل ارمنی گلنار صمغ عربی مساوی
کوفته و بیخته بآب خرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال
با رب به یا رب سیب قرص کهربا بنسخهٔ دیگر اسهال دموی
و افراط خون بواسیر و حیض را نافع بود صفت آن
خشخاش کهربا مصطکی از هر یکی سه درم زعفران
دو درم کوفته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند

قرص حابس معده را قوت دهد و قی و اسهال باز
دارد صفت آن گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز
خشک بریان کرده از هر یک دو مثقال پوست
بیرون پسته و مصطکی از هر یک نیم مثقال سماق
سه مثقال زیرهٔ کرمانی بذر ریحان یکمثقال کوفته و بیخته
بگلاب اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص لک بنسخهٔ
دیگر لک مغسول فوه تخم کرفس عنب الثعلب از هر یکی
یکدرم رازیانه انیسون دو قوا از هر یک یکمثقال تخم کاشنی
تخم کشوث از هر یک دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص مبارک تب محرق و محرقه و تبها حاده و یرقان را
نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن گل سرخ ترنجبین
از هر یک پنجدرم طباشیر مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و سه

تخم کاهو سه درم و نیم مغز تخم لک دو درم رب السوس یکمثقال
کافور دانگی و نیم کوفته اقراص سازند قرص الجنار اسهال
دموی و افراط طمث و قی الدم را نافع بود صنعت آن
بنج الجنار چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک
دو درم اقاقیا یکدرم و نیم کوفته با آب مورد قرص سازند
قرصی که استسقا را نافع باشد صنعت آن گل سرخ سه درم عود
سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دارچینی افسنتین از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرصی دیگر که همین خاصیت
دارد صنعت آن مغز بادام تلخ افسنتین اسارون
انیسون غاریقون مساوی کوفته قرص سازند قرص امیلاوس
تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک شش درم افسنتین مصطکی
از هر یک چهار درم فلفل فرافیون جند بیدستر از هر یک

دو درم

دو درم با آب خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال قرصی
که فواق امتلایی را نافع باشد صنعت آن قسط تلخ صبر
سقوطری اذخر نمام فودنه کوهی نعناع خشک سداب
تخم کرفس کندر اسارون از هر یک یکدرم افیون دانگی
و نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته بمثلث سرشته قرص سازند
قرص جبر خون شکم و ترخرو نفث الدم را نافع باشد صنعت آن
گل مختوم گل ارمنی قرط طباشیر طراثیث بلوط آرد کنار
حب الآس از هر یک دو درم تخم حماض بری صمغ عربی کلنار
از هر یک چهار درم تخم نشاسته و گل سرخ از هر یک سه درم
کرفس سماق مصطکی از هر یک یکدرم مازو زیره کرمانی از سر که
خیسانیده و بریان کرده از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته
بلعاب بزر قطونا اقراص سازند قرص سرطان سل و دق

ونفث الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم گل ارمنی
نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم سرطان سوخته
ده درم کثیرا شادنج مغسول از هر یک پنجدرم رب السوس
سه درم کوفته و بیخته بآب لسان الحمل اقراص سازند
قرص سل تخم خیارین ده درم تخم خرفه و اصل السوس از
هر یک چهار درم طباشیر و سرطان محرق از هر یک دو درم
نشاسته و کثیرا از هر یک یکدرم کوفته بلعاب بزرقطونا
سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال قرصی که اسهال و سعال
ونفث الدم را نافع باشد صفت آن تخم حماض بریان
کرده زرشک منقی نشاسته طباشیر حب الاس شاه بلوط
از هر یک پنجدرم زعفران یکدرم گل مختوم صمغ عربی از
هر یک ده درم کهربا و بسد از هر یک سه درم کوفته و بیخته

باب

[illegible] از هر یک دو مثقال [illegible]

بآب خالص حب سازند شربتی دو درم قرصی که نفخ قدیم را
نافع باشد صفت آن رب السوس صمغ عربی نشاسته
از هر یک یکمثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بزرقطونا
ولعاب مرو سرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرص
مشک نسخه محمد زکریا معده و دل و جگر بارد را قوت
دهد و غشی و خفقان بارد و اوجاع معدهٔ بارده را
نافعست صفت آن مصطکی قرنفل عود دارچینی
سنبل مقل جوز بوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله از هر یک
یکمثقال مشک [illegible] کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته
اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص دیابیطس نسخه ثابت قره
صفت آن حب الآس تخم حماض مقشر از هر یک دو درم
صمغ عربی نشاسته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب

بزر قطونا اقراص سازند شربتی دو درم قرص دیابیطس
بنسخهٔ دیگر صفت آن طباشیر و رب السوس از هر یک ده
درم تخم کاهو بیست درم تخم خرفه پانزده درم گل سرخ
کشنیز خشک از هر یک پنجدرم اقاقیا صندل سفید گل
ارمنی گلنار دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بگلاب
قرص سازند شربتی سه درم با آب انار ترش قرص نفث الدم
کندر دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم و دو دانگ کهربا
پنجدرم شادنج و دارچینی از هر یک دو درم مجموع را ده قرص
سازند شربتی یکعدد با آب خرفه قرص مروارید دل را و دماغ
را قوت دهد و یرقان و خفقان حار را نافع باشد
صفت آن گل سرخ دو درم طباشیر مروارید ناسفته
بسد صندل سفید از هر یک یکدرم مغز تخم خیارین

مغز

مغز تخم کدو از هر یک پنجدرم تخم خرفه سه درم زعفران
نیم درم کوفته بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
شربتی یکمثقال با سکنجبین قرصی که تب و صداع و سرسام
را نافع باشد و تشنگی بنشاند و خواب آورد و هذیان را
دفع کند صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم
کاهو از هر یک دو درم رب السوس نشاسته کثیرا
افیون از هر یک سه درم کوفته با آب کاهو یا بلعاب
بزر قطونا قرص سازند شربتی یکعدد یا دو عدد قرص
ذات الجنب رب السوس ده درم بنفشه ده درم نشاسته
کثیرا تخم خطمی بارزبانه از هر یک سه درم کوفته و بیخته
بلعاب بزرک و بزر قطونا و بهدانه سرشته قرص سازند
شربتی سه درم بشراب بنفشه قرص خراق معص

ریحی و نواق استلایی را نافعست صفت کندر
پنجدرم راسن فودنه سداب تمام از هر یک سه درم صعتر
نانخواه سعد از هر یک یکدرم و نیم بگلاب قرص سازند
شربتی یکمثقال بطبیخ زیره قرص مازریون استسقا زقی
حار را نافع بود صفت آن تخم کاشنی ده درم مازریون
غاریقون عصارهٔ غافت از هر یک یکدرم و چهار دانگ
گل سرخ مغز تخم خیار از هر یکی دو درم و نیم کوفته و بیخته مجموع را
ده قرص سازند هر روز یک قرص بدهند قرصی که استسقا
حار را و فساد جگر و سپرز را که با اسهال بود نافع باشد
صفت آن طباشیر گل سرخ گلنار زرشک سماق کزمازج
تخم حماض تخم کاشنی فلفل خشک تخم خرفه از هر یک یکدرم سعد
فقاح اذخر انیسون سنبل ریوند لک پوست بیخ کبر افیون از

هر یکی

هر یکی نیم درم کافور دانگی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی
سه درم قرص افتیمون قولنج را مستاصل نماید صفت آن
تربد افتیمون از هر یکی دو درم سکبینج پنجدرم کوفته و بیخته
ده قرص سازند و هر روز یکی قرص ایارج الاصول دهند قرصی
که نافعست زحیر را که با آن ریاح و قراقر باشد و حرارت نباشد
صفت آن بزرالبنج بسته رازیانه از هر یک پنجدرم نانخواه
دو درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس ده درم کوفته و بیخته
اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص خرنوب اسهال دموی
و غیر دموی را نافع بود صفت آن مازو خرنوب کزمازج
گلنار از هر یک یکجزو افیون و صمغ عربی از هر یک نیم جزو
کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم ربع به قرص
طباشیر افیونی
عشره الادویه اسهال با افراط حرارت را نافع باشد

صفت آن طباشیر گل سرخ تخم کاهو تخم کاشنی سماق
از هر یک یکدرم گلنار صندل افیون از هر یک پنجدرم
تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانگی باب خالص قرص سازند
شربتی یکدرم قرص آس اسهال با سرفه را نافع باشد
صفت آن حب الآس ده درم پرسیاوشان مغز تخم خربزه
از هر یک پنجدرم رب السوس و صمغ عربی از هر یک یکدرم و نیم
کوفته اقراص سازند شربتی سه درم قرصی که بول الدم را
نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه و تخم خیار مغز تخم کدو
از هر یک شش درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس دو درم
کوفته اقراص سازند شربتی دو درم بشراب خشخاش
قرص مر حیض براند و تسهیل ولادت کند صفت آن
هر سه درم ترمس پنج درم سداب فودنج قردمانا مشکطرامشیع

فوه حلتیت جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
قرص سازند شربتی دو درم بطبیخ ابهل قرص عشره الادویه
تب ربع و وجع کبد و تریل را نافع بود صفت آن انیسون
و عصاره غافت از هر یک چهار درم اسارون ساذج
هندی افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم باب گرم قرص
منوم حار تخم شبت دو درم زعفران مر بزر البنج میعه از هر یکی
یکدانگ افیون یکطسوج کوفته و بیخته بلعاب حلبه قرص
سازند شربتی یکمثقال قرص منوم بارد تخم کاهو خشخاش باقلای
مقشر تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم انیسون یکطسوج
کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا قرص سازند قرصی که
نافع است از جهت افراط خون بواسیر صفت آن مرجان
کهربا ودع سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله آمله

از هر یک پنجدرم تخم کندنا سه درم مقل ده درم در آب کندنا
شسته حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند و
قرص سازند شربتی سه درم با ده درم آب آهنگران قرصی
که قی و ہیضه را باز دارد و طبع ببندد و خواب آورد صفة
آن سک قرنفل از هر یک ده درم کزمازج پوست انار
مازو از هر یک پنجدرم افیون دانگی کوفته و بیخته برب به سرشته
قرص سازند شربتی یکدرم و نیم قرص صعتر زردجوبه مغز بادام
تلخ از هر یک یکجزو مقل را در سرکه کهنه خیسانند سه روز
متوالی و زردجوبه و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند
و با یکدیگر نیک صلایه کنند و اقراص سازند و در وقت حاجت
با آب کاشنی بسایند و طلا کنند قرص مثلث صداع و شقیقه و
سهر را نافع بود چون بر پیشانی و صدغین طلا کنند صفت آن افیون

مصری مرمکی لادن کافور زعفران بزر البنج پوست بیخ لفاح
از هر یک پنجدرم کندر انزروت آمله گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته
و بیخته بگلاب و آب کاهو سرشته اقراص سازند سه پهلو تا
از اقراص دیگر ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند قرص
زرنیخ آکله دهن و لثه را نافع بود و عفونت دفع کند صفت آن
زرنیخ زرد و سرخ و آهک زنده و مازو از هر یک ده درم زنگار
قلقطار از هر یک پنجدرم شب یمانی اقاقیا گلنار از هر یک سه
درم کوفته در سرکه خیسانند و یکهفته در آفتاب بگذارند
بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند و در وقت احتیاج
دانگی از آن بلثه و دهن بمالند یکساعت بگذارند بعد از آن
روغن گل قدری در دهن نگاه دارند قرار دارو بعد از آنکه
سبل چیده باشد استعمال نمایند صفت آن نوشادر مس سوخته

از هر یک دو درم توتیا دوازده درم کوفته و بیخته بزردهٔ تخم مرغ بسرشند
و در پوست تخم مرغ کنند و در گل حکمت گیرند و در کوزهٔ نو نهند و در کورهٔ
فخاری بگذارند تا پخته شود بعد از آن صلایه کرده استعمال نمایند
قطوری که نافعست از جهة قرحهٔ گوش و چرک که از گوش آید
پاک کند صفت آن انزروت صبر زبد البحر بورهٔ ارمنی دم الاخوین
کندر عزرنکار خبث الحدید کوفته و بیخته بسرکه در گوش چکانند
بعد از آنکه چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند و فتیله را
بدان تر سازند و بادویهٔ مذکوره بگردانند و در گوش نهند
قطوری که درد گوش که از گرمی باشد ساکن کند صفت ان
روغن گل شش درم روغن بادام شیرین پنج درم سرکه ده درم
با آتش نرم بپزند چندانکه سرکه برود و روغن بماند و نیم گرم در گوش
چکانند قطوری که طنین و گرانی گوش را ببرد صفت آن

کندر

کندر زعفران فرفیون جند بیدستر خربق سفید مر از هر یک
سه درم نطرون بوره از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته در
شراب حل کرده بچکانند قطوری که کرم گوش را بکشد صفت آن
آب برگ شفتالو آب برگ پودنه آب برگ ترب از هر یک
پنج درم خربق سفید و بورهٔ ارمنی و سقمونیا و افسنتین و زراوند
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با بهاء مذکوره بیامیزند و در افتاب نهند
تا خشک شود بعد از آن بسایند و در گوش چکانند قطوری
که درد گوش را که از سردی باشد ساکن گرداند صفت آن افیون
و جند بیدستر از هر یک دو درم کوفته در دو من میفختج بپزند
تا بقوام آید در روغن سوسن حل کنند و نیمگرم در گوش چکانند
قطوری که طرش را نافع بود صفت آن خربق سفید یکمثقال جند
بیدستر نیم مثقال نطرون دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش

چکانند با آب سرگین اسب تازه در گوش چکانند یا آب ترب
با عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش را نافع
باشد صفت آن افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن
گل چهار درم در سرکه کهنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیمگرم
در گوش چکانند قطوری که همین خاصیت دارد صفت آن
زهرهٔ گاو تازه دو مثقال روغن خیری ده مثقال بجوشانند
تا تری زهره برود و روغن بماند و قطره قطره در گوش چکانند
قطوری که درد گوش بارد را نافع است صفت آن سیر نیمکوفته
با زهره گوسفند بجوشانند و نیمگرم در گوش چکانند قطوری که
نافعست از جهة آبی که در گوش رفته باشد صفت آن آب
ترب آب پیاز بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که گرانی
گوش را ببرد صفت آن شحم حنظل سه درم بورهٔ ارمنی یکدرم

چند بیدستر زراوند قسط فرفیون افسنتین از هر یک یک مثقال
کوفته و بیخته بزهرهٔ گاو بسرشند و گلولها سازند و در وقت
حاجت یکی از آن بروغن بادام تلخ بسایند و نیمگرم در گوش
چکانند قطوری که شبکوزی را ببرد صفت آن آب سداب
و آب گشنیز مساوی بجوشانند تا بنیمه آید و دو سه نوبت
در گوش چکانند قطوری که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش
بول را نافع باشد صفت آن سفیداب کندر انزروت صمغ
عربی نشاسته دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته گلولها
سازند و در وقت احتیاج یکی از آن بشیر دختران
سائیده بچکانند قطوری که دوی و طنین و گرانی گوش را
نافع باشد صفت آن شحم حنظل یکدرم بورهٔ ارمنی نیم درم جند
بیدستر زراوند مدحرج از هر یک یکدرم و نیم عصارهٔ افسنتین

قسط فرنیون از هر یک دانکی و نیم کوفته و بیخته بزهره کاو سرشته
وکلولها سازند و در وقت حاجت بروغن بادام دو
قطره در کوش چکانند نافع باشد والله اعلم

باب الکاف

کلکلانج بروری

استسقا و برودت معده و تبهاء کهن و سرفه بلغمی و ضیق
النفس و قولنج و صرع و طحال و سلعه بلغمی و بهق و اختناق
رحم را سود دارد و بول بکشاید صفت آن هلیله سیاه پوست
بلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم فلفل دار فلفل زنجبیل
فلفمویه نمک هندی سرخ نمک هندی سیاه نمک اندرانی
نمک طبرزد نمک خمیر لسان العصافیر شیطرج هندی سعد خیربوا
قرفه قرنفل صعتر زنک کابلی مقشر شونیز حب النیل زیره
کرمانی ساذج هندی کرفس کشنیز خشک از هر یک پنج درم تربد

بجند

سفید صد و پنجاه درم فلوس خیار شنبر هژده درم مویز منقی
نیم من شیر آمله یکمن مویز و آمله را در شش من آب بپزند
تا بدو من آید و بپالایند و خیار چنبر در آن آب حل کنند و صاف
نمایند هم در آن آب بکدازند و نیمن روغن کنجد با آن بیامیزند
و بجوشانند تا بقوام آید و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن
بسرشند شربتی پنج درم با شیر شتر باب عنب الثعلب (کلکلانج)
بارد استسقاء حار را نافع باشد صفت آن مازریون مدبر غاریقون
مغز بل پوست هلیله زرد از هر یک پنج درم عصاره افسنتین
سه درم بیخ سوسن کل سرخ تخم کاشنی مغز تخم خربزه رب السوس
از هر یک دو درم ترنجبین و فلوس خیار چنبر و فانید سنجری از
هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورد و داروهای دیگر را
کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی دو درم تا چهار درم (کلکلانج حار)

نافعست استسقایی راکه با او حرارت نباشد صفت آن ا
مازریون مدبر غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر
یک پنجدرم ایرسا سه درم ریوند چینی عصارهٔ غافث
سنبل الطیب افیثمون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم کمونی برودت
معده و شهوت کلبی و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق بلغمی و امتلایی
و فتق و قولنج ریحی را نافعست و بادها را بشکند صفت آن
زیرهٔ کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل و
سداب از هر یک بیست درم بورهٔ ارمنی پنجدرم عسل
سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست شربتی یکمثقال
کحل زعفران حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافع
باشد صفت آن زعفران سنبل از هر یک دو درم دار فلفل

یکدرم

یکدرم
فلفل سفید و کافور از هر یک دانگی و نیم نوشادر نیمدرم
مازو سه درم کوفته و بحریر بیخته در چشم کشند کحلی دیگر که
همین خاصیت دارد صفت آن شادنج مغسول دو درم
الاخوین ساذج هندی سنبل دار فلفل از هر یک نیم درم
مازو یکدرم قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور نیم دانگ
کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند کحل دمعه توتیا مغسول
دو درم بسد هلیله زرد صبر از هر یک چهار درم فلفل نیمدرم
دار فلفل یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل الجواهر بصر را
قوت دهد و تیز گرداند صفت آن سرمهٔ اصفهانی هشت درم
مارقشیثا پنجدرم اقلیمیای طلا دوازده درم مروارید ناسفته
سه درم زعفران نیمدرم ساذج هندی دو درم صلایه کرده
در چشم کشند کحل الجواهر بنسخهٔ دیگر سرمه شش درم توتیا

چهار درم بسد مارقشیشا از هر یک دو درم مروارید ناسفته
هشت درم سادج هندی یکدرم مشک یک طسوج صلایه
کرده چنانکه رسمست استعمال نمایند کحل الجواهر نوعی دیگر
سرمهٔ اصفهانی توتیا هندی از هر یک ده درم مارقشیشا
مرجان سرخ دهنهٔ فرنگی عقیق سرخ طلا نقره ماميران حبشی
فلفل سفید دارفلفل اقلیمیا طلا اقلیمیا نقره روی سوخته
از هر یک چهار درم سرطان بحری مروارید ناسفته سادج هندی
از هر یک چهار درم یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران
توبال مس سوخته از هر یک ده درم صلایه کرده استعمال
کحل روشنایی نافعست از جهت ضعف بصر و شبکوری
صفت آن مس سوخته شادنج مغسول از هر یک پنجدرم
فلفل دارفلفل شحم حنظل زعفران از هر یک نیمدرم زنگار

بوره

بورهٔ ارمنی صبر سقوطری از هر یک یکدرم اقلیمیا دو درم
صلایه کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را تیز گرداند و
تاریکی چشم را ببرد و دمعه و سبل را نافع بود صفت آن
سرمهٔ اصفهانی سوخته پنجدرم اقلیمیا طلا و نقره شادنج
عدسی مغسول توتیا هندی مس سوخته از هر یک دو
درم پوست هلیله زرد سادج هندی نحاس سوخته از هر یک یک
فلفل دارفلفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران
سرطان بحری از هر یک از هر یک یکدرم زنجبیل نیمدرم کافور
نیم دانگ مشک سداب قرنفل دو دانگ صلایه کرده در
چشم کشند کحل نازد بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد
صفت آن شادنج عدسی سادج هندی از هر یک دو درم
دارفلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته مازو

از هر یک یکدرم قاقله و مشک از هر یک دانگی کافور یکطسوج
کوفته و بحریر بیخته بدان اکتحال نمایند کحلی که بیاض و آثار
قروح از چشم ببرد و شعیره را نافع باشد صفت آن
زبد البحر اقلیمیا نوره سفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک
چهار درم سنبل مروارید ناسفته از هر یک دو درم صمغ
عربی کثیرا انزروت بعر الضب نشاسته سحق نبات
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحلی که نزول
آب را نافع باشد صفت آن زهرهٔ بز کوهی ده درم شحم حنظل
یکمثقال فرفیون و نوشادر از هر یک نیم مثقال سکبینج نیم درم
کوفته و بیخته با آب رازیانه آب سداب بسرشند کحلی
که مژه برویاند صفت آن استخوان خرما سوخته پنجدرم
دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک

سه درم

سه درم لاجورد شسته ده درم کوفته بر جفن کشند
کحلی نغنغ تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع بود
صفت آن شادنج مغسول دو درم دم الاخوین دانگی
روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم
ساذج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دو دانگی
کافور نیم دانگ کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند کحلی
که صحت چشم را نگاه دارد صفت آن توتیا ده درم شیاف
مامیثا سه درم صبر سقوطری حضض مکی از هر یک یکدرم
کافور دانگی کوفته و بیخته با آب غوره یا اب سماق
بپرورند و در سایه خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند
کل حکمت گل زرد پاک چهار من بکوبند و بپزند و یکمن
کاغذ و نیمن نمک در آب کنند و بدست بمالند و بپخت

روز بآب تر میکنند و می سرشند انگاه وصله وصله کنند و خشک
گردانند و در وقت حاجت انمقدار که خواهند بکوبند و بآب
بسرشند و استعمال نمایند

باب اللام

لعوق سپستان سرفه و خشونت حلق را نافع بود و سینه
را نرم کند و نفث را آسان گرداند و طبع را نرم کند صفت آن
سپستان دویست عدد و مویز منقی چهل درم فلوس خیار چنبر
پانزده درم در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید و بدست
بمالند و صاف کنند و یکرطل قند سفید اضافه کنند و بقوام
آرند لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع باشد و سینه و شش
را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن زوفای خشک بیخ سوسن
از هر یک بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید
صاف کنند و با یک رطل قند سفید بقوام آورند لعوق حب الرشاد

سرفه بلغمی را نافع بود و سینه را از اخلاط غلیظ پاک سازد
صفت آن تخم تره تیزک ده درم اصل السوس چهار درم
انیسون و رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در دو
رطل آب بجوشانند تا برطلی آید صاف کنند و با یک
رطل عسل صاف بقوام آورند لعوق بزر الکتان ربو و سعال
مزمن را نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند و نفث
دهد صفت آن بزرک بریان کرده سی درم قردمانا ده درم
کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق طباشیر سل
و قرحه ریه و سرفه حار را نافع باشد صفت آن نشاسته
کثیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز
چلغوزه صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید
شصت مثقال کوفته بروغن بادام و عسل بسرشند و استعمال

نمایند لعوق حلبه لجوجه و غلظت صورت را نافع بود و
سینه را نرم کند و نفث را آسان کرداند صفت آن
بزرگ ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هریک چهار درم
کثیرا و اصل السوس و مغز جلغوزه و نشاسته و صمغ عربی
از هریک دو درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق
بادام سرفه و خشونت حلق و حنجره را سود دارد صفت آن
صمغ عربی کثیرا نشاسته رب السوس از هریک ده درم مغز
تخم کدو مغز بادام از هریک پنجدرم قند سفید بیست درم
کوفته بجلاب بسرشند و بروغن بادام چرب سازند و لعوق
نمایند لعوق رب السوس سعال مزمن را نافع بود و فضول لزجه را
از سینه دفع کند و بر نفث یاری دهد صفت آن رب
السوس کثیرا بارزد مغز بادام رازیانه مساوی کوفته

بعسل

بعسل صاف و روغن بادام بسرشند و بلیسند لعوق
اسقیل ربو و سعال مزمن را که با رطوبت باشد نافع بود
صفت آن باز عنصل مشوی سه درم ایرسا دو درم فراسیون
و زوفا از هریک یکدرم کوفته بعسل مصفی بسرشند و لعوق
نمایند لعوقی که سرفه خشک را نافع بود و سینه را
نرم کند صفت آن رب السوس بهدانه مقشر از هریک دو
درم باقلا و نشاسته کثیرا و صمغ عربی تخم خطمی مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هریک پنجدرم خشخاش دو درم
مغز بادام و مویز منقی از هریک بیست درم مویز را در روغن
بادام بپزند و ادویه دیگر کوفته با آن بیامیزند و به میبختج
بسرشند و لعوق سازند لعوق خیارشنبر نسخه یحیی بن
ماسویه ورم حلق و تب و تشنگی و خشونت زبان را نافع

باشد صفت آن عناب پنجاه عدد سپستان صد عدد
تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست و پنج درم واصل السوس
نیمکوفته از هر یک پانزده درم کثیرا شانزده درم بزر قطونا
بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا بثلثی
آید صاف کنند و پنج درم مغز خیارچنبر دران بمالند و دیگر
باره صاف کنند و یکرطل میبختج و سی درم فانید داخل
کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با روغن بنفشه بادام
داخل کنند و بلیسند لعوق خشخاش سل و قرحه امعا
و نزف دم و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست
خشخاش سفید پنجاه درم در دو رطل آب بجوشانند
تا برطلی آید و یک رطل قند اضافه نمایند و بجوشانند
تا بقوام آید بعد از آن رب السوس و مغز بادام و مغز

تخم

تخم کدو از هر یک پنج درم کوفته با آن ممزوج سازند
شربتی ده درم بلیسند لعوق خشخاش نسخه دیگر نزله گرم
رقیق را ساکن گرداند صفت آن تخم خشخاش سفید ده درم
نشاسته کثیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز
بهدانه شیرین از هر یک سه درم کوفته بجلاب سرشته
لعوق نمایند لعوق حب القطن سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن
مغز بادام شیرین ده درم مغز پنبه دانه دو درم آرد باقلا
پنج درم کرسنه و فراسیون از هر یک سه درم فانید شصت درم
در آب بگدازند و بقوام آورند و داروهای دیگر را کوفته با آن بسرشند
شربتی یک لعقه بامداد و شبانگاه لعوق کرنب سینه را از
اخلاط غلیظ پاک سازد صفت آن آب کرنب پخته یکمن
و نیم با آب نیم من عسل بپزند و بقوام آورند بعد از آن مغز چلغوزه

و مغز پنبه دانه و آرد باقلا از هر یک ده درم بزرک بریان
کرده و حلبه از هر یک پنجدرم مغز پسته پانزده درم کوفته
با آن بسرشند شربتی پنج درم بشیر خر لعوق سیر سرفه بلغمی
را سود دارد و ماده را نضج دهد و سینه را پاک کند صفت آن
سیر پاک کرده یمن در یمن روغن گاو بپزند تا مهرا شود
پس بکوبند و نیک بمالند و با یکمن عسل صاف بقوام
آرند لعوق جلغوزه ربو و سعال مزمن و ضیق النفس را نافع
بود و سینه را از اخلاط پاک سازد صفت آن مغز جلغوزه
پنج سوسن صمغ عربی و کثیرا و بزرک بریان کرده خرما بی دانه
از هر یک سی و پنجدرم کوفته با ده رطل عسل و دو رطل روغن گاو
بسرشند شربتی دو ملعقه لعوق صبیان چون بشیر مادر در گلوی
اطفال ریزند سرفه و خشونة سینه را نافع بود صفت آن

صمغ

صمغ عربی کثیرا رب السوس فانید از هر یک چهار درم مغز بهدانه
یکدرم کوفته بعسل بسرشند لعوقی دیگر که ربو و ضیق النفس و
سرفه بلغمی را نافع بود صفت آن بزرک بریان کرده کوفته
ده درم با یکمثقال روغن بنفشه بادام و پنجدرم عسل
بسرشند و لعوق سازند لعوقی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن بزرک کرسنه مغز بادام از هر یک ده درم مغز جلغوزه
پنجدرم سوسن هفت درم صمغ عربی و کثیرا از هر یک سه درم
بعسل صاف سرشته لعوق سازند لعوقی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن مغز جلغوزه چهل درم مغز بادام چهل و پنجدرم
رب السوس بیست و پنجدرم بعسل سرشته بلیسند لعوقی
که شقیقه را نافع باشد صفت آن مر تخم کاهو از هر یک یکدرم
بزر البنج و کثیرا از هر یک دو دانگ افیون نیم دانگ کوفته و بیخته

ببر که ببر شند و بر کاغذ پاره کشند و بر شقیقه چسبانند درد
را تسکین کند لطوخی دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن
تخم کاسنی تخم کاهو از هر یک دو درم مر یکدرم حضض سه درم
افیون نیم درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته بر دو
وصله کاغذ کشند و بر صدغین چسبانند لخلخه که خواب آرد
صفت آن تخم گل و بیخ لفاح از هر یک یکدرم افیون دانگی کافور
دو دانگ کوفته و بیخته در ظرفی کنند و ببویند لبوب کبیر
گرده را گرم و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط آورد و باه را
زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه گرداند
و رنگ را نیکو سازد و اعصاب را محکم کند و در امر مجامعت
نظیر ندارد و گفته اند که هر که ده روز بدین مداومت کند هرگز
نعوظ او ساقط نشود صفت آن مغز پسته مغز فندق مغز

بادام

بادام مغز حبة الخضرا مغز کردکان مغز جلغوزه مغز حب الزلم
ماهی ربیان خولنجان شقاقل بهمن سرخ بهمن سفید تودری
سرخ و زرد زنجبیل کنجد مقشر دارچینی از هر یک پنج درم سنبل
الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب الفلفل تخم گزر تخم
شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم اسبست تخم هلیون لسان العصافیر
درونج عقربی زرنباد از هر یک سه درم جوز بوا بسباسه
دار فلفل از هر یک دو درم خصیة الثعلب نارجیل تازه مغز
کنجشک خشخاش از هر یک ده درم قضیب گاو سوده سورنجان
بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم مایه شتر اعرابی
زعفران مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام ده مثقال ورق
طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یکمثقال
مشک تبتی نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود

معجون سازند لبوب صغیر منی زیاده کند و کلیه و مثانه قوی
سازد و نسیان را نافع باشد و رنگ روی را نیکو گرداند و
دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم سازد و در امر مجامعت عظیم
نافع بوده باشد صفت آن مغز بادام مغز حبة الخضرا مغز
جلغوزه مغز حب الزلم مغز فندق پسته نارجیل تازه مغز
حب القلقل خشخاش سفید تودری کنجد مقشر تخم جرجیر تخم
پیاز تخم شلغم تخم اسبست بهمنین زنجبیل دار فلفل کبابه چینی
قرفه دارچینی شقاقل خولنجان تخم بلیون مساوی عسل
سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست شربتی
دو درم

باب المیم

مثرودیطوس
قریب المنفعه است بتریاق فاروق لیکن تریاق فاروق
در دفع سموم ازین انفع است و مقدار شربت این در

امراض مذکوره زیاده از انست صفت آن مر زعفران
غاریقون زنجبیل دارچینی کثیرا از هر یک ده درم سنبل
کندر خردل سفید عود بلسان اسطوخودوس سیالیوس
قسط کافیطوس نسه علک البطم دار فلفل عصارة لحیة التیس
جند بیدستر سانج هندی میعه جاوشیر از هر یک هشت
درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورنجان اسقوردیون
جعده دوقو اکلیل الملک جنطیانا روغن بلسان حب بلسان
اقراص فرفیون مقل از هر یک هفت درم سداب دو درم
اشق سنبل رومی مصطکی صمغ عربی فطراسالیون قردمانا
رازیانه افیون گل سرخ مشکطرامشیع از هر یک پنج درم
انیسون وج موسکبخ اساورن از هر یک سه درم فوه
اقاقیا ناف سقنقور بیموفاریقون از هر یک چهار درم و نیم

شراب ریحانی کهنه چندانکه صمغها دران حل کنند عسل مصفی
دو وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند مخلص اکبر صرع و دوار و صداع کهنه
و رعشه و فالج و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و
وسواس و ربو بلغمی و قروح امعا و مغص ریحی و کرده و مثانه را
نافع باشد و قی الدم را باز دارد چون با آب لسان الحمل دهند
درد معده و سپرز را نافع باشد و چون با آب رازیانه بنوشند
بتهای کهنه را زایل گرداند و محلل اورام بود و دفع سموم کند
و چون بر قضیب طلا کنند نعوظ آورد صفت آن سلیخه اذخر
مر از هریک یک وقیه و نیم جند بیدستر فطراسالیون از هریک
پانزده مثقال تخم کرفس دو وقیه سیالیوس یکمثقال قسط دار
چینی اقراص اندر امعا میعه سائله اسارون از هریک شش

مثقال

مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل هفت مثقال حماما
و زعفران و دار فلفل از هریک چهار مثقال افیون انیسون
از هریک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسم است و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی از
نیم مثقال و یکدرم تا یکمثقال معجون فلاسفه و آنرا مادة الحیوة
نیز گویند هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند
و نسیان و سلس البول و درد پشت و درد کرده و اوجاع
مفاصل را نافع بود و منی زیاده کند و باه برانگیزاند و دندانها را
سخت گرداند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو
گرداند و بوی دهن خوش کند و بر انزاو سرد مزاجان را موافق
باشد صفت آن زنجبیل فلفل دار فلفل دارچینی آمله مقشر بلیله
شیطرج هندی زراوند مدحرج خصیة الثعلب مغز چلغوزه

عروق بابونه نارجیل تازه از هر یک ده درم تخم بابونه پنجدرم
مویز منقی سی درم عسل مصفی دو مقابل ادویه بطریق متعارف
معجون سازند شربتی دو درم معجون جالینوس گرده و مثانه سرد را
گرم کند و سده بکشاید صفت آن فلفل سیاه و سفید
حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران
تخم کرفس انیسون عاقرقرحا تخم الجزر تخم سداب مساوی کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال در ماء الاصول
یا در آب بادیان و آب کرفس معجون ابو مسلم این معجون را
فریادرس گویند همه دردها را نافع بود و تسکین کند صفت آن
افیون بزرالبنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل
عاقرقرحا سورنجان قاقله دار فلفل از هر یک پنج مثقال
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از دانگی تا نیم مثقال معجون

ابلاشه

زبلاشه قولنج صعب را در زمان بکشاید صفت آن
خیربوا قرفه ساذج هندی فلفل دارفلفل زنجبیل برنک کابلی مقشر
آمله مقشر قرنفل از هر یک یکمثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی
از هر یک یکمثقال تخم کرفس سنبل نیم مثقال تربد سفید و سقمونیا
از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند
شربتی دو درم معجون زبل که همین خاصیت دارد صفت آن
زبل الذئب چهار درم مرتد پنجدرم تخم کرفس انیسون از
هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
سه درم تا چهار مثقال معجون تربد قولنج بکشاید و بلغم دفع کند
و درد پشت را ساکن کند صفت آن سقمونیا ده درم قاقله
کبار و صغار زنجبیل و دارچینی و قرفه و نارمشک و قرنفل
و فلفل از هر یک پنجدرم شکر سرخ و تربد سفید از هر یک صد مثقال

عسل مصفی بقدر احتیاج معجون سازند شربتی دو درم
معجون لوبیز صفرا و بلغم دفع کند صفت آن مغز کافیشه مغز
بادام سقمونیا از هر یک ده درم زعفران یکدرم نبات
بیست و پنجدرم در گلاب بگدازند و داروها کوفته بدان
بسرشند شربتی یکمثقال معجون اسود زحیر و اسهال کهن را
سود دارد صفت آن افیون جند بیدستر میعه بزر
البنج زعفران اسارون مر تخم کرفس سلیخه انیسون
سنبل گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته با سه چندان
عسل معجون سازند شربتی یکدرم با آب مورد یا آب
معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را بریزاند صفت آن
مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه مغز تخم کدو حب کاکنج از هر یک
پنجدرم حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل بسرشند شربتی

دو درم

دو درم تا سه درم معجون عقرب سنگ گرده و مثانه را
بریزاند و گزندگی عقرب را بغایت نافع بود صفت آن
عقرب محرق سه درم و نیم جنطیانا یکدرم و نیم زنجبیل
یکدرم فلفل دار فلفل از هر یک ده درم کاکنج پنجدرم و نیم
جند بیدستر چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی دانگی با آب کرفس معجون کاکنج قرحه گرده و مثانه و بول
الدم را نافع باشد صفت آن بزر البنج تخم کرفس رازیانه از
هر یک هفت درم مغز تخم خربزه تخم خلاص افیون مغز رازیانه
جلغوزه بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از
هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست و پنجدرم
کثیرا چهار درم کوفته بمیبختج بسرشند شربتی یکدرم
با جند بیدستر یا ماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند

معجون مبدالله لقوه و فالج و رعشه و برص و خذر را نافع بود

صفت آن زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط وج عسل البلادر

از هر یک ده درم حلتیت سداب زراوند جنطیانا

شیطرج حب الغار جند بیدستر خردل از هر یک پنجدرم با عسل

معجون سازند چنانکه رسمست شربتی یکمثقال معجون

حب الغار نسخهٔ محمد زکریا قولنج بکشاید و استسقا طبلی و

جمیع امراض ریحی را که با آن حرارت نباشد نافع بود

صفت آن سداب خشک پنجدرم نانخواه زیرهٔ کرمانی کاشم

شونیز صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل

فودنج دارفلفل وج زوفا حب الغار جند بیدستر از

هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغها

در شراب حل سازند و داروها کوفته داخل نمایند و بعسل

بسرشند

بسرشند شربتی دو مثقال معجون زراوند و انرا معجون

ربو نیز گویند از ترکیب محمد زکریا استیضاق النفس و سرفه

بلغمی را نافع بود صفت آن زراوند مدحرج قردمانا فلفل

کرسنه تخم سنقدان سفید مغز بادام تلخ تخم انجره از هر یک

پنجدرم رب السوس پرسیاوشان زوفا از هر یک

ده درم کوفته بعسل بسرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفا

معجون ابهل مواد بارده را دفع کند و بادها را بشکند

صفت آن ابهل نانخواه کندر وج دارچینی مساوی کوفته

بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون سعال نافع است

سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت آن مغز

جلغوزه سه درم مغز پسته پنجدرم مغز بادام مقشر و

بزرک از هر یک ده درم خایند سی درم بطریق معهود

معجون بسازند شربتی مقابل یکسکرد کان معجون گل ورم
جگر را نافع بود صفت آن گل سرخ چهار درم بیخ سوسن
هشت درم ریوند چینی ولک مغسول از هر یک یکمثقال
و نیم سلیخه و زعفران از هر یک سه درم مر نیم مثقال زعفران
را در سرکه حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان مخلوط سازند
و بعسل سرشند معجون رحت قولنج را در ساعت بگشاید
صفت آن فلفل دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب
خولنجان قرفه از هر یک ده درم سقمونیا هفتاد درم
عسل صد و چهل درم شربتی یکمثقال معجون وج ابتداء
نزول را نافع بود صفت آن وج حلتیت زنجبیل رازیانه
مساوی بعسل معجون سازند معجون لولو ترکیب جالینوس
هیئت منفعت دارد و قضیب را سخت کند و اوعیه منی

بگشاید

بگشاید و شهوت را زیاده کند و اعصاب را قوت دهد
و در خون تغیری عظیم پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و
دوستی مرد در دل زن پیدا کند صفت آن مروارید ناسفته
و بسد از هر یک یکدرم فقاح اذخر سعد کرمازج سلیخه دارچینی
اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی و کثیرا
از هر یک نیمدرم کوفته با همچندان عسل سرشند و وقت در
خواب و نزدیک مجامعت یکمثقال با آب نیمگرم بنوشد
معجونی دیگر که اعضاء رئیسه را قوت دهد و باه را زیادت
کند و نشاط آورد و معده را قوی گرداند و اشتها آورد
و رنگ رو را نیکو گرداند و طعام را هضم کند صفت آن
دارچینی سنبل الطیب پوست بیرون پسته جوز بوا مغاث
خولنجان بهمن سرخ و سفید شقاقل دواله پوست بلیله

با درنجبویه گاوزبان از هر یک سه درم مصطکی و هیل
زرنب زنجبیل قرنفل اسارون ساذج هندی سه درم
مصطکی و هیل زرنب زنجبیل قرنفل اسارون ساذج
هندی کبابه چینی پوست ترنج درونج رومی زرنباد صندل
سپید حب القلقل امیون نعناع بسباسه هلیله سیاه
بوزیدان زعفران ماه فرفیون کهربا مروارید صلایه کرده
مرجان از هر یک دو درم مصطکی سعد کوفی ورق گل سرخ
از هر یک پنجاه درم ماست ریبان خصیة الثعلب تودری
زرد تودری سرخ از هر یک پنج درم مشک تبتی نیم مثقال
عنبر اشهب یکمثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه
عدد قند مصفی نیم من معجون سازند خاصه که در سستی
نعوظ تقطیر بول و سرعت انزال نافع باشد صفت

علک

علک رومی کندر حبت بلوط بزر العنب مساوی کوفته با دو
مقدار عسل بسرشند شربتی دو مثقال معجون کندری که همین
خاصیت دارد صفت آن علک رومی کندر گلنار بلوط
شونیز کشنیز خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی
کرویا نانخواه از هر یک پنج درم پوست هلیله هلیله سیاه
پوست هلیله زرد آمله مقشر از هر یک سه درم کوفته
و بیخته با سه مثقال مقدار آن عسل بسرشند شربتی
دو مثقال صباح و مسامی بنوشند و غذا کباب و قلیه
مناسب است معجون رشیدی همان منفعت دارد
صفت آن کبابه چینی فوفل قرنفل خصیة الثعلب مصطکی
نانخواه از هر یک ده درم با نیمن عسل معجون سازند
شربتی دو درم معجون بخورد در تقویة باه بی نظیر است

کند

صفت آن تخم کدو تخم شلغم تخم تره تخم هلیون تخم اسبست
تخم جرجیر مغز جلغوزه حب الفلفل مغز حب الزلم بوزیدان
قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل
بهمن سرخ بهمن سفید دار فلفل عرف حلتیت قرفه
مساوی کوفته بعسل معجون سازند شربتی سه درم در شیر
تازه یا شراب نوشیرین معجون انفع این معجون از معجونات
و بعضی از تریاقات شمرده اند و منافع بسیار دارد صفت آن
قرنفل فوفل زنجبیل سنبل دار فلفل خیربوا جوزبوا قاقله کبار
شیطرج هندی لسان العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه
مصطکی لسان الثور خولنجان فرنجمشک مروارید ناسفته
صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گل سرخ یاقوت رمانی
بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک دو درم بسباسه شش درم

بوست

پوست ترنج سه درم پوست هلیله یکدرم عنبر اشهب زعفران
از هر یک یکدرم و نیم مشک نیمدرم کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند شربتی یکدرم تا دو مثقال معجون یونس
حافظ را قوت دهد صفت آن بلادر و افتیمون از هر یک
ده درم صبر زرد شصت مثقال غاریقون بیست و چهار مثقال
سلیخه وج زراوند زعفران دارچینی مصطکی از هر یک شش
مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از هر یک هشت مثقال
عسل سه چهار یک بطریق معهود معجون سازند معجون اصطمحیقون
تباهی مزاج و درد معده را سود دارد صفت آن قسط حاما
مر سنبل سلیخه مصطکی از هر یک دوازده درم زراوند طویل
فلفل سیاه تخم کرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی
دوقو فطراسالیون کاشم اسارون افسنتین انجدان

نودنه نعناع از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند معجون تمر قولنج بگشاید صفت آن زنجبیل فلفل
سپید از هر یک هفت درم سقمونیا ده درم خرما دانه
بیرون کرده مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم
خرما در سرکه خیسانند یک شبانه روز و بکوبند و با داروها
کوفته و بیخته و نیم من عسل صاف معجون سازند شربتی
سه درم تا چهار درم معجون جنطیانا صلابت سپرز و جگر و
درد معده و گرده و مثانه را نافع بود و سده بگشاید
صفت آن جنطیانا زراوند رومی و فلفل سیاه از هر یک ده درم
قسط ساذج سنبل ریوند چینی از هر یک هفت مثقال
کوفته و بیخته با سه وزن عسل بسرشند شربتی دو درم
باب سداب معجون افسنتین درد معده و جگر که از

سردی بود زایل گرداند و استسقا را نافع بود صفت آن
انیسون تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ مساوی کوفته
با سه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم معجون سنبل
معده و جگر را نافع باشد صفت آن سنبل الطیب
فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم مویز منقی
سلیخه از هر یک پنج درم زعفران مر انیسون از هر یک
یکدرم فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل و مویز را
در مثلث حل کنند و داروها کوفته و بیخته بدان بیامیزند
و با عسل معجون سازند معجون خمی سرفه و درد جگر و
درد معده و سینه را سود دارد و آواز صافی کند و بول
براند صفت آن مویز منقی هفت و پنج درم زعفران
سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک یکدرم

قصب الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک ده درم
ونیم مرچهار درم انجره حل کرده نیست در مثلث حل کنند
وآنچه کوفتنی است بکوبند وبآن ممزوج سازند وبعسل
معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال کنند معجون قیصر
خفقان بارد را وصرع و درد معده که از سردی باشد
وفواق امتلایی را نافع بود وسده بگشاید صنعت آن
جند بیدستر رب السوس سلیخه قسط تلخ فلفل سیاه
افیون میعه زعفران سنبل از هر یک سه درم جاوشیر
یکدرم وروغ عقربی زرنباد مروارید ناسفته از هر یک
نیم درم مشک دو دانگ کوفته وبیخته بعسل بسرشند
شربتی مقابل نخودی معجونی که از جهت ضعف معده
نافع است صنعت آن طباشیر وپوست سنگدان خروس

از هر یکی

از هر یک دو مثقال گل سرخ سه درم نعناع خشک پوست
بیرون پسته پوست ترنج پوست هلیله زرد از هر یک یکمثقال
بهمن سرخ و سفید صندل سرخ و سفید صعتر وکشنیز خشک
بریان کرده وحب الآس از هر یک دو درم کوفته و
بیخته با شراب فواکه معجون سازند شربتی دو مثقال
معجون نجاح مسهل سودا و بلغم بود وامراض سوداوی
وبلغمی را نافع باشد صنعت آن هلیله سیاه پوست هلیله کابلی
وپوست بلیله آمله معشر افیتمون از هر یک ده درم بسفایج
فستقی اسطوخودوس تربد سفید از هر یک پنج مثقال
غاریقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک
دو درم ونیم سقمونیا سه درم کوفته وبیخته با صد و پنجاه
درم عسل بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال

معجون سورنجان مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص بمفاصل
و نقرس و عرق النسا است صفت آن سورنجان شش
مثقال هلیله زرد زیره کرمانی پوست بیخ کبر شیطرج هندی
بوزیدان از هریک دو درم پوست هلیله زرد هفت درم
تخم کرفس نمک هندی برک جنار زبد البحر فلفل سفید رازیانه
صعتر از هریک یکمثقال کل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز
خشک از هریک سه درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام
چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربتی پنج مثقال
تا هفت مثقال معجون مشک درد جکر و ضعف معده را نافع
باشد و سده بکشاید و اورام صلبه را تحلیل دهد صفت آن
مشک سلیخه سنبل ساذج هندی لک مغسول بمتقی ریوند چینی
جنطیانا رومی از هریک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس

مصطکی

مصطکی از هریک سه درم عود هندی قرنفل از هریک
نیم مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل معجون سازند
معجون نانخواه معده را پاک کند و اشتها طعام آورد و باه را
قوت دهد صفت آن صعتر زوفا نانخواه نعناع شونیز زیره
کرمانی از هریک پنج مثقال وج بسباسه رازیانه زنجبیل
جوزبوا تخم کرفس از هریک سه مثقال حاشا دو مثقال کوفته
و بیخته با سه چندان عسل بسرشند معجون سلجی درد پشت
و درد پای را نافع باشد و باه را قوت دهد و معده را پاک
کند و موی را دیر سفید کرداند و سودا را دفع کند و سرعت
انزال را سود دارد صفت آن کل سرخ سعد عاقرقرحا
قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقلیتن جوزبوا
مساوی قند و عسل مضاعفه بقدر احتیاج قند را در

کلاب بکدازند و با عسل بقوام آرند و داروها کوفته و بیخته
بان بسرشند معجون غیاثی اشتها آورد و بوی دهن خوش
کند و حفظ بیفزاید و منی زیاده کند صفت آن زعفران
و عاقرقرحا بزرالبنج فرفیون خولنجان قاقله کبار دار فلفل
جند بیدستر مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل
بسرشند معجون سیر لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر
و بهق و برص را نافع باشد و معده را قوت دهد و
اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید و رنگ را
سرخ گرداند و حرارت غریزی را برافروزد و بر انزا بغایت
مفید بود صفت آن سیر پاک کرده نیم من در یکمن شیر گاو
بریزند تا مهرا شود و سه چهاریک عسل و سی درم روغن
گاو بر سرش ریزند و با یکدیگر ممزوج سازند و از آتش

فرو گیرند و این داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند قرنفل
جوزبوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار
هلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود خام
زعفران از هر یک پنج درم شربتی یکمثقال کردکان معجون نمک
هندی معده را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی را باز
دارد و دوار بلغمی و سوداوی را نافع بود صفت آن
هلیله سیاه مغاثیله آمله هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک
سه درم افتیمون چهار درم نمک هندی دو درم ایاره فیقرا
ده درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته بسکنجبین
بسرشند شربتی سه درم بآب گرم معجون قسط او جاع
کبد و معده را نافع باشد صفت آن دارچینی سلیخه
قسط از هر یک سی درم افتیمون ابنیسون ریوند چینی

تخم کرفس از هر یکی ده درم اسارون بیست و نه درم زعفران
هشت درم فقاح اذخر و مر از هر یک بیست و چهار درم مر را
در شراب حل کنند و ادویهٔ دیگر کوفته و بیخته بان ممزوج
سازند و بعسل صاف معجون کنند معجون جمیری فالج و لقوه
و استرخا و امراض بلغمی را نافع بود و چون بر عضو مفلوج
و مسترخی طلا کنند نافع باشد صفت آن افیون زرنیون
جند بیدستر دارچینی دار فلفل بزر البنج سنبل زنجبیل
زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند معجونی
که نقرس بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد و
سورنجان عاقرقرحا از هر یک پنج درم فلفل سفید یک درم
و نیم زیرهٔ کرمانی هفت درم راسن چهار درم زنجبیل
دو درم افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند

شربتی

شربتی دو مثقال معجون سکبینج قولنج را نافع بود صفت آن
دو قور ریوند چینی اذخر حب بلسان افیتمون سلیخه زعفران
دارچینی الو فطراسالیون کمافیطوس از هر یک سه درم مغز چلغوزه
سی درم نعناع خشک نیم درم کوفته بعسل بسرشند معجون
ریوند درد جگر و معده و اورام رحم را نافع باشد صفت آن
ریوند چینی شهدانه وج بیخ الجدان تخم کرفس رازیانه
انیسون نانخواه مساوی بعسل بسرشند و بعضی عوض شهدانه
راسن کنند شربتی یک مثقال با ماء العسل معجون فیقرا
شهوات ردیه را رفع کند و صداع را نافع باشد صفت آن
ایارج فیقرا دوازده درم پوست هلیلهٔ کابلی پوست هلیله
آمله از هر یک دو درم ملح نفطی دو درم و نیم کوفته و بیخته
بعسل معجون کنند شربتی سه درم تا چهار درم در طبیخ

فودنه معجون فودنه درد معده و جگر و تبهاء کهن و تب
سرد را سود دارد صفت آن فودنه کوهی و پودنه دشتی
فطراسالیون سیسالیوس از هر یکی بیست درم تخم کرفس
و بابونه و حاشا از هر یکی چهار درم کاشم پانزده درم
فلفل سیاه چهل و چهار درم و در بعضی نسخها بیست و چهار
درم با انگبین مصفی بسرشند معجون مقل باد بواسیر را و
بادی که اندر رودها باشد بشکند و آماس معقد که خون آید
سود دارد صفت آن هلیله کابلی هلیله آمله تخم سپندان سپید
تخم گندنا تخم شاهسپرم از هر یکی پنج درم مقل پنجاه درم
مقل را آب کند تا حل شود و داروها بدان بسرشند شربتی
دو درم معجون ماسک البول از کوتوالی که ادرار بول را نافع
بود و سیلان منی را باز دارد خاصه مردم پیر را صفت آن

اقاقیا

اقاقیا گلنار از هر یکی سه درم صندل سرخ صندل سپید
عدس سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی
طباشیر از هر یکی دو درم تخم مورد دو مثقال کندر یک درم
سوده و بیخته بگلاب بسرشند شربتی از وی پنج درم
غذا بریان و قلیه خشک تناول کند معجون اختلاف اسهال
بلغمی و زحیر را نافع باشد صفت آن افیون جند بیدستر
میعه سائله بزر البنج زعفران فراسارون تخم کرفس
سلیخه افتیمون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار مساوی
کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی
نیم درم برب به یا آب سرد یا آب سماق معجون
بنفشه امراض صفراوی را نافع بود و سرفه را دفع کند
صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین از هر یکی دو درم

تخم کاشنی سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو سلیخه از هر یک
پنجدرم کثیرا یکدرم اصل السوس یکدرم کوفته و بیخته بقند
و گلاب معجون سازند شربتی یکدرم بگلاب گرم کرده معجون
بقراط نسیان و مالیخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع
مفاصل و درد معده و داء الحیة و داء الثعلب و داء الفیل
و تقطیر البول و سرفهٔ کهنه و تبریج و عسر البول و بواسیر
و یرقان سدی و طحال را نافع باشد و دفع غایله سموم کند
و دل را قوت دهد و باه را زیادت کند و حب القرع را دفع کند
و سنگ گرده و مثانه بریزاند و حیض بگشاید و بوی دهن
و بوی عرق خوش کند و گرانی زبان ببرد و صداع را زایل
کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را سود دارد و پیران را
بغایت مفید بود صفت ان جنطیانا قو[illegible]

تخم

اط

و تخم فلنجمشک حب الغار زراوند طویل از هر یک یکمثقال
انیسون جند بیدستر حب بلسان عود بلسان سلیخه اسارون
مصطکی از هر یک یکدرم درونج زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر
تخم پیاز تخم گندنا از هر یک دو درم صبر سقوطری ده درم تربد
سفید بیست درم عود خام دوازده درم جوزبوا ریوند چینی
قرنفل قاقله بسباسه اشنه سنبل الطیب زعفران اسقیل
بریان کرده درنب شیطرج افلنجه دارچینی از هر یک سه درم
ورق گل سرخ بادرنجبویه لک مغسول از هر یک پنجدرم سعد
حب المحلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه پوست هلیله
آمله از هر یک شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ
چرب کنند و با سه چندان عسل بسرشند و در ظرفی آبگینه
کنند و شش روز در میان جو نهند شربتی از دو درم تا پنجدرم

معجونی که نافع است از جهة کسی که بواسطهٔ درد معده طعام را
قی کند صفت آن اصول اذخر سعد از هر یک یکدرم اشنه
بلیله فلفل کبابه کاکانج از هر یک نیم درم دانهٔ مویز
کنی زنجبیل دارچینی سلیخه فودنه از هر یک دانکی و نیم مصطکی
و عود خام از هر یک دو دانک قرنفل و سک از هر یک
دانکی دانهٔ مویز را بکوبند و قدری آب اضافه نمایند
و شیرهٔ آن بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود و ادویهٔ دیگر را
کوفته و بیخته بران بسرشند و هر روز مقابل یک بادام
تناول نمایند معجون میعه اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد
صفت آن جند بیدستر اسارون افیون میعهٔ سایله بزر
البنج کنند و مساوی بعسل معجون سازند شربتی دو درم
تا سه درم معجون فولاد این معجون [illegible] [illegible] ترکیبی

عجیبست

عجیبست و خواص بسیار دارد و فالج و لقوه و صرع و رعشه
و نسیان و عرق النسا و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده
را نافع بود و حفظ را زیاده کند و معده را قوت دهد
و باه را برانگیزاند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند
و برانزا موافق باشد صفت آن زعفران فلفل دارفلفل
شنجرف مغسول با آب لیمو صلایه کرده کبابهٔ چینی مصطکی
انیسون ماهی سقنقور سنبل بسباسه قرنفل دارچینی
صندل زیره کرمانی سیاه دانه تخم خربزه تخم کاشنی
عاقرقرحا بهمن سرخ بهمن سفید بلیله سیاه کهربا
مرجان مروارید ناسفته لسان العصافیر تخم کرفس
مغز پنبه دانه تخم تاتوره زهر کوفته بریان کرده جنطیانا
مایهٔ شتر اعرابی زنجبیل مغز سر کنجشک مغز سر خروس کنجد

معشر کندر رومی بابونه جوز بوا آمله قاقله کبار بلیله شیطرج
هندی نانخواه جوز هندی هلیون سلیخه سلبتو از هر یک
ده مثقال اشترغاز مغز جلغوزه بهار کرد کان حب النیل
هندی خصیة الثعلب زرنباد رازیانه بلادر زهر کوفته
کجله زهر گرفته بریان کرده افیتمون زراوند طویل بازعنصل
زراوند مدحرج شاهترا از هر یک یکمثقال ورق طلا ورق نقره
از هر یک پنجاه عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا
فولاد مکلس هر صد مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و طریق
تکلیس فولاد آنست که فولاد جوهردار خالی از خاک بستانند
و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد پنجاه مثقال کوکرد زرد
پاک صلایه کرده با آن ضم کنند و در بوتیله ریزند و در کوزه نهند

واتش

وآتش تند کنند چندانکه کوکرد تمام بسوزد و دود کوکرد
برنیاید بعد از آن بیرون آورند و خوب صلایه کنند
و باز پنجاه مثقال دیگر کوکرد با او صلایه کنند تا کوکرد و بهمان
طریق در بوته ریزند و در کوزه نهند و آتش کنند تا کوکرد تمام
بسوزد پس از بوته بیرون آورند و با صبر و سرکه کهنه
یک هفته صلایه کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن بسرکه
بشویند تا تلخی از او برود پس باب بشویند تا شیرین گردد
بعد از آن خشک کنند و باب ترب صلایه کنند چندانکه
چون در آب ریزند بته آب فرو رود تا نیم روز بر بالای
آب بایستد معجون خبث الحدید بسیاری بول که از سردی بود
باز دارد صفت آن خبث الحدید مدبر بیست درم قشور کندر
که در سرکه خیسانیده باشند یک شبانروز پس خشک کرده

وکوفته وبیخته پنج درم طباشیر چهار درم کشنیز خشک
سه درم شوکران دو درم میبه ساده بسرشند بامداد سه درم
وشبانگاه سه درم بشراب میبه معجون راسن درم حلب
کبد و معده را نافع بود صفت آن ریوند چینی ورنجبیل
وراسن واشترغاز از هریک یکجزو وتخم کرفس رازیانه انیسون
نانخواه از هریک نیم جزو کوفته وبیخته عسل سه وزن ادویه
بسرشند شربتی مثل یک فندق معجونی که منع مستی کند
صفت آن شاخ بز سوخته مغز بادام تلخ تخم کرنب بودنه
کوهی ملح نفطی سداب نانخواه مساوی کوفته وبیخته
بعسل معجون سازند معجون نزور درد معده وجگر وسبرز
راسود دارد وبادها را بشکند صفت آن سلیخه وحاما
وسنبل ونانخواه رازیانه تخم کرفس انیسون سیسالیوس

جنذ

جنذ بیدستر شبت زراوند طویل مصطکی اسارون کرویا
اجزا مساوی با انگبین مصفی بسرشند معجون چوب حسینی
ترکیب مولانا عماد الدین محمود جهة تقویة باه ومعده
ودل ودماغ وجگر وگرده ومثانه وسرخی رنگ روی و
فربهی بدن نیکو بود وبوی دهان ببرد وخوشبوی سازد
ومنافع بسیار دارد صفت آن بیخ چینی اعلا پنجاه
مثقال مروارید ناسفته صلایه کرده دو مثقال شمطاده
مثقال ریوند چینی افتیمون رومی از هریکی سه مثقال سنبل
هیل از هریک سه درم مصطکی عود خام مایه شتر
اعرابی زعفران مشک عنبر از هریکی دو درم سمکه صید احمر
وربیان از هریکی سه مثقال دارچینی قرنفل فلفل زنجبیل
از هریکی دو مثقال جوز بوا بسباسه از هریکی ده مثقال

درونج عقربی زرنباد از هر یکی سه مثقال خصیة الثعلب
پنج مثقال تخم کندر تخم شلغم تخم ترب تخم بنجه بهمن سرخ بهمن
سفید خشک مربی از هر یک سه مثقال بوزیدان سورنجان
از هر یکی دو درم شقاقل ده درم کبابه خولنجان مصری
قسط شیرین از هر یکی دو درم تودری سرخ تودری زرد
از هر یک سه مثقال سعد کوفی دو درم ورق منقط سدس
ادویه مجموع را کوفته و بیخته گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ
دوالا از هر یکی ده مثقال جوشانیده صاف کرده آب آن
نگاه دارند تخم خربزه تخم خیار تخم کاشنی تخم خرفه از هر یک
ده مثقال بکوبند نرم و شیره بگیرند و آن شیره را اضافه
جلاب سابق کنند و با آب به شیرین و آب انار شیرین
و گلاب از هر یکی صد مثقال با قند و عسل صاف منا صفه

سه وزن

سه وزن ادویه بقوام آورند و مغز فندق و بادام و
گردکان و جلغوزه را از هر یکی ده مثقال نرم بکوبند مانند
مرهم و در عسل اندازند و زعفران با گلاب حل کنند و بعد
از آن که سرد شود اضافه کنند و مشک و عنبر را دو حصه
کنند یکحصه را اول داخل کنند و یک حصه دیگر بعد از
سایر ادویه نافع باد و بعضی دیگر این اجزا را داخل نمایند
اسارون سه مثقال آمله مقشر بشیر پرورده ده مثقال
گل مختوم صندل سفید صندل سرخ از هر یک سه مثقال
خشخاش سفید ترکیب ساخته در ظرفی آبگینه یا ظرفی
پاکیزه کنند معجون نافع از برای کسی که عاجز باشد از
ازاله بکارت صفت آن زنجبیل دارچینی خصیة الثعلب
شقاقل جوز بوا لسان العصافیر مصطکی زعفران دار فلفل

بوزیدان ورد احمر بهمن سرخ تخم هلیون تخم جزر از هر یک دو
مثقال مشک و عنبر از هر یکی یکمثقال حب القلقل سه درم زباد
الکبریت پنج مثقال عسل ثمن ترکیب سازند صفت آن
قرنه پنج مثقال خولنجان کبابه چینی قرنفل جوز بوا از هر یک سه
مثقال قاقله کبار قاقله صغار از هر یک سه درم فرنجمشک ورق
قرنفل از هر یکی سه مثقال گاوزبان بادرنجبویه از هر یک
پنج مثقال اشنه از هر یکی چهار مثقال زعفران و مصطکی
از هر یک سه مثقال بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک چهار
مثقال ساذج هندی زنجبیل دارچینی فلفل از هر یکی دو مثقال
پوست ترنج سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یکمثقال
خصیة الثعلب بسباسه لسان العصافیر از هر یک سه مثقال
عنبر اشهب دو مثقال لعل یکمثقال مشک نیم درم مروارید ناسفته

کهربا

کهربا بسد از هر یک یکمثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک
نیم مثقال جزو اعظم هشت مثقال عسل دو وزن ادویه
معجون الباه از ترکیب مولانا فخرالدین شیرازی صفت آن
بهمن سفید بهمن سرخ خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل
سه مثقال مایه شتر اعرابی شقاقل تودری سفید از هر یک
پنج مثقال خسک مربی ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام
مغز فندق از هر یک ده مثقال زعفران سه درم گاو
زبان پنج مثقال خشخاش بسباسه سه درم عنبر اشهب یکدرم
ورق الخیال صد مثقال پنیر گوسفند جوشانیده صاف کرده
با عسل بقوام آورند و دیگر اجزا بآن بسرشند معجون سنجری ترکیب
شیخ ابو علی مشهور است ترجیح سنجری فواید بسیار دارد مقوی باه است
جگر و دل و معده را قوت دهد و هاضم و برند حافظ و قوت بصر



افزاید وقوت سمع نگاه دارد صفت آن سنبل ده مثقال
بسباسه جوزبوا قاقله صغار زنجبیل دارچینی قرنفل زعفران
بهمن سرخ عود الصلیب مصطکی نارجیل ساذج هندی
از هر یک شش مثقال تخم معصفر سه مثقال تخم ماهیزه
تخم شبت نانخواه زیره کرمانی انیسون تخم جزر از هر یک
سه مثقال مغز بادام شیرین مغز پسته مغز سر گنجشک
از هر یکی شش مثقال مویزج قند سفید از هر یک سی
مثقال عسل مصفی سه وزن ادویه مقدار شربت دو
مثقال معجونی که منفعت کند یرقانی را که با حمی باشد
صفت آن کرپژه یا ببه سه درم ورد احمر یکدرم ونیم طباشیر
سفید یکدرم کوفته و بیخته بشراب سیب سرشته شربتی
یکمثقال با ده درم از شراب سیب مفرحی که مقوی قلب

وباه

وباه و معده است صفت آن مروارید ناسفته سه
مثقال لعل بدخشانی فیروزه نیشابوری بسد کهربا
شب حجر الیهود مشک خالص از هر یک دو مثقال عود
چهار مثقال پوست سبز پسته دو مثقال پوست اترج سه مثقال
قرنفل دو مثقال قاقله مقشر دارچینی از هر یک سه مثقال بهمن
سرخ بهمن سفید از هر یک دو مثقال درونج عقربی سه مثقال
زنجبیل خولنجان فلفل دار فلفل از هر یک ده مثقال اسارون
صندل سرخ صندل سفید دواله از هر یک سه مثقال خصیة
الثعلب دو مثقال شقاقل گل سرخ از هر یک سه مثقال
طباشیر دو مثقال مصطکی پنج مثقال قسط شیرین دو مثقال
تخم کاشنی سه مثقال قرفه عاقرقرحا از هر یک دو مثقال
فرفیون یکمثقال حماما سه مثقال بزر البنج یکمثقال تخم فلنجمشک

دو مثقال افیون زعفران از هر یک ده مثقال عسل سه وزن
ادویه که سیصد و سی مثقال باشد معجون رمنک بزبان هندی
بی رورش خوانند صفت آن بیش یکمثقال و نیم فلفل دو مثقال
زنجبیل یکمثقال و نیم عاقرقرحا یکمثقال مویزج یکمثقال عسل
سه وزن ادویه و میتواند بود که کل واحد از ادویه یکمثقال
و نیم باشد و می باید که هر یک از داروها کوفته و بیخته بعد از ان
بکشند معجون یقوی علی الباه و یطیب النفس و یسخن
البدن و ینفع الریح من المعده و من برد الکلی و یزید فی الحفظ
صفت آن دارچینی چهار مثقال قسط شیرین سنبل چهار
مثقال زعفران سه مثقال رازیانه زنجبیل نعنع خشک
و برگ صعتر فودنج الیابس سلیخه من کل واحد اربعه مثاقیل
ساذج هندی دارفلفل فلفل ابیض فلفل اسود اسارون

بزر الانجره کرویا قرنفل خولنجان شقاقل من کل واحد اربعة
مثاقیل ساذج هندی دارفلفل فلفل دارفلفل و نصف عاقرقرحا
قاقله بزر اللفت بزر الفجل بزر الشلجم من کل واحد عشرة مثاقیل
سمسم المقشر لب الفستق لب اللوز الحلو حلغوزه من کل
واحد عشرة مثاقیل عود هندی ثلث مثاقیل شکر ابیض
مثل الجمیع عسل مصفی ضعف الادویه معجون بهمنی
فواید بسیار دارد و نسخه مولانا عماد الدین محمود صفت آن
بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک ده مثقال تودری سفید
تودری سرخ شقاقل از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب
ده مثقال خولنجان سه مثقال سورنجان ده مثقال
زراوند مدحرج زرنباد درونج عقربی از هر یک سه مثقال
خصیة الثعلب ده مثقال لسان العصافیر سه مثقال

عاقرقرحا مویزج از هر یک دو مثقال تخم بنجه ده مثقال تخم
جذر تخم ترب از هر یک پنج مثقال تخم انجره سه مثقال
خشخاش سفید ده مثقال زر البنج کنجد مقشر مغز تخم خربزه
تخم خیارین از هر یک ده مثقال حب الزلم حب السمنه
حب الفلفل کبابه چینی عود هندی از هر یک سه مثقال
دارچینی سنبل از هر یک پنج مثقال مصطکی سه مثقال
صندل سفید ده مثقال زنجبیل فلفل دار فلفل قرنفل از
هر یک سه مثقال هیل پنج مثقال جوزبوا ده مثقال
دواله سه مثقال بسباسه پنج مثقال مغز بادام شیرین
پانزده مثقال مغز گردکان مغز پسته مغز فندق نارجیل
از هر یک ده مثقال مغز پنبه دانه تخم خرفه تخم کاشنی
ورق گل سرخ گشنیز خشک زرشک منقی از هر یک

پنج مثقال آمله مقشر پوست هلیله پوست هلیله کابلی
از هر یک ده مثقال بادرنجبویه پنج مثقال گاوزبان
ده مثقال طباشیر سفید سه مثقال تخم کندنا تخم باز
از هر یک پنج مثقال حب النیل سه مثقال مایه شتر
اعرابی پنج مثقال سمکه صیدا پنج مثقال ریوند
ده مثقال خایه خروس پنج مثقال مغز سر گنجشک پنج
مثقال حلتیت یک مثقال بوزیدان سه مثقال زعفران
پنج مثقال آب انار شیرین آب امرود بلخی از هر یک
سه مثقال آب سیب سلطانی دویست مثقال آب
به شیرین صد مثقال گلاب یمن عرق بید مشک
یمن عنبر اشهب دو مثقال مشک دو مثقال قند سفید
و نبات و عسل سه وزن ادویه معجون زبیب

مصروع را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی پوست
هلیله زرد پوست بلیله آمله مقشر اسطوخودوس از هر یک
ده درم عود الصلیب پنجدرم عاقرقرحا سه درم مویز
منقی یکرطل ادویه را کوفته و بیخته با مویز کوفته معجون
سازند شربتی پنجدرم معجون سیالیوس همین خاصیت دارد
سیالیوس عاقرقرحا اسطوخودوس از هر یک ده درم
غاریقون پنجدرم فردمانا حلتیت زراوند مدحرج
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی بسرشند
شربتی یکمثقال معجون لبان نسیان را نافع باشد صفت آن
کندر وج سعد از هر یک ده درم فلفل زنجبیل از
هر یک پنجدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمثقال معجونی که منع مستی کند صفت آن شاخ برشته

مغز بادام تلخ کرنب فودنه کوهی ملح نفطی سداب ناخواه
مساوی کوفته بعسل معجون سازند معجونی که سلس
البول را باز دارد صفت آن کلنار ده درم کندر بلوط
از هر یک بیست درم سعد کرویا از هر یک پنجدرم
کوفته و بیخته معجون سازند معجونی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن شاه بلوط هفت درم کلنار دو درم الاخوین
دارفلفل و خصیه الثعلب از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یکدرم معجونی که بادهای زنان
آبستن را دفع کند و محافظت جنین نماید صفت آن
زرنباد درونج از هر یک دو درم دارچینی مروارید ناسفته
کهربا از هر یک یکدرم جند بیدستر یکمثقال دواله و سنبل
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی

یکمثقال معجون مفرح آسورنجان ده درم سنا مکی پنجدرم
اسارون زنجبیل زیره کرمانی دارفلفل از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال باب گرم معجون
مفرح مالیخولیا و توحش را نافع بود و دل را قوت دهد و نشاط
آورد صفت آن ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک پنجدرم
بسباسه پوست ترنج قرفه تخم فرنجمشک از هر یک سه درم
مشک دانکی کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند مفرح
معتدل دل را قوت دهد و خفقان را نافع باشد و نشاط آورد
و رنگ را نیکو گرداند صفت آن مروارید ناسفته
بسد و گاوزبان عود خام از هر یک دو درم تخم
کاشنی کشنیز خشک از هر یک پنجدرم صندل سرخ و سفید
و طباشیر از هر یک هشت درم افتیمون گل سرخ از

هر یک شش درم ساذج هندی زرنباد تخم فرنجمشک
تخم بادرنجبویه خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک چهار درم
زعفران عنبر درونج رومی از هر یک دو درم کافور یکدرم مشک
نیمدرم کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند مفرح حار
خفقان و ضعف دل را که از سردی بود نافع بود صفت آن
گاوزبان و بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید تخم فرنجمشک از
هر یک هشت درم آمله مقشر بریان کرده بیست درم عود
قماری ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک
یکمثقال زعفران یکدرم بسد سوخته کهربا سوخته قرنفل
زرنب کشنیز خشک دارچینی از هر یک پنجدرم عسل هلیله کابلی چهار
یک یاقوت و زر محلول از هر یک نیم درم درونج عقربی یکدرم
و نیم مویز منقی نیم من قند نیم من عسل هلیله و قند منقی را با یکدیگر

بجوشانند و بقوام آرند و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند
شربتی یکمثقال مفرح بارد خفقان بارد را نافع بود و دل
قوت دهد صفت آن گل سرخ طباشیر بهمن سفید گاوزبان
کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید از هر یک یکدرم مغز
تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه پانزده درم
زرشک منقی شش درم مروارید ناسفته کهربا زعفران
کافور از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم نبات
را در عرق بید مشک بگدازند و با پنجاه مثقال آب
سیب بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته بآن بسرشند
مفرح بارد بنسخه دیگر مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر
کهربا گاوزبان گل ارمنی از هر یک دو درم مشک نیم درم
قند سفید سی درم معجون سازند چنانکه رسم است مفرح

دلکشای حار خفقان و ضعف دل را که از سردی بود سود
دارد صفت آن پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان
مغز تخم خیارین از هر یک پنج درم بهمن سرخ و سفید از هر یک
دو درم و نیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید کنجد
مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم
و نیم تخم کرفس یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنج مثقال
نبات مصری و ترنجبین سفید از هر یک نیم من نبات و
ترنجبین را در گلاب حل سازند و بقوام آورند و داروها کوفته
و بیخته بآن بسرشند مفرح دلکشای بارد طباشیر بهمن سفید
گل سرخ بسد کهربا مروارید ناسفته از هر یک یکمثقال
صندل سفید کشنیز خشک از هر یک دو درم زر محلول و نقره
محلول از هر یک نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید

یکمن آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند
مفرح مسیحی بنسخهٔ دیگر دل و جگر و دماغ را قوت دهد و منی
بیفزاید و اشتهای طعام و جماع آورد و باه را قوی گرداند
صفت آن قرفه گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هر یک
پنجدرم خولنجان کبابهٔ چینی قرنفل سنبل قاقله کبار قاقلهٔ
صغار جوزبوا تخم فرنجمشک مصطکی پوست ترنج لسان
العصافیر بسباسه از هر یک سه درم اشنه چهار درم
مروارید ناسفته سادج هندی سعد کوفی عنبر اشهب
از هر یک دو درم مشک و زر محلول نقرهٔ محلول از هر یک نیم
درم لعل کهربا بسد از هر یک یکدرم جزو اعظم سی مثقال
عسل دو وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست
مفرح رشیدی لعل و بسباسه از هر یک پنج مثقال زعفران سه مثقال

زنجبیل دارفلفل از هر یک یکدرم
حب القلقل ده درم صح

جزو اعظم ده مثقال قند سفید پنجاه مثقال زعفران
سه مثقال قند را در گلاب بگدازند و بقوام آورند
و داروها کوفته و بیخته بان بسرشند مفرحی که خفقان
سوداوی را نافع باشد صفت آن سادج سعد نانخواه
دوالافیمون تخم کرفس تخم فرنجمشک از هر یک سه درم مروارید
ناسفته بسد از هر یک پنجدرم عصارهٔ افسنتین شش
درم زعفران و سک از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم
پوست ترنج دو درم گاوزبان هفت درم کوفته و بیخته
باب افتیمون جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم
مربا هلیله معده را قوت دهد و هاضمه را قوی گرداند و طبع را
نرم کند و بواسیر را نافع بود و باصره را تیز کند و نسیان را
زایل کند و خون نگاه دارد صفت آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد

درظرفی کنند وچندان آب برسر آن ریزند که آنرا
بپوشاند وخاکستر پاک پنجاه درم برسر آن کنند وچهار
نوبت آب وخاکستر را تغیر کنند وچندان اب برسر
آن کنند وچهار نوبت آب وخاکستر را تغیر کنند
هر سه روز یکبار پس بشویند چنانچه پوست ازو جدا
نشود ودر دیگ کنند وآب صافی برویش ریزند
ویک کف جو مقشر نیم کوفته اضافهٔ آن کنند وبجوشانند
تا جو پخته شود پس بیرون آورند ودیگر باره بدان دستور
بشویند وهر هلیله را ده سوزن بزنند ودر ظرفی کنند
وچندان عسل برسر آن ریزند که آنرا بپوشاند وبیست
روز بگذارند بعد از آن از میان عسل بیرون آورند
وآن عسل را نگاه دارند ودیگر عسل تازه برسر آن کنند

وده روز دیگر بگذارند بعد از آن با عسل اول ودوم بجوشانند
تا بقوام آید واگر این داروها داخل کنند بهتر باشد
قرنفل وزنجبیل قاقله جوزبوا مصطکی عود از هر یک پنج مثقال
مشک نیم درم زعفران یکمثقال ودر ظرفی چینی کنند وبعد از
چهل روز استعمال نمایند مربا شقاقل باه را قوت دهد
ونعوظ تمام آورد ومثانه را سود دارد صفت آن شقاقل
تازه در آب خیسانند یکشبانه روز وآن آب بریزند
ویکشبانه روز دیگر در آب تازه خیسانند باز آن آبرا بریزند
ویکشبانه روز دیگر در اب تازه خیسانند بعد از آن مقشر
کنند وبجوشانند تا نیم پخته شود انگاه عسل صافی برسر
آن کنند وبآتش نرم بجوشانند وبقوام آرند ودر ظرفی
کنند وبعد از چهل روز تناول نمایند مربا بالنگ معده را قوت دهد



وفرح آورد صفت آن گوشت ترنج را در دیگ کنند و باب بجوشانند
تا نیم پخته شود و بیرون آورند و بفشارند و عسل صاف بر سر
آن کنند و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و اگر بقند خواهند
همچنین اما مربی هلیله و بالنگ و شقاقل و جزر و گردکان
بعسل بهتر باشد و مربا تمر هندی و آلوبه و سیب و امثال
اینها بقند مربا جزر باه را قوت دهد و سینه را نرم کند و
پشت را محکم گرداند صفت آن کدر بزرگ را با پوست بخراشند
و پاره پاره کنند و میان آنرا بیندازند و در آب و عسل
بجوشانند تا پخته شود و بعد از آن بیرون آورند و در عسل
اندازند و اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند و بعد از چهل روز
تناول نمایند مربا زنجبیل گرده و مثانه و معده بارد را نافع
باشد و بول براند و بتهاء بلغمی را سود دارد و باه را زیاده کند

صفت

صفت آن زنجبیل آزاد خوب را در زیر ریگ کنند و بیست روز
هر روز آب بران همی‌ریزند بعد از آن بیرون آورند و بشویند
و ریشه ریشه کنند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید
مربا گردکان معده را قوت دهد و باه را زیاده کند صفت
آن بستانند گردکان تازه که هنوز صلب نشده باشد
و پوست از و جدا کنند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام
آید مربا وج قولنج ریحی و فالج و صرع را نافع باشد صفت آن
وج ترکی فربه سه شبانروز در آب خیسانند بعد از آن
بیرون آرند و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید
مربا هندوانه حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن بستانند
پوست هندوانه و سبزی از و بتراشند و سه روز در آب
و آهک خیسانند روز چهارم در نمک آب خیسانند و یک شبانروز

بگذارند پس بیرون آورند و سه شبانروز در آب شیرین اندازند
بعد از آن در آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود
پس بیرون آورند و بنهند تا آب از او برود و دیگر باره در
عسل اندازند و بجوشانند تا بقوام آید مربا گرد سینه و
شش و مثانه را نافع باشد صفت آن کدوی تازه بخراشند
و مغز آن بیندازند و پاره پاره کنند و باب و عسل بجوشانند
و بقوام آورند مربا تمر هندی صفرا دفع کند و تب زایل گرداند
و محرور مزاج را موافق باشد صفت آن تمر هندی را از چوب
و دانه پاک کنند و در گلاب خیسانند یکساعت بعد از آن
قند را بقوام آورند و تمر بر وی ریزند و چون یکجوش زنند
فرو گیرند مربا سیب معده و دل را نافع باشد صفت آن
سیب را پوست باز کنند و دانه بیرون آورند و در آب

بجوشانند

بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند بقوام آورند مربا به
صفت مربا به مثل مربا سیب است اما سیب را درست مربا
کنند و به نمیش صفت آن معده را قوت دهد و قی و غثیان
و هیضه و فواق و درد جگر را نافع باشد میبه آب
به ترش چهار من شراب ریحانی هشت من عسل مصفی
دو من مجموع را در دیک ریزند و زنجبیل و مصطکی و قاقله
کبار و صغار و دارچینی و کبابه چینی و قرنفل از هر یک هفت
درم زعفران سه درم همه را نیم کوفته کنند سوی زعفران
و در کیسه ریزند و در آن اندازند و بجوشانند و زمان زمان
کیسه را می مالند تا شیره تمام باز دهد و زعفران سابیده اضافه
نمایند و بقوام آورند با العسل معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بول براند و مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد

صفت آن عسل یکجزو آب دو جزو بجوشانند تا ثلثی برود
و دو ثلث بماند برعود و اگر مقوه خواهند دارچینی و خولنجان
و زنجبیل و مصطکی و زعفران و هیل و جوزبوا و بسباسه کوفته
و بیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند ماء الجبن مالنخولیا
و یرقان و جرب و کلف و امراض سوداوی را نافع باشد
و صفرا براند و با افتیمون مسهل سوداوی باشد صفت آن
بز سرخ جوان صحیح البدن که چهل روز از زاییدن آن
گذشته باشد چند روز گشنیز تازه یا کاهو یا کاسنی یا ازبات
آرد جو یا علف جو یا شاهتره تازه بدهند بعد از آن دو رطل
شیر او بستانند و در دیگ سنگین کنند و با آتش نرم
بجوشانند و چون یکجوش بزنند یکرطل سکنجبین صادق الحموضه
بر سر آن ریزند و بچوب انجیر پوست کنده می جنبانند تا ببرد

بس

پس از آتش فرو گیرند و در کرباس اندازند و بیاویزند تا
سکنجبین بنوشند هر روز یکرطل بسه دفعه چنانچه میان
هر دو دفعه دو ساعت باشد و بعد از هر نوشیدنی چند
گام بروند ماء الاصول حار رعشه و اوجاع مفاصل بلغمی و
سوداوی را نافع باشد صفت آن پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از
هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس سوربجان زیره
کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز منقی از هر یک
بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف
کرده هر روز سی درم با ده درم گل و عسل بنوشند ماء الاصول
بارد اوجاع مفاصل حار را نافع باشد صفت آن عناب
سپستان از هر یک سی عدد پوست بیخ کاسنی پوست بیخ

رازیانه از هر یک ده درم تخم کاشنی و رازیانه از هر یک پنج درم
انجیر زرد مویز منقی از هر یک بیست درم در سه رطل آب
بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کرده هر روز سی درم با
ده درم گل عسل بنوشند ماء الاصول دیگر که لقوه فالج
و صرع و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد
و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید
و استسقا و اوجاع مفاصل را سود دارد صفت آن
پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم
پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از
هر یک چهار درم حب بلسان اسارون از هر یک دو درم
سلیخه جنطیانا از هر یک دو درم و نیم عود بلسان بوزیدان
نهار اسپند از هر یک سه درم مویز منقی بیست درم در دو من

اب

آب بپزند تا بیک من آید و بپالایند شربتی سی مثقال
با دو مثقال روغن بید انجیر و پنج درم روغن بادام تلخ ماء
الاصول دیگر سده جگر و سپرز بگشاید و برودة معده و جگر
و سپرز و استسقاء بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست بیخ کرفس
پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم بیخ اذخر و فقاح
اذخر از هر یک پنج درم سنبل و مصطکی از هر یک یکدرم
و نیم فو لک منقی عود بلسان از هر یک دو درم غافث افسنتین
گل سرخ سکاع بادآورد پوست بیخ کبر از هر یک سه درم
انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند
تا بنیمه آید و صاف کرده هر روز چهل درم با یکدرم روغن
بادام تلخ و یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند ماء البزور
بادها پراکنده سازد و اخلاط غلیظ را دفع کند و قولنج و استسقا

طبلی را نافع باشد صفت آن نانخواه کاشم زیره کرمانی کرویا
صعتر شونیز از هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا
بیک رطل آید و صاف کنند و هر صبح و شام بیست درم از ان
با سه درم روغن بید انجیر بنوشند مطبوخ هلیله اسهال
صفرا کند صفت آن پوست هلیله زرد شش مثقال آلوی سیاه
بیست دانه سپستان سی دانه شاهتره و سنا مکی
از هر یک پنجدرم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد
رازیانه تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک ده درم عنب الثعلب
اصل السوس بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل
آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر
هندی از هر یک ده مثقال ترنجبین و مغز خیار چنبر روغن
بادام چرب کرده از هر یک پانزده مثقال در ان حل کرده

بنوشند

بنوشند مطبوخ فواکه حمیات حاده را نافع باشد و صفرا را
دفع کند صفت آن سنا مکی هفت درم بنفشه عنب
الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب و سپستان
و آلو سیاه از هر یک بیست عدد گل سرخ چهار درم
در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کرده تمر
هندی و شیرخشت از هر یک ده درم ترنجبین بیست درم
در ان حل کنند و بنوشند مطبوخ افسنتین معده گرم
ضعیف را نافع بود صفت آن افسنتین پنجدرم گل
سرخ شش درم تمر هندی بیست درم ترنجبین سی درم
گل و افسنتین را بجوشانند و صاف کنند و تمر هندی
در ان حل کنند و یکدرم ایارهٔ فیقرا حب ساخته فرو
برند و از عقب آن این مطبوخ بنوشند مطبوخ افتیمون

صفرای سوخته و بلغم و سودا را دفع کند و امراض سودای و
را نافع باشد صفت آن سنا مکی هفت درم گل سرخ چهار درم
افتیمون در لته بسته و پوست هلیله سیاه از هر یک پنج درم
بسفایج فستقی اصل السوس رازیانه از هر یک دو درم اسطوخودوس
پر سیاوشان شاهتره گاوزبان بادرنجبویه بنفشه
نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی سپستان از هر یک سی دانه
در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کرده گلقند
افتابی ده درم مغز خیار چنبر روغن بادام چرب کرده
و ترنجبین از هر یک پانزده درم دران حل کنند و بجوشانند
بنوشند مطبوخ سورنجان اوجاع مفاصل را نافع باشد
صفت آن سنا مکی هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد
از هر یک چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس پوست

بیخ رازیانه افتیمون قنطوریون دقیق از هر یک دو درم
پر سیاوشان گاوزبان بادرنجبویه از هر یک سه درم
جوشانیده و صاف کرده گلقند ده مثقال ترنجبین بیست
مثقال دران حل کرده باز خورند مرهم شادنج بواسیر و شقاق
مقعد را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول گل ارمنی
عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم افیون نیم مثقال
و چهار حبه سفیداب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه
بادام و روغن گل بادام از هر یک ده درم موم سفید پنج درم
را روغن بگدازند و داروها کوفته و بیخته بدان ممزوج سازند
و باده درم شیر دختران در هاون نیک بمالند تا مرهم
شود مرهم کافور ترکیدن لب و مقعد و سوزش ناصور
و سوختگی آتش را نافع باشد صفت آن مرداسنگ سفیداب

ارزیز موم سفیدانشه هریک پنجدرم روغن بیست درم
موم را در روغن بگدازند و ادویه کوفته و بیخته اضافه
نمایند و در هاون بسایند تا هموار شود و بگذارند تا
خنک گردد و یک سفیدهٔ تخم مرغ و قدری کافور داخل
نمایند و مرهم سازند مرهم سل اورام صلبه مثل خنازیر
و سرطان و سلعه را نافع باشد و جراحتها را از گوشت
مرده و ریم پاک کند و ناصور را بصلاح آورد صفت آن
جاوشیر و زنگار و بارزد و مر از هریک دو درم اشق
هشت درم کندر زراوند طویل از هریک سه درم مقل
و مرداسنگ از هریک چهار درم موم و راتینج از هریک ده درم
روغن زیت یک رطل صمغها را در سرکه حل کنند و موم را
در روغن بگدازند و آنچه کوفتنی است بکوبند و بیزند و بآن

ضم کنند و در یکدیگر بمالند تا مرهم شود مرهم باسلیقون اورام
صلبه را نرم کند و بیزند و از ریم پاک کنند و گوشت برویانند
صفت آن زفت راتینج موم سفید از هریک بیست مثقال
بارزد چهار درم روغن زیت سی مثقال موم را در روغن
بگدازند و باقی ادویه در آن حل کنند و مرهم سازند مرهم
حل گوشت نو برویاند و جراحتها را خشک کند صفت آن
مرداسنگ ده درم صلایه کرده با ده درم موم و بیست
درم روغن گل حل کرده و قدری سرکه مرهم سازند مرهم
زنگار لحم زاید را بخورد و ریشهائی که کهنه بود خوش کند صفت آن
زنگار دو درم صلایه کرده با موم و علک البطم از هریک
پنجدرم در سی درم روغن زیت گداخته در هاون کنند
ازروت کوفته و بیخته نیک بمالند تا مرهم شود

مرهم داخلیون اورام صلبه را نرم کند و بخته کرداند صفت آن
مرداسنک ده درم صلایه کرده با یک چهاریک روغن زیت
در پاتیله کنند و بجوشانند تا رنک بکرداند و از آتش
فرو کیرند و بکذارند تا سرد شود پس بکیرند لعاب حلبه
و لعاب بزرک و لعاب بزر قطونا و لعاب خطمی
و لعاب مرو از هر یک پنجاه درم نیک کرم کنند و بر سر
آن میریزند و باتش نرم بجوشانند و کفچه میزنند تا
غلیظ شود و مرهم پذیر کردد مرهم سرطان سرطان و خنازیر
را نافع بود و ورمها بخته کرداند صفت آن مرداسنک
پنجدرم کندر بارزد اشق موم از هر یک ده درم
علک البطم و سرخ از هر یک هشت درم انچه کداختنی است
در روغن زیت بکذارند و انچه باید کوفت بکوبند و بان

ممزوج سازند و در هاون بمالند تا مرهم شود مرهم سیاه
کوشت مرده بخورد و ریشها را بصلاح آورد صفت آن
مرداسنک یک چهاریک زفت رومی بیست درم علک
البطم پنجدرم روغن زیتون نیم من موم یکمثقال کداخته
در روغن زیتون بکدازند و مرداسنک صلایه کرده
بران افشانند و مرهم سازند مرهم توتیا جراحت
قضیب را سود دارد صفت آن توتیا بیست درم صلایه
کرده با بیست درم موم در پنجاه درم روغن کل کداخته
مرهم سازند مرهم مصری جراحت کوش را نافع باشد صفت آن
سرکه هفت درم عسل هشت درم در یکدیکر بجوشانند و
بقوام آورند و دو درم زنکار سوده بران افشانند
و مرهم سازند و فتیله را بدان ترساخته در کوش نهند

مرهم تابستانی گوشت برویاند صفت آن سفیداب ارزیز
سه درم دم الاخوین انزروت صبر مر کندر از هر یک
دو درم موم سه درم در روغن بگدازند و داروها کوفته
و بیخته با آن ممزوج سازند و در هاون بسایند تا مرهم شود
مرهم آهک سوختگی آتش را نافع باشد صفت آن مرداسنگ
۸۴ حنبث الفضه سفیده تخم مرغ را با یکدیگر مرهم سازند چنانکه
رسمست مرهم سفیداب گوشت برویاند و جراحت
خشک گرداند و حرارت بنشاند صفت آن سفیداب
ارزیز موم سفید از هر یک دو درم روغن گل ده درم بطریق
معهود مرهم سازند مرهم شنگرف سرطان و خنازیر
و اورام صلبه را نافع باشد صفت آن مرداسنگ پنج درم
کندر بارزد اشق موم سفید از هر یک دو درم علک البطم

آهک شسته ده درم
روغن گل سی درم
موم زرد ده درم

شش

شش درم شنگرف شش درم روغن زیتون با روغن
گل سرخ پنجاه درم بدستور مرهم سازند مرهم گلنار نمله
متآکله را نافع باشد صفت آن مازوی سبز مرداسنگ
زردچوبه از هر یک یک جزو گلنار برگ عصاره لسان الحمل
از هر یک دو جزو با موم سفید در روغن گل مرهم سازند
چنانکه رسمست مرهم سرطان درد بنشاند و جراحت را باصلاح
آورد صفت آن بوش دربندی اقاقیا از هر یک ده درم
صندل سفید یک درم شیاف مامیثا چهار درم سرطان محرق
یک عدد موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق
متعارف مرهم سازند مرهم عسل چرک از جراحات ببرد و میل
پاک کند صفت آن عسل را بجوشانند تا غلیظ شود و برابر
آن انزروت کوفته با آن ممزوج کنند و مرهم سازند مرهمی

که جراحت آتشک را نافع باشد صفت آن سفیداب
توتیا دم الاخوین از هریک سه درم مرداسنک دو درم
زنکار نیم درم موم پنجدرم روغن بیست درم مرهم سازند
مرهم خشک ریشات مرداسنک توتیا غناب پخته آب کشنیز
تازه موم سفید مرهم سازند مرهمی که بواسیر را نافع است
صفت آن میعهٔ سایله یکدرم مقل دو درم روغن مغز
زردالو ده درم مقل و میعه را در روغن بکدازند و مرهم سازند
مرهمی دیگر که همین خاصیت دارد بلکه از آن اقوی وانفع
باشد صفت آن مقل کوهان شتر مغز ساق کاو مغز
استخوان زردالو سوخته میعهٔ تر سفیده تخم مرغ روغن کل
سرخ بیکدیگر ممزوج ساخته مرهم سازند مرهمی دیگر که بواسیر
را سود دارد و درد را ساکن کند صفت آن مغز ساق

کاو

کاو پیه مرغ کوهان شتر روغن کل مساوی دریکدیگر بجوشانند
وقدری افیون اضافه کنند و درهاون نیک بمالند و مرهم
ساخته استعمال نمایند مرهمی دیگر که از جهة بواسیر عظیم
النفع بود صفت آن پیه بط پیه ماکیان پیه بز از هریک
پنجدرم مغز ساق کاو پنجاه درم روغن مغز زردالو
تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن کل از هریک ده درم
میعهٔ سایله دو مثقال مقل ازرق بیست درم آب کندنا
بقدر حاجت موم سفید پنجدرم مقل را در آب کندنا حل
سازند و روغنها را با موم و میعه بکدازند و با مقل
محلول درهاون بایکدیکر ممزوج سازند و استعمال نمایند

باب النون

نقوع هلیله
صفرا براند و صداع را نافع باشد صفت آن پوست هلیله

زرد ده درم آلو سیاه سبستان عناب از هر یک سی عدد
تمر هندی بیست درم بنفشه تخم کاشنی از هر یک سه درم
مغز خیار چنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شب در پنجاه
درم آب خیسانند وصباح صاف کرده بیاشامند
نقوع فواکه صفرا دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن آلو سیاه
و آلو بخاری و عناب و سبستان از هر یک سی عدد تمر هندی
ده درم زردآلو ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست
درم شب بخیسانند وصباح صاف کرده بنوشند نقوع صبر
صداع حار را نافع باشد صفت آن آب کاسنی هشتاد
مثقال صبر سقوطری چهار دانگ در آن حل کنند و سه روز
و سه روز در آفتاب نهند و شب در جایی گرم نهند
در روز سوم بپالایند و بنوشند نقوع صبر بنوعی دیگر

صداع بلغمی را نافع باشد صفت آن سعد سنبل افسنتین
فقاح اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیرهٔ کرمانی از هر یک
یک کف در یکمن و نیم آب بپزند تا بنیم من آید بپالایند و بیست
درم صبر در آن حل کنند و سه روز در آفتاب بگذارند
روز چهارم صاف کنند شربتی سه درم با سه درم روغن
بید انجیر نقوع صبر نسخهٔ دیگر صداع سوداوی را نافع
باشد صفت آن افسنتین ده درم اسارون
پنج درم قنطوریون و مصطکی از هر یک سه درم صبر
سقوطری شش درم ادویه نیمکوفته در سه رطل آب گرم
خیسانند و سه روز در آفتاب نهند روز چهارم صاف
کنند شربتی چهل درم با یک درم روغن بادام شیرین نطولی
که خواب آورد و سرسام را نافع باشد صفت آن بنفشه

تخم کاهو از هر یک پنج درم پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر
پوست کدوی تر بابونه از هر یک ده درم کشک جو پنجاه
درم در پنج من آب بپزند تا بنیمه آید و سر بخاران بدارند
نطولی که صداع بارد را نافع بود صفت آن بابونه
اکلیل الملک نمام مرزنکوش برنجاسف صعتر ورق
الغار مساوی جوشانیده سر بخار آن بدارند نطولی
که صداع ریحی را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل
الملک برک کرفس رازیانه تخم کرفس زیرهٔ کرمانی
مرزنکوش صعتر شبت جوشانیده سر بخاران بدارند
نطولی که صداع سوداوی را سود دارد صفت آن
بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سوس خشک
سادج هندی قرنفل جوشانیده سر بخاران بدارند

نطولی

نطولی که گرانی گوش را که از عقب مسهل پیدا شده
باشد و سبب آن بخارات بود زایل کند صفت آن
بابونه اکلیل الملک قیسوم از هر یک ده درم نمام مرزنکوش
اذخر پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک
پنج درم در ده من آب بجوشانند تا بسه من آید و بپالایند
و چون از حمام بیرون خواهند آمد بر اعضا ریزند نطولی
که صداع حار و بیخوابی را نافع باشد صفت آن بنفشه جو نیم
کوفته تخم کدو کوفته بزرک بزرقطونا تخم خرفه پوست خشخاش
گل خشخاش بیخ لفاح تخم خطمی تخم کاهو برک بید گل سرخ
جوشانیده سر بخار آن بدارند نطولی که سنگ کرده و مثانه
پاره پاره کرده بیرون آورد و بول براند صفت آن بابونه
گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک از هر یک ده درم پوست

پوست خربزه خشک پرسیاوشان تخم قلت نیمکوفته
از هر یک هفت درم اشنان اصل السوس پوست بیخ
رازیانه از هر یک پنج درم کاکنج و حلبه از هر یک چهار درم
برنجاسف بنفشه از هر یک سه درم دوقو و برگ نیلوفر
از هر یک دو مثقال در ده من آب بجوشانند تا به نیم من
آید و در ان نشیند و چون برون آیند دو سه قطره
روغن عقرب در احلیل چکانند نطولی دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن بابونه درمنه ترکی نمام مرزنکوش برگ کرنب
سرکین کبوتر بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آن
بر عانه و حوالی آن ضماد کنند نطولی دیگر که همین عمل کند صفت ان
درمنه ترکی برگ ترب اسبت سداب شبت کرنب بجوشانند
تا نرم شود و ثفل آنرا بر عانه ضماد کنند و در آب آن نشینند نطولی دیگر

که همین

که همین منفعت دارد صفت آن بنفشه نیلوفر گل سرخ
خطمی از هر یک پنج درم خشک بابونه پوست خربزه اکلیل الملک
برگ کرنب از هر یک سه درم بجوشانند و در آب ان نشینند
و ثفل ان بر عانه و موضع کرده ضماد کنند نطولی که افراط طمث
را نافع باشد صفت آن گل سرخ و برگ مورد از هر یک ده درم
شب یمانی و مازو نیم کوفته و گلنار از هر یک پنج درم پوست انار
نیم کوفته ~~و گلنار از هر یک~~ و جوز السرو و کزمازج از هر یک سه
درم اقاقیا ده درم مجموع را بجوشانند و در ان نشینند
و قرص کهربا و رب مورد بنوشند نطولی که محافظت جنین
کند و نگذارد که پیش از وقت بیرون صفت آن گل سرخ
و هفت درم گلنار و کزمازج از هر یک پنج درم ترب
برگ مورد خشک چهار درم شب یمانی و پوست انار و مازو

انهر یکی سه درم و نیم کوفته بجوشانند و دران نشیند
نطولی که از جهة خروج مقعد نافع باشد صفت آن
گلنار پوست انار جفت بلوط مورد تر گل سرخ مازو از هر یکی
قدری نیم کوفته بجوشانند و دران نشیند نطولی
که سدهٔ بینی بگشاید صفت آن لادن و چوب گز و شونیز
بجوشانند و سر بنجار آن بدارند و با سبوس گندم در
سرکه بجوشانند و سر به بخار آن بدارند نفوخی که گند
بینی ببرد صفت آن زاج سگ و قرنفل مساوی کوفته و بیخته
و به بینی دمند نفوخی که مسکوت را بهوش آرد
صفت آن کندش و خربق سفید کوفته و بیخته اندک
اندک در بینی دمند شونیز و عصارهٔ قثاء الحمار همین
عمل کند شونیز و فلفل و شاهبنانیز همین فایده دارد نفوخی

که صرع

که صرع را نافع باشد صفت آن شحم حنظل قثاء الحمار
نوشادر کندش فلفل اسطوخودوس کوفته و بیخته
بقدر احتیاج در بینی دمند

باب الواو

وجوری که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت
آن حلتیت جند بیدستر کوفته و سکنجبین عسلی حل کرده
وجور سازند وجوری که همین خاصیت دارد صفت آن
رازیانه انیسون زیرهٔ کرمانی جوشانیده صاف کرده
گلقند را دران حل کنند و وجور سازند وجوری که نافع آید
از جهة صداع اطفال نافع باشد صفت آن صعتر جند
بیدستر زیرهٔ کرمانی مساوی کوفته سه جو از آن در شیر
حل کنند و در گلوی طفل ریزند وجوری که سرفهٔ اطفال را
نافع باشد صفت آن رب السوس کثیرا صمغ عربی

از جهة ... صداع ... از اسهال ... شود
صفت آن ... [illegible]
حل کرده ... [illegible]
وجور کنند

نشاسته نانید از هر یک سه درم مغز بادام دو درم
عسل سی درم روغن بادام پنج درم نانید را بعسل
بجوشانند و صاف کنند و ادویها کوفته روغن بادام
با آن ممزوج سازند و قدری از آن در دهن طفل ریزند

باب الیاء

یاقوتی که خفقان
وغشی را نافع است و دل را قوت دهد و فرح آورد صنعت آن
مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت رمانی
گل مختوم بادرنجبویه بهمن صندل سرخ از هر یک دو درم
ورق طلا عقیق یمنی شب ساذج هندی زرنباد درونج
رومی از هر یک یکمثقال لاجورد مغسول یکمثقال و نیم کهربا
نیلوفر زرشک منقی کشنیز خشک تخم گل پوست ترنج گاو
زبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم مقرض

از

از هر یک سه درم طباشیر هفت درم صندل سفید ورق
گل سرخ از هر یک پنجدرم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک
دو مثقال مسک تبتی نیم مثقال شیر آمله پوست هلیله کابلی
گلاب شراب سیب انار شیرین شراب به از هر یک بیست
درم ادویها بکوبند و بحریر بیزند و با شرابها و گلاب و آب
انار بقوام آورده معجون سازند و بعد از چهل روز که در
میان جو گذاشته باشند استعمال نمایند شربتی یکمثقال
یاقوتی دیگر که خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع باشد
و اعضاء رئیسه را قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط
تمام آورد و سودا را دفع کند صنعت آن یاقوت سرخ بسد
کهربا حجر لاجورد گل ارمنی سنبل الطیب ساذج هندی
بهمن سرخ بادرونج از هر یک دو مثقال یاقوت زرد

یاقوت کبود یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته
پوست بیرون بسته بادرنجبویه گل مختوم عنبر اشهب
سند محلول نقره محلول گل دارچینی درونج عقربی سفید از
هر یک چهار مثقال لعل فیروزه یشب ابریشم مقرض
قرنفل نیلوفر صندل سرخ صندل سفید دارچینی کبابه چینی
قاقله کبار از هر یک سه مثقال زمرد یکمثقال و نیم تخم فرنجمشک
گاوزبان طباشیر سفید از هر یک پنج مثقال آمله مقشر
پوست هلیله کابلی از هر یک ده مثقال عصارهٔ زرشک
پانزده درم مشک خالص یکمثقال و نیم کافور نیم مثقال
اب سیب و آب به از هر یک یکمن آب حماض نیم من
گلاب و عرق بیدمشک یکمن نبات مصری یکمن
و نیم نبات را در گلاب و عرق بیدمشک بگذارند

وبا آب سیب و به بقوام زیاده آورند و چون فرو گیرند
آب حماض بران ریزند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر
صلایه کرده بان بسرشند شربتی یکمثقال بنوشند
یاقوتی دیگر قوی التفریح و آنرا از غایت تفریح روحانی
گویند و جگر را قوت دهد و مالیخولیا و امراض سوداوی
را بغایت نافع باشد صفت آن مروارید ناسفته
مرجان کهربا فرنجمشک از هر یک یکدرم صندل سرخ و
صندل سفید طباشیر زرنباد بادرنجبویه قرنفل سادج
هندی عود قماری ابریشم مقرض پوست ترنج از هر یک
دو درم گاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت عقیق یمنی
ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از
هر یک یکدرم مشک نیم درم قند سفید پنجاه درم عسل

صلایه کرده معجون سازند چنانکه رسم است
یاقوتی معتدل ضعف دل و وسواس
سوداوی و خفقان را نافع باشد و دل را قوت دهد
و نشاط هرچه تمامتر آورد صفت آن مروارید ناسفته
تخم بادرنجبویه پوست بیرون بسته بیخ ترنج
صندل سرخ صندل سفید ورق گل سرخ از هریک
سه درم بهمن سرخ کبابه چینی از هریک یکدرم
و نیم کهربا بسد قرنفل ساذج هندی دارچینی از هریک
یکدرم لعل عود خام از هریک یکمثقال یاقوت زرد
عنبر اشهب زر محلول نقره محلول از هریک نیم مثقال
بهمن سفید کشنیز خشک گل ارمنی طباشیر از هریک
دو درم زرنباد کافور قیصوری از هریک نیمدرم

گاوزبان آمله از هریک پنجدرم عصارهٔ زرشک ده
درم زعفران دانگی و نیم شراب به بیست مثقال
شراب حماض نیم من شراب سیب چهل مثقال
داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده در شرابها
بقوام آورده بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر
یاقوت حجر لاجورد یشب سنبل قاقله کبار قاقله صغار
گل مختوم گل ارمنی عنبر اشهب بادزهر ماه فرفین ورق
طلا ورق نقره از هریک یکمثقال مروارید ناسفته
کهربا بسد بهمن سرخ بهمن سفید قرفه درونج عقربی
زرنباد سعد کبابه چینی صندل سرخ صندل سفید
کشنیز یابس پوست هلیله زرد آمله مقشر تخم کاسنی
مشک خالص از هریک دو مثقال بادرنجبویه پوست

ترنج گاوزبان طباشیر عود خام ابریشم مقرض
از هر یک چهار مثقال نارمشک زنجبیل سادج هندی
شقاقل زرشک منقی گل نیلوفر مصطکی زعفران
از هر یک سه مثقال نبات یکمن و نیم آب به آب سیب
آب امرود آب انار شیرین گلاب عرق بیدمشک
عرق گاوزبان از هر یک یکچهاریک نبات را در
عرقها بگدازند و با آب میوها بقوام آورند و ادویه
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده با آن بسرشند
و بعد از چهل روز استعمال نمایند یاقوتی دیگر یاقوت
زرد یاقوت سرخ لعل بجر لاجورد عقیق یمنی
ماه فرفین خطایی سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی
از هر یک یکمثقال کهربا مروارید ناسفته بسد بهمن

سرخ

سرخ بهمن سفید قرفه نارمشک قاقله صغار شقاقل
صندل سرخ صندل سفید زرشک منقی گل نیلوفر پوست
هلیله کابلی مصطکی ابریشم خام مقرض از هر یک سه
مثقال فادزهر حیوانی عنبر اشهب از هر یک یکمثقال
و نیم یشب و زرنباد و سعد هندی کبابه چینی ورق
گل سرخ کشنیز خشک آمله مقشر تخم کاسنی ورق طلا
ورق نقره از هر یک دو مثقال فرنجمشک و طباشیر
سفید از هر یک چهار مثقال قاقله کبار چهار عدد زعفران
مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من
آب به آب سیب آب امرود از هر یک نیم من گلاب
و عرق بیدمشک از هر یک صد درم عرق گاوزبان ده
درم آب انار عذب یکمن عسل سفید مصفی نیم من

بنات را در عرقها بگدازند و با عسل و آب میوها بقوام
آورند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده
بآن بسرشند شربتی یکمثقال با قوت دیگر نسخه
شیخ ابو علی سینا مالیخولیا و امراض سوداوی را
بغایت نافع باشد و نشاط هرچه تمامتر آورد و اعضا
رئیسه را قوت دهد صفت آن یاقوت رمانی
گاوزبان تخم کاسنی مشک خالص کافور از هر یک یکدرم
مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض
و سرطان نهری محرق از هر یک یکمثقال و دانکی نخالهٔ طلا
مکلس دو دانک فرنجمشک تخم بادروج اسطوخودوس
از هر یک سه درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول
لاجورد مغسول مصطکی سلیخه دارچینی زعفران هال قاقله

کبار

کبار دارچینی ماه فرفین خطایی از هر یک یکمثقال افتیمون
دو درم و نیم ترنجبین و سنبل ساذج هندی از هر یک
دو درم درونج عقربی و عنبر اشهب از هر یک دو
مثقال تخم خیار و ورق گل سرخ از هر یک چهار درم
گلاب صد مثقال شراب حماض شراب سیب
شیرین شراب انار عذب از هر یک سی مثقال عسل
صاف کرده بقدر احتیاج بطریق معهود معجون
سازند شربتی یکمثقال بعد از چهل روز تمام توان
خورد تم الکتاب بعون الملک الوهاب فی تاریخ
چهارم شهر ربیع الثانی سنه ۱۰۷۴
علی ید العبد المذنب المبلی
محمود طبسی عفی عنه
م م

بسم الله الرحمن الرحیم

سنبل و فرفیون عاقرقرحا هر یکی زین یکی بکش تنها
فلفل ابیض است و بزرالبنج هر یکی بیست جزو زین اجزا
زعفران پنج بار افیون ده این سه را جمع کن ز بهر دوا
سه بمقدار او ویه اسعل زانکه شهد است شاهد نصفا
شربتی یکدرم ازین نکند که خوری پیش ازین شوی ز سوا
رگ سستت کند چه سنگ سخت مست گردی و واله و شیدا
گر کسی پرسدت چه خوردی تو گو جوابش که خواجه بر شرعشا
تریاق برشعثا که از قانون ابو علی سینا رحمة الله علیه
وگفت سید اسمعیل جرجانی رحمة الله علیه فلفل سفید
٣ ٢
برزالبنج افیون زعفران فرفیون
٢ درهم ١٠ درهم ٥ درهم ١
عاقرقرحا سنبل عسل کف گرفته سه چندان
١ درهم
تا بقدر کفایت شربتی یکمثقال و این غایت است

وکمترین

وکمترین دانکی برای سل چند نخودی باب گرم
گرم نزدیک خوابیدن در زمستان با نزده دو زو
در تابستان هر شب یکبار با بنیم گرم و روغن
بادام و شکر هندومی اجی که بغایت خشک باشد
احتیاط باید کرد و برای صداع سر دو حبه در بینی
اندازد باب مرزنجوش و برای لقوه همچنین
و برای بجود بها حلو حبه در دهن گیرد و آب
اورا فرو میبرد و برای سعال نو و کهنه باب
مرزنجوش و برای ضیق النفس و ربو بابی
که زیره و اصل سوسن در وجوشانیده باشند
و برای سپرز بکلاب و سرکه و برای درد پهلو
راست باب اصول و برای پهلو چپ باب

حلتیت و برای درد جگر باب وعسل اگر از سردی بود باء
الاصول اگر از سده بود و برای اسهال باب مورد و
برای درد کمرگاه باب گرم در زمستان و در تابستان
کل بنیم گرم و برای شجاج باب انیسون جوشیده
باشد و برای نصیر باب بزر قطونا و اب گرم و برای تب
باد ر و معده باب و برای دیگ مثانه باب سداب با
برگ ترب لیکن نهاده بقی بیرون انداز دو
برای بیماری بیخوابی باب خشخاش در وی پخته باشد
و برای ناصور در مقعد باب کندنا و برای
گرانی زبان هر روز در دهن گیرد تا فرو برد
و برای بچه که ندارد و درد یافی بود باب
حلبه و برای کسی که افیون داده باشند

باب

باب دارچینی و برای کسی که کافور داده
باشند باب که عود در وی پخته باشند
و برای گزیدن عقرب باب عسل و برای گزیدن
افعی بروغن گاو بدهند تا قی کنند قی بسیار کنند
شود علامت آن باشد که زهر نمانده باشد
و برای کسی که دوای کشنده داده باشند
و برای سگ دیوانه گزیدن باب که سبوس
در وی پخته باشند و برای باز ایستادن
حیض باب که عناب و مویز در وی پخته باشند
و برای بیماری اسهال باب سماق و برای قولنج
باب اصل سوس در وی پخته باشند و
الله اعلم بالصواب و التوفیق

[illegible]

شیخ عبد البرکات یزدی از برای قوت باه معجون طلب کرده

زخواجه کان افاضل نظام ملت والدین که با نوچرخ

ستیزه رای لستیزد توالحکیم مسیحا دم مجدد ایام

که در زمان تو علت ز خلق بگریزد مراست علتی از ضعف پشت کی سببی باه

کزین سبب دل مسکین بغم در آمیزد سه چار هفته که شد شای حکم با این غضب

حرارتی که ز شهوت بود نه انگیزد خروش و سعی سحر خیز بوده واکنون

چو ماکیان سحر خانه بر نمی خیزد هنوز ناشده اندر سرای چون مستان

زباد در ابد و از کبک سگ و نی بزد زبسکه هست مدمغ طبیعت شوم مس

به پیش هیچ کس از پای بر نمی خیزد خدا برای تو بخشنده داد و ابی کن

وگرنه یار ز پیشم چه بخت بگریزد جواب از مولانا بوعلی

توان بخشنده سوالی که نظم سخن ز بهر طبع لطیف که فرو ریزد

سوال کرده از من ز ضعف سستی باه زهی لطیف جوابی که ذوق انگیزد

زنجبیل شفا فل کبابه بهمن به زنجبیل فرو کوبد و فرو بیزد

ز زعفران ز ثعلب و صمنقور و مغز حلقوزه بمشک اشهب و مغز جوز اميزد

ز دارچینی و فلفل برو غن پسته بقند صاف چه دادی بهم فرو ریزد

بهر صباح از آن جمله یکدرم بخورد که کرد و سخت کند باه را برانگیزد

قضای خود بهم قلبه نرگسی بازد بشرط آنکه ز دیگر قضا بپرهیزد

هزار نگار پری رخ که ضرب تو بینند چنان مطیع تو کردد که تو نگریزد

به هفته دیگران عضو آنچنان گردد

که از سلاست آن نره شیر بگریزد

هر که آب سداب را بجوشاند
در بدن مالد هر کز بجام او
شپش نیفتد

هر که تخم گندنا با یک درم
شکر سه روز بخورد اگر
خون شکم داشته باشد باز ایستد

وزن اجزا

233

کندر دواله سنبل زعفران

۸۲ ۸۲ ۸۲ ۸۳

کبابه ساذج کل [illegible] ناجیل

۸۲ ۸۲ ۸۲ ۸۴

شقاقل لیسان [illegible] سعد عود

۸۵ ۸۳ ۸۲ ۸۲

بسبایج [illegible] فلفل دارفلفل صندل

۸۵ ۸۱ ۸۵ ۸۳

دارچینی جوز ورق زنجبیل

۸۵ ۸۳ ۸۱ ۸۵

درونج جدوار [illegible] عنبر

۸۲ ۸۲ ۸۱۵ ۸۱

جلنار [illegible] زرنب

۸۲ ۸۲

مصطکی سورنجان

۸۳ ۸۳

انیسون زیره کرمانی

۸۵ ۸۳

اجزا را کوفته و بیخته

با سه برابر عسل خام

[illegible]

کندر ست و دواله و سنبل

زعفران و کبابه ساذج و گل

[illegible]

BLANK PAGE





BLANK PAGE

foliated 3/23/90



END OF REEL

PLEASE REWIND